



# فرازهایی از احکام اسلامی (۱)

کد: ۱۰۱/۳

نماینده ولی فقیه در سپاه

پژوهشکده تحقیقات اسلامی



پژوهشکده تحقیقات اسلامی  
ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه اسلامی

نام کتاب: فراهایی از احکام اسلامی (۱)      کد ۱۰۱/۳
تهیه کننده: پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
نویسنده: نعمت‌الله یوسفیان
ناشر: معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
حروفچینی و صفحه‌آرایی: پژوهشکده تحقیقات اسلامی
چاپ: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه
تاریخ انتشار: پاییز ۱۳۹۰
شمارگان: ۱۰۰۰

## فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	۵
مقدمه.....	۷
<b>درس اول: تقلید</b>	
شرایط مرجع تقلید.....	۹
در چه مسائلی باید تقلید کرد؟.....	۱۰
حکم عمل بدون تقلید.....	۱۰
استفتاءاتی از مقام معظم رهبری.....	۱۱
برخی از اصطلاحات فقهی.....	۱۴
<b>درس دوم: نماز</b>	
اقسام نماز.....	۱۷
استفتاءاتی از مقام معظم رهبری.....	۲۰
<b>درس سوم: مقدمات نماز (۱)</b>	
طهارت.....	۲۴
استفتاءاتی از مقام معظم رهبری.....	۲۶
<b>درس چهارم: مقدمات نماز (۲)</b>	
وضو.....	۳۰
غسل.....	۳۳
تیمم.....	۳۵
<b>درس پنجم: مقدمات نماز (۳)</b>	
اوقات نماز.....	۳۷
احکام وقت نماز.....	۳۹
قبله.....	۴۱
قبله کجاست؟.....	۴۱
کیفیت رو به قبله بودن در نمازها.....	۴۱
راههای پیدا کردن قبله.....	۴۲
<b>درس ششم: مقدمات نماز (۴)</b>	
لباس نمازگزار.....	۴۴
استفتاء.....	۴۶
استفتاء.....	۴۷
مکان نمازگزار.....	۴۹

نیّت روزه	۹۱
زمان نیّت روزه	۹۲
احکام نیّت	۹۳

#### درس چهاردهم: روزه (۲)

مبطلات روزه	۹۴
استفتاء	۹۶
احکام مبطلات	۹۸

#### درس پانزدهم: خمس

موارد خمس	۹۹
سال خمسی	۱۰۳
پیامدهای ندادن خمس	۱۰۵
مصرف خمس	۱۰۵
استفتاء	۱۰۵

#### درس شانزدهم: زکات

موارد وجوب زکات	۱۰۷
نصاب غلات و زکات آن	۱۰۷
نصاب دامها و زکات هر کدام	۱۰۸
نصاب و زکات طلا و نقره	۱۰۸
احکام زکات	۱۰۸
مصرف زکات	۱۰۹

#### درس هفدهم: امر به معروف و نهی از منکر

اقسام امر به معروف و نهی از منکر	۱۱۰
شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر	۱۱۱
مراتب امر به معروف و نهی از منکر	۱۱۴
یک نکته مهم	۱۱۵
فهرست منابع	

#### درس هفتم: واجبات نماز (۱)

۱- رکن:	۵۵
---------	----

#### درس هشتم: واجبات نماز (۲)

۲- غیر رکن:	۵۹
-------------	----

#### درس نهم: مُبطلات نماز

احکام مبطلات نماز	۶۴
مکروهات نماز	۶۸

#### درس دهم: نماز مسافر

موارد تمام بودن نماز در سفر	۶۹
تمام بودن نماز در بعضی مکانها	۷۱
وطن کجاست؟	۷۱
قصد اقامت ده روز	۷۳
احکام نماز مسافر	۷۵

#### درس یازدهم: نماز جماعت و جمعه

وظایف مأموم در جماعت	۷۶
احکام نماز جماعت	۷۷
نماز جمعه	۷۹
وظیفه امام جمعه هنگام ایراد خطبهها	۸۰
وظیفه نمازگزاران جمعه	۸۰

#### درس دوازدهم: نماز قضا و مستحبی

احکام نماز قضا	۸۳
نماز قضای پدر	۸۵
نمازهای مستحب	۸۷

#### درس سیزدهم: روزه (۱)

آداب روزه	۹۱
-----------	----

## پیش‌گفتار

تعلیم و تربیت دینی و انقلابی کارکنان سپاه در جهت تقویت و ارتقای معرفت، ایمان و توانمندسازی و توسعه دانش و بینش آنان رسالتی است بس بزرگ که برعهده معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نهاده شده است.

تحقق عمده این مأموریت خطیر در پرتو نظام آموزش کارآمد و بالنده امکان‌پذیر می‌شود تا زمینه ارتقای روحی و معنوی و تقویت دانش، بینش و منش اسلامی کارکنان سپاه را فراهم آورد و پاسدارانی مؤمن، بصیر، شجاع و آگاه تربیت کند که از ایمان و معنویت، معرفت دینی و بصیرت انقلابی لازم برخوردار باشند.

چنانکه مقام معظم رهبری فرموده‌اند:

مسئله آموزش در همه جا مهم است ولی در سپاه از اهمیت مضاعفی برخوردار است. اگر در سپاه پاسداران آموزشهای قوی در مسایل عقیدتی سیاسی وجود نداشته باشد دیگر سپاه را به عنوان بازوی توانای انقلاب اسلامی نمی‌توان مطرح ساخت حرکت سپاه یک حرکت مستمر است و اگر قرار باشد این حرکت باقی بماند افراد سپاه باید آموزش دیده باشند و کسانی که این مهم را به عهده دارند شما هستید.<sup>۱</sup>

با توجه به اجرای «نظام تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی سپاه» از سالیان اولیه تأسیس این نهاد انقلابی و ضرورت بازنگری و بهینه‌سازی آن در چارچوب تدابیر فرمانده معظم کل قوا حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی) و براساس راهبردهای تحول و تعالی سپاه، نظام

تربیت و آموزش مورد بازبینی و تجدید نظر قرار گرفت. نظام جدید گرچه به امر خطیر آموزش و تقویت دانش عقیدتی سیاسی پاسداران توجه کافی مبذول شده است اما رویکرد اصلی آن تربیت محوری و معنویت‌افزایی بوده و سرفصلهای آموزشی آن نیز بر این اساس تنظیم شده است.

یکی از دوره‌های مهم آموزشی که در نظام جدید مورد توجه قرار گرفته است آموزشهای طولی پاسداران، بسیجیان و سربازان است که به معرفت‌افزایی نسبت به معارف پایه‌ای اسلام و مباحث بنیادی با رویکرد تربیتی می‌پردازد.

هم‌اکنون کلیه دوره‌های آموزشی سپاه در حال بازنگری و بازبینی است و طبیعی است که در تدوین موضوعات و سرفصلهای آموزشی، ارزشیابی، بازخوردگیری، و در نهایت اصلاح یا تغییر سرفصلهای آموزشی امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. کتاب حاضر تا قبل از بازنگری و تدوین متون جدید در دوره‌های طولی سپاه تدریس می‌شود.

مسئولیت تهیه و تدوین متون آموزشی مورد نیاز نمایندگی ولی فقیه در سپاه به عهده پژوهشکده تحقیقات اسلامی است. این متون با توجه به سطح معلومات، نیازها و تخصص نیروهای آموزشی، در گروههای تحقیقاتی پژوهشکده تدوین و پس از طی مراحل اعتباربخشی محتوایی و شکلی به تأیید نماینده ولی فقیه در سپاه و یا نماینده ایشان می‌رسد.

پیشنهادهای و تجربیات مربیان ارجمند و متریان گرامی، در رفع کاستی‌های متون آموزشی راهگشا و مشوق ما در رفع کاستی‌های متون آموزشی خواهد بود.

**معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی**

**نمایندگی ولی فقیه در سپاه**

## مقدمه

احکام دین از اهمیت خاصی برخوردارند و در اسلام نسبت به فراگیری آنها سفارش شده است. مسلمانان باید بر اساس تعالیم اسلامی فرصت مناسبی برای فراگرفتن مسائل دینی خود قرار داده، برنامه‌های زندگی خود را طبق آموخته‌های دینی در زمینه‌های مختلف تنظیم کنند. رسول خدا(ص) فرمود:

وای بر هر مسلمانی که در هر هفته، یک روز را برای شناخت امر دین خود و پرسش از آن قرار ندهد!<sup>۱</sup>

علمای اسلام نیز در بیانات خود اهمیت فراگیری احکام را خاطر نشان و بر آن تأکید کرده‌اند: «مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد»<sup>۲</sup>، «فراگیری حکم هر عملی که از مکلف صادر می‌شود، واجب است خواه از عبادات و یا از امور عادی باشد»<sup>۳</sup> و.... به دستورهای عملی اسلام در تمام ابعاد زندگی - اعم از عبادی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و.... - احکام گویند. در تقلید نیز فرقی بین احکام عبادی و غیر عبادی وجود ندارد؛ یعنی بر غیر مجتهد که نمی‌تواند احتیاط کند، واجب است در همه این مسائل، از مجتهد جامع شرایط تقلید کند. کتاب حاضر فرازهایی از احکام فقهی است که در راستای دستورهای عملی اسلام و مطابق نظرات امام خمینی - قدس سره - تهیه و تدوین و به مناسبت هر درسی و بحثی از استفتاءات و نظرات مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای (حفظه الله) نیز استفاده شده است. در این کتاب سعی شده مسائل تا حد امکان به صورت کلاسیک و با روش دسته بندی ارائه گردد. انتظار می‌رود دانشجویان عزیز با فراگیری این دوره، از احکام فقهی مورد نیاز خود آگاهی یافته و در مواقع لزوم آنها را به کار بندند و زندگی خود را با موازین شرع مقدس تنظیم کنند. امید است این قدم کوچک مورد قبول خداوند متعال قرار گرفته، در تبیین احکام اسلامی مفید و مؤثر باشد.

پژوهشکده تحقیقات اسلامی

۱ - بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۷۶.

۲ - توضیح المسائل، حضرت امام خمینی (ره)، مسأله ۱۱.

۳ - عروة الوثقی، سید محمد کاظم یزدی، ص ۴، مسأله ۲۹.

## درس اول

### تقلید

قبل از ورود به بحث احکام تقلید، به بیان مطلبی درباره اهمیت فراگیری احکام می پردازیم، تا ضرورت فراگیری آن بر انسان مکلف، به ویژه جوانان این مرز و بوم روشن تر گردد.

اسلام برای نیازمندی های انسان - اعم از مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی - قوانین و مقرراتی وضع کرده که در مجموعه های گوناگون فقهی تدوین و تألیف یافته و علم فقه را تشکیل می دهد. علم فقه در واقع، روش اصیل بندگی، کیفیت صحیح و انسانی روابط اجتماعی و عالی ترین نظامات حیاتی است که ناظر به تمام ابعاد زندگی انسان می باشد و به تعبیر امام راحل - قدس سره - «فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع، از گهواره تا گور است».<sup>۱</sup>

به خاطر اهمیت فوق العاده فقه و احکام شرعی، اولیای گرامی اسلام، پیروان خود را به فراگیری آن سفارش می کردند و کسانی را که از این وظیفه خطیر سرباز زده و یا در امر فراگیری احکام شرعی سهل انگاری می نمودند، مستحق عقوبت و سرزنش می دانستند.

امام باقر (ع) می فرماید:

لَوْ أُتِيتُ بِشَابٍّ مِنْ شُبَّانِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَّقُهُ لَأَدَّبْتُهُ.<sup>۲</sup>

اگر یکی از جوانان شیعه را نزد من بیاورند که تفقه نمی کند، او را تأدیب می کنم!

امام کاظم (ع) نیز می فرماید:

لَوْ وَجَدْتُ شَابًّا مِنْ شُبَّانِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَّقُهُ لَضَرَبْتُهُ عَشْرُونَ سَوْطًا.<sup>۳</sup>

---

۲ - بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۴.

۱ - صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۸.

۳ - بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۶.



اگر یکی از جوانان شیعه را بیابم که دانش‌های ضروری دین را نمی‌آموزد، بیست ضربه تازیانه به او می‌زنم!

قلمرو احکام دین، کلیه دستوره‌های عملی را در بر می‌گیرد؛ و به تعبیر امام خمینی (ره): هیچ موضوع حیاتی نیست که اسلام، تکلیفی برای آن مقرر نداشته و حکمی درباره آن نداده باشد.<sup>۱</sup>

ابتدای ورود به فراگیری احکام برای افراد غیر مجتهد، «تقلید» می‌باشد. لذا نخست به بررسی تقلید در احکام می‌پردازیم. تقلید در احکام، عمل کردن به دستور مجتهد است.<sup>۲</sup> همچنین به مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند، «مرجع تقلید» می‌گویند.

### شرایط مرجع تقلید

از مجتهدی باید تقلید کرد که مرد، بالغ، عاقل، شیعه دوازده امامی، حلال‌زاده، زنده و عادل باشد و نیز بنا بر احتیاط واجب، حریص به دنیا نباشد و از مجتهدین دیگر اعلم باشد؛ یعنی در فهمیدن حکم خدا از تمام مجتهدین زمان خود استادتر باشد. (مسأله ۲)

از میان شرایط یاد شده به توضیح دو شرط زیر بسنده می‌کنیم:

۱ - **زنده بودن:** با توجه به اینکه «زنده بودن» یکی از شرایط مرجع تقلید است، «تقلید ابتدایی» از مجتهدی که از دنیا رفته جایز نیست؛ یعنی کسی که تازه به سن بلوغ رسیده و یا تا کنون تقلید نمی‌کرده، باید از مجتهد زنده تقلید کند. اما «تقلید استدامه‌ای» مانعی ندارد و آن زمانی است که مقلد از مرجعی تقلید کند و او از دنیا برود، در این صورت - با اجازه مرجع تقلید زنده - می‌تواند بر همان تقلید سابق خود باقی بماند.<sup>۳</sup>

۲ - **عادل بودن:** عدالت، ملکه راسخی است که همواره شخص را به تقوا وامی‌دارد و عادل کسی است که واجبات را انجام داده و کارهای حرام را ترک می‌کند. از راه‌های شناخت عدالت

۱ - ولایت فقیه، امام خمینی (ره)، ص ۹.

۲ - توضیح المسائل، امام خمینی (ره)، مسأله ۲ (از این پس تا پایان جزوه هر جا به توضیح المسائل امام خمینی (ره) آدرس داده می‌شود، فقط کلمه «مسأله» و شماره آن، در متن و در پایان مسأله می‌آید).

۳ - تحریر الوسیله، امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۷، مسأله ۱۳.

می‌توان به «شهادت دو نفر عادل»، «معاشرت مفید علم یا اطمینان»، «مشهور بودن به عدالت - در صورتی که این شهرت، علم آور باشد»، «حسن ظاهر، مواظبت بر احکام شرعی، حضور در جماعت‌های مسلمانان و...» اشاره نمود.<sup>۱</sup>

### در چه مسائلی باید تقلید کرد؟

عقیده مسلمان به اصول دین باید از روی دلیل باشد؛ ولی در احکام غیر ضروری دین باید یا خود مجتهد باشد که بتواند احکام را از روی دلیل به دست آورد، یا از مجتهد تقلید کند و یا به احتیاط عمل کند. (م چ ۱)

به عبارتی ساده‌تر، عقیده مسلمان به اصول پنجگانه دین - توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت - باید از روی دلیل و برهان باشد و بدون دلیل نمی‌تواند گفته کسی را در این زمینه قبول کند، بنابراین، اگر کسانی در اثبات اصول اعتقادی مطالبی را طرح کنند و دلیل و برهان اقامه نمایند و انسان بدان وسیله به اصول دین علم و یقین پیدا کند، کافی است، همین‌طور اگر به عالمان دینی اطمینان داشته باشد و سخن آنان را در مورد اصول دین بپذیرد، تبعیت و پیروی صحیح است. در این باره به استفتای زیر توجه کنید.

سؤال - آیا واجب است که اعتقاد انسان به اصول دین، از روی تحقیق باشد یا اینکه تقلید از اهل فن کفایت می‌کند؟

جواب - در اصول اعتقادی، میزان علم و یقین است و اگر از قول دیگری حاصل شود کفایت می‌کند.<sup>۲</sup>

### حکم عمل بدون تقلید

چنانچه مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام داده، در هر یک از سه صورت زیر اعمال او صحیح است:

الف - به وظیفه واقعی خود رفتار کرده باشد.

ب - عمل او با فتوای مجتهدی که وظیفه اش تقلید از او بوده، مطابق باشد.

ج - عمل او با فتوای مجتهدی که فعلاً باید از او تقلید کند، مطابق باشد. (م ۱۴)

۱ - همان، ص ۹-۱۰، مسأله ۲۸. ۲ - استفتائات از محضر امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۷.

### چند مسأله

- ۱ - تا انسان یقین نکند که فتوای مجتهد عوض شده است، می‌تواند به آنچه در رساله نوشته شده، عمل نماید و اگر احتمال دهد که فتوای او عوض شده، جستجو لازم نیست. (م ۶)
- ۲ - مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد. (م ۱۱)

### استفتاءاتی از مقام معظم رهبری

الف - راه‌های سه گانه: اجتهاد، احتیاط، تقلید

- ۱ - آیا وجوب تقلید، امری تقلیدی است یا اجتهادی؟  
جواب - این مسأله، عقلی و اجتهادی است. (یعنی عقل حکم می‌کند که شخص نا آگاه به احکام دین، به مجتهد جامع الشرایط مراجعه کند)
- ۲ - ... عمل به احتیاط بهتر است یا تقلید؟  
جواب - چون عمل به احتیاط مستلزم شناسایی موارد و چگونگی احتیاط و صرف وقت بیشتر است، بهتر آن است که مکلف در احکام دین از مجتهد جامع الشرایط تقلید کند.
- ۳ - قلمرو احتیاط در احکام دین در بین فتاوی فقها چه اندازه است؟ آیا رعایت آرای فقیهان گذشته نیز لازم است؟  
جواب - مراد از احتیاط در موارد آن، رعایت همه احتمالات فقهی است به طوری که مکلف مطمئن شود به وظیفه خود عمل کرده است.
- ۴ - گاهی از افراد کم اطلاع از مسائل دینی درباره مرجع تقلیدشان پرسش می‌شود، می‌گویند نمی‌دانیم، یا اظهار می‌دارند از فلان مجتهد تقلید می‌کنیم، ولی عملاً التزامی به خواندن رساله آن مجتهد و عمل به فتاوی او ندارند، اعمال این گونه افراد چه حکمی دارد؟  
جواب - اگر اعمال آنان موافق احتیاط یا مطابق با واقع یا با نظر مجتهدی باشد که وظیفه دارند از او تقلید کنند، محکوم به صحت است.

### ب - آموختن احکام دینی

- ۱ - آیا کسی که در آموختن احکام دینی مورد نیاز خود کوتاهی می‌کند، گناهکار است؟  
جواب - اگر نیاموختن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بیانجامد، گناهکار است.
- ۲ - مراد از جاهل مقصر چه کسی است؟

جواب - جاهل مقصّر به کسی گفته می‌شود که متوجه جهل خود بوده و راه‌های رفع جهالت خود را می‌داند، ولی در آموختن احکام کوتاهی می‌کند.

۳ - جاهل قاصر کیست؟

جواب - جاهل قاصر کسی است که اصلاً متوجه جهل خود نیست و یا راهی برای برطرف کردن جهل خود ندارد.

### ج - شرایط مرجع تقلید

۱ - از چه کسی باید تقلید کنیم؟

جواب - از مجتهدی که جامع شرایط فتوا و مرجعیت است و بنا بر احتیاط باید اعلم هم باشد.

۲ - نظر جناب‌عالی در اشتراط اعلیت چیست؟

جواب - در صورت تعدد فقهای جامع شرایط و اختلاف آنان در فتوا، بنا بر احتیاط واجب مکلف باید از اعلم تقلید نماید. مگر آنکه احراز شود که فتوای وی مخالف احتیاط است و فتوای غیر اعلم موافق با احتیاط.

۳ - معیار و ملاک اعلیت چیست؟

جواب - ملاک اعلیت این است که آن مرجع نسبت به سایر مراجع قدرت بیشتری بر شناخت حکم الهی داشته باشد و بهتر بتواند احکام شرعیه را از ادله استنباط کند و همچنین نسبت به اوضاع زمان خود به مقداری که در تشخیص موضوعات احکام و ابراز نظر فقهی مؤثر است آگاه‌تر باشد.

۴ - این که گفته می‌شود باید از مجتهدی تقلید نمود که عادل باشد، مقصود از عادل چه کسی است؟

جواب - عادل کسی است که پرهیزکاری او به حدی رسیده باشد که از روی عمد مرتکب گناه نشود.

۵ - آیا عدالت معتبر در مجتهد و مرجع تقلید با عدالت معتبر در امام جماعت از حیث شدت و

ضعف تفاوت دارد؟

جواب - با توجه به حساسیت و اهمیت منصب مرجعیت در فتوا، بنا بر احتیاط واجب شرط است که مجتهد مرجع تقلید علاوه بر عدالت، قدرت تسلط بر نفس سرکش را داشته و حرص به دنیا نداشته باشد.

۶ - آیا اطلاع از اوضاع زمان و مکان از شرایط اجتهاد است؟

جواب - ممکن است این شرط در بعضی از مسائل دخیل باشد.

۷- آیا تقلید ابتدایی از میت جایز است؟

جواب - در تقلید ابتدایی، احتیاط در تقلید از مجتهد زنده و اعلم، نباید ترک شود.

د- راههای اثبات اجتهاد و به دست آوردن فتوا

۱- راههای انتخاب مرجع و به دست آوردن فتوا کدام است؟

جواب - احراز اجتهاد و اعلمیت مرجع تقلید به وسیله امتحان یا تحصیل یقین ولو از شهرت

مفید علم یا اطمینان، یا با شهادت دو نفر عادل از اهل خبره صورت می‌گیرد.

راههای به دست آوردن فتوای مجتهد عبارتند از:

۱- شنیدن از خود مجتهد.

۲- شنیدن از دو یا یک فرد عادل.

۳- شنیدن از یک نفر مورد اطمینان.

۴- دیدن در رساله مجتهد در صورتی که رساله مصون از اشتباه باشد.

ه- بقا بر تقلید میت

۱- حکم بقا بر تقلید میت اگر اعلم باشد چیست؟

جواب - بقا بر تقلید میت در هر حالی جایز است نه واجب. ولی سزاوار است احتیاط در بقا بر

تقلید میت اعلم ترک نشود.

۲- آیا در بقا بر تقلید میت، اجازه از مجتهد اعلم معتبر است و یا اجازه هر مجتهدی کافی است؟

جواب - در جواز بقا بر تقلید میت، در صورتی که مورد اتفاق فقها باشد، اجازه از اعلم واجب نیست.

۳- شخصی که از امام راحل (قدس سره) تقلید می‌کرده و بعد از رحلت ایشان در بعضی از مسائل

از مجتهد دیگری تقلید کرده است اکنون آن مجتهد نیز وفات نموده است این شخص چه تکلیفی دارد؟

جواب - می‌تواند مانند گذشته بر تقلید از امام (قدس سره) در مسائلی که از ایشان عدول

نکرده باقی بماند. همچنان که مخیر است در مسائلی که عدول نموده بر فتوای مجتهد دوم

باقی بماند و یا به مجتهد زنده عدول کند.

۴- آیا جایز است در یک مسأله با وجود اختلاف در فتوا گاهی به فتوای مجتهد میت رجوع کنم و

گاهی به فتوای مجتهد زنده اعلم؟

جواب - بقا بر تقلید میت تا زمانی که به مجتهد زنده عدول نشده، جایز است و پس از عدول

رجوع مجدد به میت جایز نیست.

۵- بنا بر جواز بقا بر تقلید میت، آیا این حکم شامل اشخاصی که در زمان حیات مجتهد مکلف نبوده، ولی به فتاوی آن مرجع عمل کرده‌اند، هم می‌شود؟  
جواب- اگر تقلید شخص غیر بالغ از مجتهد جامع الشرایط به نحو صحیح محقق شده باشد، تقلید وی در زمان حیات مجتهد برای باقی ماندن بعد از بلوغ بر تقلید همان مجتهد بعد از فوتش کافی است.

### و- عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر

۱- در چه صورتی جایز است، مقلد از مرجع تقلیدش عدول کند؟  
جواب- عدول از مرجع تقلید زنده به مجتهد دیگر جایز نیست علی‌الاحوط، مگر در صورتی که مرجع دوم اعلم از مرجع اول و فتوای او در مسأله مخالف فتوای مجتهد اول باشد.  
۲- آیا عدول از اعلم به غیر اعلم در مواردی که فتاوی مرجع اعلم منطبق با زمان نباشد و یا عمل به آن بسیار دشوار باشد، جایز است؟  
جواب- تنها گمان به ناهماهنگی فتاوی مرجع تقلید با زمان و شرایط حاکم بر آن و یا دشواری عمل به فتاوی او، سبب جواز عدول از مجتهد اعلم به مجتهد دیگر نمی‌شود.<sup>۱</sup>

### برخی از اصطلاحات فقهی

۱- فتوا: گاهی مجتهد در بیان مسائل شرعی، نظری قطعی و خالی از احتیاط دارد؛ به این بیان مجتهد در اصطلاح، «فتوا» گفته می‌شود، مثل این که بگوید:  
در وضو واجب است صورت و دست‌ها را بشویند و جلوی سر و روی پاها را مسح کنند.  
(م ۲۳۶)

۲- احتیاط مستحب: گاهی مجتهد در بیان مسائل شرعی نظر قطعی را ابراز می‌کند؛ یعنی، فتوایی دهد و سپس «احتیاط» می‌کند. به این احتیاط که بعد از فتوا ایراد شده، در اصطلاح، «احتیاط مستحب» گفته می‌شود. در این گونه موارد که بعد از فتوا احتیاط وارد شده، یا باید به فتوا عمل کنیم، یا به احتیاط بعد از فتوا؛ مثل این که بگوید:  
بعد از تکبیر امام جماعت، اگر صف جلو آماده نماز و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد، کسی

۱- ر.ک. رساله اجوبة الاستفتاءات (ترجمه فارسی)، حضرت آیه‌ا... العظمی خامنه‌ای (دام ظلّه العالی)، احکام تقلید.

که در صف بعد ایستاده، می‌تواند تکبیر بگوید، ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا تکبیر صف جلو تمام شود. (م ۱۴۱۸)

**۳- احتیاط واجب:** گاهی مجتهد در بیان حکم شرعی فتوا نمی‌دهد و نظر قطعی ابراز نمی‌کند، بلکه از ابتدا وظیفه مکلف را به صورت احتیاط بیان می‌کند، به این احتیاط، در اصطلاح «احتیاط واجب» گفته می‌شود؛ و فرق آن با احتیاط مستحب در این است که احتیاط مستحب به دنبال فتوا بیان می‌شود، ولی در احتیاط واجب مجتهد فتوا نداده است؛ مثل این که بگوید: مالی که انسان پیدا می‌کند اگر نشانه‌ای نداشته باشد که به واسطه آن صاحبش معلوم شود، احتیاط واجب آن است که از طرف صاحبش صدقه بدهد. (م ۲۵۶۴)

در این گونه موارد که فتوا داده نشده و تنها احتیاط واجب شده، یا باید به همین احتیاط واجب عمل کرد و یا به مجتهدی رجوع کرد که از نظر علمی، بعد از مرجع تقلید قرار دارد.

### پرسش

- ۱- شرایط مرجع تقلید را بنویسید.
- ۲- در چه صورت می‌توان از مجتهدی که از دنیا رفته، تقلید کرد؟
- ۳- «تقلید ابتدایی از مجتهد میت جایز نیست» یعنی چه؟
- ۴- در چه مسائلی باید تقلید کرد؟
- ۵- کسی که مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام داده، اعمال او در چه صورتی صحیح است؟
- ۶- احتیاط مستحب و احتیاط واجب را تعریف کنید.
- ۷- عمل به احتیاط بهتر است یا تقلید؟
- ۸- جاهل مقصر چه کسی است؟
- ۹- ملاک اعلمیت چیست؟
- ۱۰- عدالت معتبر در مجتهد و مرجع تقلید با عدالت معتبر در امام جماعت از حیث شدت و ضعف تفاوت دارد؟
- ۱۱- آیا جایز است در یک مسأله با وجود اختلاف در فتوا گاهی به فتوای مجتهد میت رجوع شود و گاهی به فتوای مجتهد زنده اعلم؟
- ۱۲- در چه صورتی جایز است مقلد از مرجع تقلیدش عدول کند؟

## درس دوم نماز

نماز وسیله ارتباط و اتصال انسان با آفریدگار هستی است. معبودی که سرمنشأ تمامی پاکی‌ها و فضیلت‌ها است و تنها با ارتباط همیشگی با او می‌توان در مسیر رشد و هدایت قرار گرفت و به سعادت جاودانه دست یافت.

نماز یکی از مؤثرترین عوامل در جهت رشد و تکامل انسان و مایه تقرب به درگاه الهی است، چراکه در سایه نماز می‌توان یاد خدا، آرامش قلب، دوری از فحشا و منکر، آمرزش گناهان و قبولی اعمال را به دست آورد.

یکی از یاران امام صادق (ع) از آن حضرت درباره برترین چیزی که باعث تقرب بندگان به پیشگاه پروردگار می‌شود و نیز از محبوب‌ترین کار در نزد پروردگار سؤال کرد؛ حضرت در پاسخ فرمود:

مَا أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ<sup>۱</sup>

پس از شناسایی خداوند، چیزی را برتر از همین نماز سراغ ندارم.

امام خمینی - قدس سره - می‌فرماید:

به نماز و مساجد اهمیت دهید که پرونده‌های دادگستری مال بی‌نمازهاست... نماز پشتوانه ملت است... نماز یک کارخانه انسان‌سازی است. نماز خوب، فحشا و منکر را از یک امتی بیرون می‌کند، اینهایی که در این مراکز فساد کشیده شده‌اند بی‌نمازها هستند... ما با ذکر خدا، با اسم خدا پیش بردیم و نماز بالاترین ذکر خداست.<sup>۲</sup>

حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای نیز درباره اهمیت نماز می‌فرماید:

---

۱ - بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۲۶. ۲ - صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۸.



... نماز رکن اصلی دین است و باید اصلی ترین جایگاه را در زندگی مردم داشته باشد، حیات طیبه انسان در سایه حاکمیت دین خدا، وقتی حاصل می شود که انسان ها دل خود را با یاد خدا زنده نگه دارند و به کمک آن بتوانند با همه جاذبه های شر و فساد مبارزه کنند... این ذکر و حضور دائمی به برکت نماز حاصل می شود و نماز در حقیقت پشتوانه مستحکم و ذخیره تمام نشدنی در مبارزه ای است که آدمی با شیطان نفس خود که او را به پستی و زبونی می کشد و شیطان های قدرت که با زر و زور، او را وادار به ذلت و تسلیم می کنند، همیشه و در همه حال دارد.<sup>۱</sup>

۱- نماز یومیه	الف - واجب	اقسام نماز
۲- نماز آیات		
۳- نماز میت		
۴- نماز طواف واجب خانه کعبه		
۵- نماز قضای پدر بر پسر بزرگتر		
۶- نماز استیجاری یا نذر و عهد و قسم		
۷- نماز جمعه		

ب - مستحب: نمازهای مستحبی بسیار زیاد است.

در این درس، توضیح مختصری درباره هر یک از نمازهای واجب داده می شود؛ و بحث نمازهای مستحبی در ضمن درس دوازدهم خواهد آمد.

#### ۱ - نمازهای یومیه

مثل نمازهای یومیّه مثل نهر آب است. از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود:

هرگاه در خانه یکی از شما نهر آبی باشد و روزی پنج مرتبه خود را در آن شستشو دهد آیا چرکی در بدن او باقی می ماند؟ همانا مثل نماز، همچون نهر آبی است که هر گاه کسی نمازی برگزار کند، گناهان او را می پوشاند.<sup>۲</sup>

نمازهای روزانه، پنج نماز و مجموع آنها هفده رکعت است که عبارتند از:

۱ - یکصد و چهارده نکته درباره نماز، آقای قرائتی، مقدمه کتاب.

۲ - وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲.

صبح: دو رکعت

ظهر: چهار رکعت

عصر: چهار رکعت

مغرب: سه رکعت

عشا: چهار رکعت

## ۲- نماز آیات

مقصود از آیات، موارد ذیل می‌باشد: ۱- خورشید گرفتگی ۲- ماه گرفتگی ۳- زلزله ۴- حوادث هولناک طبیعی که باعث ترس و وحشت اکثر مردم شود.

در گذشته، برخی از مردم نسبت به وقوع این حوادث افکار خرافاتی داشتند؛ هنگامی که ابراهیم فرزند رسول خدا از دنیا رفت، آفتاب گرفت؛ مردم تصور کردند که گرفتگی خورشید در اثر وفات فرزند پیامبر (ص) است. آن حضرت برای از بین بردن این افکار خرافاتی فرمود:

ای مردم ماه و خورشید دو آیت از آیات الهی هستند که به فرمان او جریان دارند و از او اطاعت می‌کنند و برای مرگ و یا حیات کسی کسوف نمی‌کنند، هرگاه ماه یا خورشید گرفت، نماز بگذارید.<sup>۱</sup>

از وقتی که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می‌کند، انسان باید نماز آیات را بخواند و بنابر احتیاط واجب، باید به قدری تأخیر نیندازد که شروع به باز شدن کند. (م ۱۴۹۵)

موقعی که زلزله و رعد و برق و مانند این‌ها اتفاق می‌افتد، انسان باید فوراً نماز آیات را بخواند و اگر نخواند معصیت کرده و تا آخر عمر بر او واجب است و هر وقت بخواند، ادا است. (م ۱۴۹۸)

نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد و دستور آن این است که انسان بعد از نیت، تکبیر بگوید و یک حمد و یک سوره تمام بخواند و به رکوع رود و سر از رکوع بردارد، دوباره یک حمد و یک سوره بخواند، باز به رکوع رود تا پنج مرتبه و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم دو سجده نماید و برخیزد و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول به جا آورد و تشهد بخواند و سلام دهد. (م ۱۵۰۷)

البته ممکن است انسان بعد از نیت و تکبیر و خواندن حمد، آیه‌های یک سوره را پنج قسمت کند و یک آیه یا بیشتر از آن را بخواند و به رکوع رود و سر بردارد و بدون خواندن حمد، قسمت دوم از همان سوره را بخواند و به رکوع رود و همین طور تا پیش از رکوع پنجم سوره را تمام نماید... (م ۱۵۰۸)

### ۳ - نماز میّت

پس از مراسم غسل و کفن کردن میّت، بر جنازه او نماز مخصوصی خوانده می شود که نماز میّت نام دارد. نماز خواندن بر میّت مسلمان، اگر چه بچه باشد، واجب است، ولی باید پدر و مادر آن بچه یا یکی از آنان مسلمان باشد و شش سال بچه تمام شده باشد. (م ۵۹۴)

[نمازگزار،] نماز میّت را باید ایستاده و با قصد قربت بخواند. و در موقع نیت، میّت را معین کند، مثلاً نیت کند نماز می خوانم بر این میّت، قربت الی الله. (م ۶۰۳)

کسی که می خواهد نماز میّت بخواند، لازم نیست با وضو یا غسل یا تیمّم باشد و بدن و لباسش پاک باشد، و اگر لباس او غصبی هم باشد، اشکال ندارد؛ اگر چه احتیاط مستحب آن است که تمام چیزهایی را که در نمازهای دیگر لازم است، رعایت کند. (م ۵۹۶)

#### دستور نماز میّت:

نماز میّت پنج تکبیر دارد و اگر نمازگزار پنج تکبیر به این ترتیب بگوید، کافی است:

بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛

و بعد از تکبیر دوم بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ؛

و بعد از تکبیر سوم بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ؛

و بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُذَا الْمَيِّتِ وَ اگر میت زن است بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُذِهِ الْمَيِّتِ و بعد از تکبیر پنجم را بگوید. (م ۶۰۸)

### ۴ - نماز طواف

کسانی که به مکه مشرف می شوند، واجب است پس از هر طواف واجب، دو رکعت نماز، مثل نماز صبح به نیت نماز طواف پشت مقام ابراهیم به جا آورند. این دو رکعت نماز به نماز طواف معروف است.

### ۵ - نماز قضای پدر

بر پسر بزرگتر واجب است که پس از مرگ پدر، نمازهای فوت شده او را به جا آورد و یا برای انجام آن نایب بگیرد. در این حکم فرقی نمی کند که پدر، نماز خود را از روی عمد یا غیر عمد ترک کرده باشد، حتی اگر از روی معصیت و نافرمانی نیز ترک کرده باشد، قضای آن بنابر احتیاط، واجب است.<sup>۱</sup>

چنانچه میّت، فرزند پسر نداشته باشد، قضای نمازهای فوت شده او بر فرزندان دختر و نیز

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۲۷.

سایر اقوام واجب نیست. همچنین اگر پسر بزرگتر قبل از قضا کردن نمازهای فوت شده پدر بمیرد به دیگر فرزندان پسر وی منتقل نمی شود.<sup>۱</sup>

#### ۶ - نماز استیجاری یا نذر و عهد و قسم

اگر کسی در به جا آوردن نمازهای فوت شده میّتی اجیر شود، و یا بر انجام نمازی نذر و عهد کرده و یا قسم بخورد که نمازی را به جای آورد، این نمازها نیز بر او واجب می گردد.

#### ۷ - نماز جمعه

نماز جمعه در زمان غیبت امام (ع) از نظر بسیاری از فقها از جمله امام خمینی (ره) واجب تخییری است، یعنی انسان مخیر است که میان نماز ظهر یا نماز جمعه یکی را انتخاب کند.

نماز جمعه از اهمّیت زیادی برخوردار است؛ امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید:

مَا مِنْ قَدَمٍ سَعَتْ إِلَى الْجُمُعَةِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهَا عَلَى النَّارِ<sup>۲</sup>

هیچ کس نیست که به سوی نماز جمعه گام بردارد مگر آن که خداوند سبحان آتش جهنم را بر او حرام گرداند.

امام خمینی - قدس سرّه - در اهمّیت آن می فرماید :

اسلام دین سیاست است، دینی که در احکام آن سیاست به وضوح دیده می شود... هر

هفته یک اجتماع بزرگ تشکیل می شود تا نماز جمعه که مشتمل بر دو خطبه است و در

آن باید مسائل روز و احتیاجات کشور از هر جهت طرح شود، برپا گردد؛ اسلام مردم را برای

مقاصد بزرگ به این اجتماعات دعوت کرده است.<sup>۳</sup>

... نماز جمعه عبادت است لکن عبادتی که مدغم\* در سیاست است.<sup>۴</sup>

### استفتاءاتی از مقام معظم رهبری

#### الف - ترک یا سبک شمردن نماز

۱ - کسی که عمداً نماز را ترک کند یا سبک بشمارد چه حکمی دارد؟

جواب - نمازهای روزانه ای که در پنج نوبت خوانده می شود، از واجبات بسیار مهم شریعت اسلامی

بوده و بلکه ستون دین است و ترک یا سبک شمردن آن شرعاً حرام و موجب استحقاق عقاب است.

۲ - وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۹۷.

\* - مدغم: ادغام شده، ممزوج.

۱ - عروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۹۱.

۳ - صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۶۴.

۴ - صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۲۱.

### ب - خانواده و نماز

۱ - پدر و مادر به فرزندانشان در چه سنی احکام شرعی و عبادات را باید تعلیم دهند؟  
جواب - مستحب است ولی اطفال احکام شرعی و عبادات را به آنها پس از رسیدنشان به سن تمیز یاد دهد.

۲ - چگونه باید افراد خانواده را برای خواندن نماز صبح بیدار نمود؟  
جواب - در این مورد کیفیت خاصی در رابطه با افراد خانواده وجود ندارد.

### ج - مسافران، رانندگان و نماز

۱ - بعضی از رانندگان اتوبوس‌های مسافربری که بین شهرها رانندگی می‌کنند، به نماز مسافران اهمیتی نمی‌دهند و به تقاضای آنان برای توقف اتوبوس جهت ادای نماز، توجهی نمی‌کنند، لذا گاهی نماز مسافرین قضا می‌شود. وظیفه رانندگان اتوبوس‌ها در این باره چیست؟ مسافران نسبت به نمازشان چه وظیفه‌ای دارند؟

جواب - بر مسافران واجب است در صورت خوف از فوت وقت نماز، از راننده بخواهند که اتوبوس را در مکان مناسبی متوقف نماید، و بر راننده اجابت درخواست آنان واجب است، و اگر به علت عذر مقبول و یا بدون دلیل از توقف اتوبوس خودداری کند، در این صورت تکلیف مسافران اگر خوف وقت داشته باشند، این است که نماز را در اتوبوس در همان حالت حرکت بخوانند و تا آنجا که امکان دارد جهت قبله، قیام، رکوع و سجود را رعایت کنند.

### د - نماز استیجاری

۱ - قدرت بر ادای نماز ندارم، آیا جایز است که شخصی به نیابت از من نماز بخواند؟ و آیا فرقی بین اینکه نایب مطالبه اجرت نماید و ننماید هست؟

جواب - شخص مکلف تا زنده است باید نمازهای واجبش را خودش به هر نحو که می‌تواند، انجام دهد و نماز نایب چه با اجرت و چه بدون اجرت برای او مجزی نیست.

۲ - کسی که نماز استیجاری می‌خواند: آیا گفتن اذان و اقامه و آوردن سلام‌های سه گانه و تسبیحات اربعه به شکل کامل آن واجب است؟ اگر یک روز نماز ظهر و عصر را مثلاً به جا آورد و در روز بعد نمازهای پنجگانه روزانه را به شکل کامل انجام داد، آیا رعایت ترتیب در اینجا لازم است؟ آیا ذکر خصوصیات میت در نماز استیجاری شرط است؟

جواب - ذکر خصوصیات میت لازم نیست، مراعات ترتیب فقط بین نمازهای ظهر و عصر و

مغرب و عشا شرط است و اگر کیفیت خاصی را بر اجیر در وقت عقد اجاره شرط ننموده است و کیفیت خاصی که عقد بر آن منصرف نشود نیز وجود نداشته باشد، بر اجیر لازم است که نماز را با مستحبات آن به نحو متعارف انجام دهد، جز اینکه اذان گفتن در هر نماز واجب نیست.

#### هـ - نماز قضای پدر

۱- اگر فرزند بزرگ میت دختر و فرزند دوم او پسر باشد، آیا قضای نمازها و روزه‌های پدر و مادر بر این پسر واجب است؟

جواب - ملاک (در پسر بزرگ‌تر) واجب بودن قضای نماز و روزه پدر و مادر این است که فرزند مذکور از دیگر اولاد ذکور میت - اگر میت اولاد ذکور داشته باشد - بزرگتر باشد و در فرض سؤال قضای نماز و روزه پدر بر پسری که فرزند دوم پدر است واجب می‌باشد و وجوب قضای نماز و روزه‌ای که از مادر فوت شده ثابت نیست. گرچه قضای آن نیز مطابق احتیاط است.

۲- اگر پدری اصلاً نماز نخوانده باشد، آیا همه نمازهای او قضا دارد و انجام آنها بر پسر بزرگ او واجب است؟

جواب - بنا بر احتیاط در این صورت هم قضای آنها واجب است.

۳- پدری که همه اعمال عبادی خود را عمداً انجام نداده است، آیا بر پسر بزرگ قضای همه نمازها و روزه‌هایی که پدرش انجام نداده و به پنجاه سال می‌رسد، واجب است؟

جواب - اگر ترک نماز و روزه بر اثر طغیان باشد، قضای آنها بر پسر بزرگ واجب نیست، ولی در این صورت هم احتیاط در قضای آنها ترک نشود.

#### و - نماز جمعه و عیدین

۱- به نظر جنابعالی نماز دو عید و نماز جمعه از کدام نوع از واجبات است؟

جواب - در عصر حاضر نمازهای دو عید واجب نیست، بلکه مستحب می‌باشند و اما نماز جمعه واجب تخییری است.

۲- معنای وجوب تخییری در مسأله نماز جمعه چیست؟

جواب - معنایش این است که مکلف در ادای فریضة واجب روز جمعه مخیر است بین اینکه نماز جمعه را بخواند یا نماز ظهر را.

۳- نظر جنابعالی درباره شرکت در نماز جمعه چیست؟ در حالی که ما در زمان غیبت حضرت حجت (عج) به سر می‌بریم و اگر اشخاصی به عدالت امام جمعه معتقد نباشند، آیا تکلیف شرکت در نماز جمعه از آنان برداشته می‌شود؟

**جواب -** نماز جمعه هر چند که در زمان حاضر واجب تخییری است و حضور در آن واجب نیست ولیکن نظر به فواید و اهمیت حضور در آن سزاوار مؤمنین نیست که خودشان را از برکات حضور در این نماز به مجرد شک در عدالت امام جمعه محروم سازند و یا عذرهای واهی دیگر بیاورند.

### ز - نماز آیات

۱ - آیا وجوب نماز آیات به کسی که در شهر واقع بوده است اختصاص دارد، یا شامل تمامی مکلفینی که از آن اطلاع یافته‌اند، گرچه در آن شهر نباشند نیز می‌شود؟

**جواب -** وجوب آن به کسانی اختصاص دارد که در آن شهر می‌باشند و کسی که در شهری متصل به شهر وقوع آیت، زندگی می‌کند، به گونه‌ای که هر دو، شهر واحدی به حساب آیند نیز به آن حکم ملحق می‌گردد.

۲ - پس از وقوع زلزله در منطقه‌ای، غالباً - در خلال مدت کوتاهی - دهها زلزله خفیف و لرزش زمین در این منطقه مشاهده می‌شود، حکم نماز آیات در این موارد چیست؟

**جواب -** هر زلزله، چه شدید یا خفیف، اگر زلزله مستقل به حساب آید، نماز آیات جداگانه دارد.<sup>۱</sup>

### پرسش

- ۱ - سخن امام خمینی - قدس سره - را درباره اهمیت نماز بنویسید.
- ۲ - نمازهای واجب را نام ببرید.
- ۳ - مقصود از نماز آیات چیست و چه زمانی بر انسان واجب می‌شود؟
- ۴ - نماز آیات به چه کیفیتی خوانده می‌شود؟
- ۵ - آیا نماز قضای میت در صورت نبودن پسر بزرگتر، به فرزندان دختر واجب می‌شود؟
- ۶ - ترک عمدی نمازهای پنجگانه چه حکمی دارد؟
- ۷ - وظیفه مسافران و رانندگان اتوبوس‌ها نسبت به نماز چیست؟
- ۸ - نماز نیابتی از اشخاص زنده چه حکمی دارد؟
- ۹ - آیا قضای نماز و روزه مادر نیز بر پسر بزرگتر واجب است؟
- ۱۰ - معنای وجوب تخییری در نماز جمعه چیست؟

---

۱ - ر.ک. اجوبه الاستفتاءات (ترجمه فارسی)، احکام نماز.

## درس سوم

### مقدمات نماز (۱)

منظور از مقدمات نماز، اموری است که نمازگزار قبل از شروع نماز باید آنها را انجام دهد و یا مراعات کند. این امور عبارتند از: طهارت، وقت نماز، قبله، لباس و مکان نمازگزار.

#### طهارت

نمازگزار باید بدنش پاک و از نظر شرعی «طاهر» باشد. «طهارت» به دو نوع «طهارت ظاهری» و «طهارت معنوی» تقسیم می‌شود. طهارت ظاهری، آن است که بدن و لباس نمازگزار به چیزهای ناپاک و نجس، آلوده نباشد. اینک مسائل مربوط به طهارت ظاهری را در محورهای زیر پی می‌گیریم.

#### الف - ناپاک‌ها

بعضی چیزها هست که نباید اثری از آنها در بدن و لباس نمازگزار باشد، و چنانچه کسی به آنها آلوده باشد، باید قبل از نماز آنها را پاک کند. این چیزها همان ناپاکی‌ها (نجاسات) هستند و عبارتند از:

۱ - ادرار و مدفوع انسان و حیوانات حرام‌گوشتی که خون جهنده دارند؛

۲ - منی، خون و مردار انسان و حیوانات دارای خون جهنده (گرچه حلال‌گوشت باشند)؛

۳ - سگ و خوک که در خشکی زندگی می‌کنند؛

۴ - هر چیز مست‌کننده روان، مانند شراب؛

۵ - عرق شتر نجاستخوار.

۶ - کافر (که پلیدی معنوی او موجب نجاست ظاهری اش نیز می‌شود)؛

#### ب - پاک‌کننده‌ها

به چیزهایی که آلودگی‌ها را پاک می‌کنند، «مطهرات» می‌گویند. یکی از مهم‌ترین این مطهرات «آب» است و در صورتی پاک‌کننده است که:



۱ - مطلق باشد

۲ - پاک باشد

۳ - در اثر شستن چیز نجس، مضاف نشود و بو، رنگ یا مزه نجاست هم نگیرد.

۴ - بعد از آب کشیدن، عین نجاست در آن نباشد. (م ۱۴۹)

آب به دو قسم کلی «مضاف» و «مطلق» تقسیم می شود؛ «آب مضاف» آبی است که آن را از چیزی بگیرند، مانند: آب هندوانه و گلاب؛ یا با چیزی مخلوط باشد. مثل آبی که بقدری با گل و مانند آن مخلوط شود که دیگر به آن «آب» نگویند. این آب، چیز نجس را پاک نمی کند، وضو و غسل با آن باطل است. اگر ذره ای نجاست به آن برسد، نجس می شود و چنانچه آب مضاف نجس طوری با آب کُر یا جاری مخلوط شود که دیگر، آب مضاف به آن نگویند، پاک است. (م ۱۵، ۴۷-۴۹) «آب مطلق» آبی است که مضاف نباشد؛ مانند آب جاری و آب چاه که از زمین می جوشد؛ یا مانند باران که از آسمان می بارد و نیز آب های را کد (آب کُر و قلیل)\* آب مطلق هستند.

**سایر پاک کننده ها:** بعضی چیزهای دیگر غیر از آب نیز پاک کننده نجاسات هستند، ولی هر کدام، چیز مخصوصی را، با شرایط ویژه ای پاک می کنند، که عبارتند از:

۱ - زمین: با سه شرط «پاک بودن»، «خشک بودن» و «برطرف شدن عین نجس یا متنجس به وسیله راه رفتن یا مالیدن به زمین» کف پا و ته کفش نجس را، پاک می کند. (م ۱۸۳)

۲ - آفتاب: چیزهای غیر منقول مانند زمین، ساختمان و چیزهایی که مانند در و پنجره در ساختمان به کار رفته و حتی میخی که به دیوار کوبیده شده و جزء ساختمان محسوب می شود؛ همچنین درخت و گیاه را با شش شرط پاک می کند، از جمله آن که پیش از تابش آفتاب عین نجاست را در آن چیز برطرف کرده باشند، تر باشد و آفتاب به طور مستقیم بر آن بتابد تا خشک شود و... (م ۱۹۱-۱۹۲)

۳ - استحاله (تغییر حالت دادن و عوض شدن جنس چیز نجس و تبدیل شدن به چیز پاک): به عنوان مثال: اگر چوب نجس بسوزد و خاکستر شود، خاکسترش پاک است. اگر سنگ در نمکزار فرو رفته و نمک شود، پاک است. اگر چیز نجس مانند ادرار و یا متنجس به صورت بخار یا دود درآید، دود و بخارش پاک است. (م ۱۳۱ و ۱۹۵)

---

\* - آب کُر مقدار آبی است که اگر در ظرفی به درازا، پهنا و گودی هر یک سه وجب و نیم، بریزند، آن ظرف را پُر کند و وزن آن به حسب کیلوی متعارف ۳۷۷/۴۱۹ باشد. آب قلیل آبی است که از زمین نجوشد و از کُر کمتر باشد. (م ۱۶ و ۲۵)

- ۴ - انتقال: هرگاه خون بدن انسان، یا حیوان (دارای خون جهنده) به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد برود، و خون آن حیوان حساب شود، پاک می‌گردد. (م ۲۰۵)
- ۵ - تبعیت: و آن پاک شدن چیز نجس به واسطه پاک شدن چیز نجس دیگر است؛ مانند این که اگر کسی چیزی را با دست خود آب بکشد، اگر دست و آن چیز با هم آب کشیده شود، بعد از پاک شدن آن چیز دست او هم پاک می‌شود. (م ۲۱۰ و ۲۱۳)
- ۶ - اسلام: کافر به واسطه گفتن شهادتین مسلمان شده، تمام بدن او پاک می‌گردد. (م ۲۰۹)

### استفتاءاتی از مقام معظم رهبری

#### الف - احکام پوست‌های اضافی بدن

سؤال - پوستی که گاهی از لب‌ها و دست‌ها و پاها جدا می‌شود، محکوم به طهارت است یا نجاست؟

جواب - پوست نازکی که خود به خود از دست‌ها، لب‌ها و پاها و سایر قسمت‌های بدن جدا می‌شود، محکوم به طهارت است.

#### ب - گوشت‌های وارداتی

سؤال - آیا خوردن گوشتی که از کشورهای غیر اسلامی وارد می‌شود حلال است؟

جواب - تا تذکیه شرعی آن احراز نشود خوردن آن حرام است، ولی از نظر طهارت، اگر یقین به عدم تزکیه نباشد پاک است.

#### ج - فضله حیوانات

سؤال - آیا فضله پرندگان حرام گوشت، مانند کلاغ و زاغ و عقاب و طوطی نجس است؟

جواب - فضله پرندگان حرام گوشت نجس نیست.

#### د - احکام ملاقی نجس

۱ - آیا چیز پاکی که با متنجس برخورد نموده نجس است یا خیر؟ در صورت نجس بودن، تا چند واسطه نجس است؟

جواب - چیزی که با عین نجس تماس یافته و نجس شده است، اگر باز با چیزی که پاک است تماس پیدا کند و یکی از آنها تر باشد، آن چیز پاک را نجس می‌کند، و باز این چیزی که بر اثر ملاقات با متنجس نجس شده است، اگر با چیز پاکی برخورد نماید، بنا بر احتیاط واجب آن را

نجس می‌کند، ولی این متنجس سوم هیچ چیزی را با ملاقات خود نجس نمی‌کند.

۲ - مقدار رطوبتی که باعث سرایت از چیزی به چیز دیگر می‌شود چقدر است؟

جواب - ملاک رطوبت مسریه این است که به مقداری باشد که رطوبت هنگام برخورد از جسم مرطوب به جسم دیگر سرایت کند.

ه - قاعده‌ای کلی در طهارت و نجاست

سؤال - رفت و آمدهای خانوادگی با اشخاصی که به طهارت و نجاست در خوردن و آشامیدن و مانند آن اهمیت نمی‌دهند، چه حکمی دارد؟

جواب - به طور کلی در مورد طهارت و نجاست، حکم دین اسلام این است که: هر چیزی که یقین به نجاست آن نباشد، از نظر شرعی محکوم به طهارت است.

و - احکام ترشحات آب

۱ - اگر آب بر زمین یا در حوض یا حمامی که لباس در آن شسته می‌شود، ریخته شود و قطراتی از آن آب به لباس ترشح کند، آیا لباس نجس می‌شود یا خیر؟

جواب - وقتی که آب بر مکان یا زمین پاکی بریزد، ترشح ناشی از آن هم پاک است و اگر شک داشته باشیم که آن مکان پاک است یا نجس، باز هم ترشح آن، پاک است.

۲ - آیا آبهایی که در چاله‌های موجود در خیابانها جمع می‌شود، پاک است یا نجس؟  
جواب - این آبها محکوم به طهارت هستند.

۳ - آبی که از ماشینهای حمل زباله شهری در خیابان می‌ریزد و گاهی بر اثر شدت باد به لباس مردم پاشیده می‌شود، محکوم به طهارت است یا نجاست؟

جواب - آب مزبور محکوم به طهارت است، مگر این که فردی یقین پیدا کند که آن آب بر اثر برخورد با نجس، نجس شده است.

ز - حکم الکحل

۱ - آیا الکحل اتیلیک نجس است یا خیر؟ (ظاهراً این الکحل در همه مست‌کننده‌ها وجود دارد و سبب مستی است)

جواب - هر یک از اقسام الکحل که مست‌کننده و در اصل مایع باشد، نجس است.

۲ - آیا استفاده از الکحل سفید برای ضدعفونی کردن دست و لوازم پزشکی مثل دماسنج و غیر آن به

خاطر استفاده از آنها در امور پزشکی و درمان توسط پزشک یا تیم پزشکی جایز است؟... آیا نماز خواندن با لباسی که یک یا چند قطره از این الکل بر آن ریخته شده جایز است؟

جواب - اگر از الکی باشد که در اصل مایع نیست، هر چند مست کنند هم باشد، محکوم به طهارت است و نماز با لباسی که با این الکل برخورد کرده صحیح است و احتیاجی به تطهیر ندارد. ولی اگر از الکل مایع بالاصاله و بر حسب تشخیص اهل فن مست کننده باشد، نجس است و نماز با بدن یا لباسی که با آن برخورد کرده، موقوف بر تطهیر است؛ لیکن استفاده از آن جهت ضد عفونی کردن ادوات پزشکی و مانند آن اشکال ندارد.

### ۳- ملاک نجس بودن الکل چیست؟

جواب - ملاک نجاست الکل این است که [اولاً: مست کننده و [ثانیاً: در اصل مایع باشد.

## ح - احکام کافر

۱ - بعضی از فقها اعتقاد به نجاست اهل کتاب دارند و بعضی دیگر به طهات آنها، رأی جنابعالی چیست؟

جواب - نجاست ذاتی اهل کتاب معلوم نیست. به نظر ما آنها محکوم به طهارت ذاتی هستند.

۲ - مقصود از اهل کتاب چه کسانی هستند؟ معیاری که حدود معاشرت با آنها را مشخص کند چیست؟

جواب - مقصود از اهل کتاب هر کسی است که اعتقاد به یکی از ادیان الهی داشته و خود را از پیروان پیامبری از پیامبران الهی (ع) بدانند و یکی از کتابهای الهی را که بر انبیا علیهم السلام نازل شده، داشته باشد مانند یهود، نصارا، زرتشتی ها و همچنین صابئین که بر اساس تحقیقات ما از اهل کتاب هستند و حکم آنها را دارند. معاشرت با پیروان این ادیان با رعایت ضوابط و اخلاق اسلامی اشکال ندارد.

۳ - اهل روستایی که در آن تدریس می کنم، نماز نمی خوانند؛ زیرا از فرقه اهل حق هستند و ما مجبور به خوردن غذا و نان آنها هستیم. چون شب و روز در آن روستا اقامت داریم، آیا نمازهای ما اشکال دارد؟

جواب - اگر توحید و نبوت و هیچ یک از ضروریات دین اسلام را انکار نکنند و معتقد به نقصی در رسالت رسول اکرم (ص) نباشند، حکم به کفر و نجاست آنها نمی شود. در غیر اینصورت باید هنگام تماس با آنها یا خوردن غذای آنان، مسأله طهارت و نجاست مراعات شود.

۴ - خواهشمندیم تکلیف مؤمنین را در برخورد با فرقه گمراه بهائیت و آثار حضور پیروان آن در میان جامعه اسلامی، بیان فرمایید.

جواب - همه مؤمنین باید با حيله‌ها و مفاصد فرقه گمراه بهائیت مقابله نموده و از انحراف و پیوستن دیگران به آن جلوگیری کنند.

۵ - بهائیان بسیاری در اینجا کنار ما زندگی می‌کنند که رفت و آمد زیادی در خانه‌های ما دارند. عده‌ای می‌گویند که بهایی‌ها نجس هستند و عده‌ای هم آنها را پاک می‌دانند. این گروه از بهایی‌ها اخلاق خوبی از خود آشکار می‌کنند، آیا آنها نجس هستند یا پاک؟

جواب - آنها نجس و دشمن دین و ایمان شما هستند. پس فرزندان عزیزم جداً از آنها بپرهیزند.<sup>۱</sup>

### پرسش

- ۱ - مقدمات نماز را نام ببرید.
- ۲ - از نظر اسلام، چه چیزهایی نجس محسوب می‌شوند؟
- ۳ - شرایط پاک کنندگی آب را بنویسید.
- ۴ - آب مضاف و مطلق را توضیح دهید.
- ۵ - آفتاب چه چیزهایی را پاک می‌کند؟
- ۶ - پوستهای نازکی که از قسمتهای مختلف بدن جدا می‌شوند پاکند یا نجس؟
- ۷ - فضله کلاغ و زاغ و مرغ چه حکمی دارد؟
- ۸ - قاعده کلی در مورد طهارت و نجاست اشیا از نظر اسلام چیست؟
- ۹ - آبهایی که در چاله‌های موجود در خیابانها جمع می‌شوند پاک است یا نجس؟
- ۱۰ - الکل چه حکمی دارد؟
- ۱۱ - اهل حق پاکند یا نجس؟
- ۱۲ - وظیفه مؤمنین نسبت به فرقه گمراه بهائیت چیست؟

---

۱ - ر.ک. اجوبه‌الاستفتاءات (ترجمه فارسی)، احکام نجاسات، مسکرات و کافر.

## درس چهارم مقدمات نماز (۲)

قسم دوم طهارت، طهارت معنوی است که با «وضو»، «غسل»، و «تیمم» حاصل می شود.

### وضو

وضو را می توان به یکی از دو نوع «ترتیبی» و «ارتماسی» انجام داد.

#### الف - وضوی ترتیبی

در وضوی ترتیبی چهار چیز واجب است:

۱- شستن صورت از رستگاه مو تا آخر چانه، از طرف طول و عرض آن به مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می گیرد که اگر مختصری از این مقدار را نشوید، وضو باطل است و برای آن که یقین کند این مقدار کاملاً شسته شده، باید کمی اطراف آن را هم بشوید؛ و باید توجه داشت که این مقدار بایستی از بالا به پایین شسته شود. (م ۲۳۷ و ۲۴۳)

۲- شستن دست راست و بعد از آن دست چپ، از آرنج تا سرانگشت ها و برای آن که یقین کند آرنج را کاملاً شسته، باید کمی بالاتر از آرنج را هم بشوید، باید توجه داشت که دست ها را هم بایستی از بالا به پایین بشوید. (م ۲۴۳ و ۲۴۵-۲۴۶)

۳- مسح کردن یک قسمت از چهار قسمت سر، که مقابل پیشانی است با دست راست و یا چپ و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند، کافی است؛ اگر چه احتیاط مستحب آن است که از درازا به اندازه یک انگشت و از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت بسته، مسح نماید. البته مسح سر لازم نیست بر پوست آن باشد. بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است. اما کسانی که موی سرشان به حدی بلند است که اگر شانه کنند از حد مسح خارج می شود، باید بیخ موها یا پوست سر را مسح نمایند. (م ۲۵۰-۲۵۱)

۴- مسح کردن روی پاها؛ اول پای راست با دست راست، و بعد پای چپ با دست چپ؛ از سر یکی از انگشت‌ها تا برآمدگی روی پاها و پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است، ولی بهتر است که به اندازه پهنای سه انگشت بسته، مسح نماید و بهتر از آن، مسح تمام روی پا است. (م ۲۵۲-۲۵۳ و شرط نهم از شرایط صحت وضو)

در وضو، شستن صورت و دستها، مرتبه اول واجب و مرتبه دوم جایز و مرتبه سوم و بیشتر از آن حرام می‌باشد و اگر با یک مشت آب تمام عضو شسته شود و به قصد وضو بریزد یک مرتبه حساب می‌شود؛ چه قصد بکند یک مرتبه را یا قصد نکند. (م ۲۴۸)

### استفتاءات

س ۱- شخصی گفته است که هنگام وضو فقط باید دو مشت آب بر صورت ریخته شود و اگر بار سوم آب ریخته شود وضو باطل خواهد بود. آیا این سخن صحیح است؟

ج - ریختن چندین مشت آب بر صورت اشکال ندارد، ولی شستن کامل صورت و دستها بیشتر از دوبار، مشروع نیست.<sup>۱</sup>

س ۲- آیا اگر در وضو برای یک بار شستن چندین مرتبه آب به عضو ریخته شود به وضو ضرر می‌زند؟ و اگر با چندین مرتبه آب ریختن نیت یک بار شستن نماید. ولی بیشتر از یک بار شستن حاصل شود، وضو چه حکمی دارد؟

ج - ملاک قصد انسان و یک بار شستن است و چندین بار آب ریختن ضرری به صحت وضو نمی‌رساند.<sup>۲</sup>

س ۳- آیا در صحت وضو شرط است که آب بر همه قسمت‌های دست جریان پیدا کند یا آنکه کشیدن دست تر با آن کافی است؟

ج - صدق شستن منوط به رساندن آب به تمام عضو است هرچند به وسیله دست کشیدن باشد. ولی مسح با دست مربوط به تنهایی کافی نیست.<sup>۳</sup>

س ۴- مدت زمانی مسح پاهایم را از سر انگشتان انجام نمی‌دادم بلکه فقط روی پا و مقداری از انگشتان را مسح می‌کردم، آیا این مسح صحیح بوده است؟ و در صورت عدم صحت، نمازهایی را که خوانده‌ام باید قضا کنم؟

۱- رساله اجوبه الاستفتاءات (ترجمه فارسی)، ج ۱۱ ص ۳۵-۳۶.

۲- همان، ص ۳۷. ۳- همان، ص ۴۲.

ج - اگر مسح پا شامل سر انگشتان پا نباشد، وضو باطل و قضای نمازهای خوانده شده واجب است و در صورتی که انسان شک داشته باشد که آیا هنگام مسح، از سر انگشتان پا مسح می‌کرده است یا نه، وضو و نمازهای خوانده شده محکوم به صحت هستند.<sup>۱</sup>

س ۵ - برآمدگی روی پا که هنگام مسح، دست باید تا آنجا کشیده شود کدام است؟  
ج - مشهور کفایت مسح پا تا همان برآمدگی روی پا نرسیده به مفصل ساق است که از آن به برآمدگی روی پا تعبیر می‌شود. ولی احتیاط واجب این است که مسح تا مفصل ساق کشیده شود.<sup>۲</sup>

س ۶ - آیا شخصی که وضو می‌گیرد، مستحب است هنگام مسح قسمت پایین انگشتان پا یعنی جایی که موقع راه رفتن با زمین تماس پیدا می‌کند را مسح نماید؟  
ج - محل مسح پا عبارت است از روی پا از سر انگشتان و استحباب مسح پایین انگشتان پا ثابت نشده است.<sup>۳</sup>

س ۷ - آیا برای مسح می‌توان از غیر آب وضو استفاده کرد؟ و همچنین آیا مسح سر حتماً باید با دست راست و از بالا به پایین باشد؟

ج - مسح سر و پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در دستها مانده کشیده شود و احتیاط آن است که مسح سر با دست راست باشد، ولی کشیدن مسح از بالا به پایین لازم نیست.<sup>۴</sup>

س ۸ - آیا بودن چند قطره آب بر روی پا هنگام مسح، برای وضو ضرر دارد؟  
ج - واجب است محل مسح از آن قطرات خشک شود تا هنگام مسح، رطوبت دست بر پا تأثیر بگذارد نه برعکس.<sup>۵</sup>

س ۹ - آیا اگر رطوبت مسح سر به رطوبت صورت متصل شود، وضو باطل می‌شود؟  
ج - اشکال ندارد، ولی از آنجایی که احتیاط در مسح پاها این است که با رطوبتی که از آب وضو در کف دو دست باقی مانده صورت بگیرد، لذا برای رعایت این احتیاط باید هنگام مسح سر، دست به قسمت بالای پیشانی نرسد و با رطوبت صورت برخورد نکند تا این که رطوبت دست که هنگام مسح پا به آن نیاز دارد با رطوبت صورت مخلوط نشود.<sup>۶</sup>

۲ - همان.

۱ - همان، ص ۳۶.

۴ - رسالۃ اجوبۃ الاستفتاءات، ج ۱، ص ۳۹.

۳ - همان، ص ۳۸.

۶ - همان، ص ۴۶.

۵ - همان، ص ۴۴.



س ۱۰ - اگر شخص وضو گیرنده هنگام شستن دستها و صورت به قصد وضو اقدام به باز و بسته کردن شیر آب نماید، این کار او چه حکمی دارد؟

ج - اشکال ندارد و به صحت وضو لطمه ای نمی زند. ولی اگر بعد از فراغت از شستن دست چپ و قبل از مسح با آن، دستش را روی شیری که خیس است بگذارد و آب وضوی دستش با آب خارج از وضو مخلوط شود، صحت مسح با رطوبتی که مختلط از آب وضو و آب خارج است، محل اشکال است.<sup>۱</sup>

#### ب - وضوی ارتماسی

وضوی ارتماسی هم مانند وضوی ترتیبی چهار چیز واجب دارد، ولی تفاوتش با وضوی ترتیبی در صورت و دست هاست که در وضوی ترتیبی آب روی صورت و دست ها ریخته می شود، اما در وضوی ارتماسی انسان باید صورت و دست ها را به قصد وضو در آب فرو برد، یا آنها را که در آب فرو برده به قصد وضو بیرون آورد و اگر موقعی که دست ها را در آب فرو می برد، نیت وضو کند و تا وقتی که آنها را از آب بیرون می آورد و ریزش آب، تمام می شود به قصد وضو باشد وضوی او صحیح است و نیز اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند، و تا وقتی که ریزش آب، تمام می شود به قصد وضو باشد، وضوی او صحیح است. (م ۲۶۱)

در وضوی ارتماسی هم، باید صورت و دست ها از بالا به پایین شسته شود، پس اگر وقتی که صورت و دست ها را در آب فرو می برد، قصد وضو کند، باید صورت را از طرف پیشانی و دست ها را از طرف آرنج در آب فرو برد و اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند، باید صورت را از طرف پیشانی و دست ها را از طرف آرنج بیرون آورد. (م ۲۶۲)

#### غسل

غسل را نیز می توان به یکی از دو قسم ترتیبی و ارتماسی انجام داد. چه واجب و چه مستحب باشد.

#### الف - غسل ترتیبی

ترتیب غسل ترتیبی پس از نیت، به قرار زیر می باشد:

۱ - شستن سر و گردن؛

۲ - شستن تمام سمت راست بدن؛

۳- شستن تمام سمت چپ بدن. (م ۳۶۱-۳۶۳)

در غسل ترتیبی، ترتیب فوق باید رعایت شود و اگر این ترتیب رعایت نشود، غسل باطل است. برای اینکه یقین‌کند همه بدن را شسته است، باید هر قسمتی را که می‌شوید مقداری از قسمت‌های دیگر را هم بشوید.

ب - غسل ارتماسی

در غسل ارتماسی اگر به نیت غسل ارتماسی به تدریج در آب فرو رود تا تمام بدن، زیر آب رود، غسل او صحیح است؛ و احتیاط آن است که یکدفعه، زیر آب رود و اگر همه بدن، زیر آب باشد و بعد از نیت غسل، بدن را حرکت دهد، غسل او صحیح است. (م ۳۶۷-۳۶۸)

استفتاءات

س ۱- رطوبت غلیظی که شبیه منی است و انسان آن را بعد از بول مشاهده می‌کند، آیا با اینکه بدون شهوت و اراده خارج می‌شود، حکم منی را دارد؟

ج - حکم منی بر آن مترتب نیست، مگر این که یقین به منی بودن آن حاصل شود یا این که هنگام خروج، علامت‌های شرعی منی را داشته باشد.<sup>۱</sup>

س ۲- کسی که غسل‌های متعددی اعم از واجب یا مستحب بر ذمه او باشد، آیا یک غسل کفایت از غسل‌های دیگر می‌کند؟

ج - اگر به نیت همه آنها یک غسل به جا آورد، کفایت می‌کند و اگر در بین آنها غسل جنابت باشد و به نیت آن غسل کند از بقیه غسل‌ها هم کفایت می‌کند.<sup>۲</sup>

س ۳- آیا غسل غیر از جنابت کفایت از وضو می‌کند؟

ج - کفایت نمی‌کند.<sup>۳</sup>

س ۴- آیا در غسل جنابت مراعات ترتیب بین سر و سایر اعضای بدن کافی است یا این که باید بین طرف راست و چپ بدن هم ترتیب رعایت شود؟

ج - احتیاط واجب آن است که ترتیب بین دو طرف بدن نیز با مقدم داشتن طرف راست بر چپ مراعات شود.<sup>۴</sup>

۱- رساله اجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۶۰

۲- همان.

۴- همان، ص ۶۱.

۳- همان، ص ۶۱.

س ۵- من غسل جنابت را به این ترتیب انجام می‌داده‌ام که ابتدا سمت راست بدن بعد سر و سپس قسمت چپ بدن را می‌شستم، در سؤال و تحقیق در این زمینه هم کوتاهی کرده‌ام، نماز و روزه‌ام چه حکمی دارد؟

ج - غسل به کیفیت مذکور باطل است و موجب رفع حدث نمی‌شود. لذا نمازهایی که با چنین غسلی خوانده شده، باطل و قضای آنها واجب است. ولی روزه‌ها با فرض اینکه معتقد به صحت غسل به صورت مذکور بوده‌اید و بقای شما بر جنابت عمدی نبوده است، محکوم به صحت است.<sup>۱</sup>

### تیمم

تیمم بر دو قسم است؛ یکی تیمم بدل از وضو، و دیگری تیمم بدل از غسل؛ که اعمال این دو قسم با هم فرقی ندارد. کیفیت تیمم پس از نیت کردن، به قرار زیر است:

- ۱- زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است.\*
- ۲- کشیدن کف هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن تا ابروها و بالای بینی و بنا بر احتیاط واجب، باید دست‌ها روی ابروها، کشیده شود.
- ۳- کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست، سپس کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ.\*\*

### استفتاءات

س ۱- آیا تیمم بدل از غسل همان احکام قطعی و ثابت غسل را دارد؟ به این معنی که آیا با آن داخل مسجد شدن جایز است؟

ج - ترتیب همه آثار شرعی غسل بر تیمم بدل از غسل جایز است مگر این که تیمم بدل از غسل به علت تنگی وقت باشد.<sup>۲</sup>

۱- همان، ص ۶۳.

\* - در تیمم، یک بار زدن کف دست‌ها بر روی چیزی که تیمم بر آن صحیح است کافی می‌باشد، اگر چه افضل آن است که یک مرتبه برای مسح صورت و یک مرتبه برای مسح پشت دست‌ها بزنند (تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۱۰، مسأله ۲)

\*\* - برای آن که یقین کند پشت دست را مسح کرده، باید مقداری بالاتر از میز را نیز مسح کند، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست. (توضیح المسائل، مسأله ۳) ۲- رساله اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۶۴-۶۵.

س ۲- کسی که فاقد آب است و یا استعمال آب برایش ضرر دارد، آیا در صورت تیمم بدل از غسل جنابت، داخل مسجد شدن و خواندن نماز جماعت برای او جایز است؟ قرائت قرآن کریم چه حکمی دارد؟

ج - تازمانی که عذر مجوز تیمم باقی است و تیمم او باطل نشده، انجام همه اعمال مشروط به طهارت برای او جایز است.<sup>۱</sup>

س ۳- آیا بر (فاقد الطهورین یعنی) کسی که آب و چیزی که تیمم بر آن صحیح است در اختیار ندارد نماز واجب است؟

ج - بنا بر احتیاط، نماز را در وقت بخواند و بعد از وقت با وضو یا تیمم قضا نماید.<sup>۲</sup>

### پرسش

۱- در وضوی ترتیبی چند چیز واجب است؟ بیان کنید

۲- آیا در صحت وضو شرط است که آب بر همه قسمت‌های دست جریان پیدا کند یا آنکه کشیدن دست تر بر آن کافی است؟

۳- آیا اگر رطوبت مسح سر به رطوبت صورت متصل شود، وضو باطل می‌شود؟ توضیح دهید.

۴- وضوی ارتماسی چیست؟

۵- غسل ترتیبی چگونه است؟

۶- اقسام تیمم را نام ببرید.

۷- کیفیت تیمم را توضیح دهید.

۸- آیا در صورت تیمم بدل از غسل جنابت، داخل مسجد شدن و خواندن نماز جماعت جایز است؟

۹- آیا بر کسی که آب و چیزی که تیمم بر آن صحیح است در اختیار ندارد، نماز واجب است؟

۱- همان، ص ۶۵.

۲- همان، ص ۱۰۷.

## درس پنجم مقدمات نماز (۳)

### اوقات نماز

هر یک از نمازهای واجب باید در وقت مخصوصی اقامه گردد، در این جا اوقات نمازهای یومیه را بیان می‌کنیم.

#### ۱ - نماز صبح

**اول و آخر وقت:** آغاز پهن شدن سفیده صبح تا طلوع خورشید.  
**وقت فضیلت:** از اول وقت تا شروع سرخی شفق در طرف مشرق.

#### ۲ - نماز ظهر

**اول و آخر وقت:** از زوال ظهر، هنگامی که سایه شاخص به طرف مشرق شروع به زیادتر شدن کند، تا به مقدار چهار رکعت مانده به مغرب.  
**وقت مخصوص:** از اول ظهر به اندازه چهار رکعت.  
**وقت فضیلت:** از اول زوال ظهر تا اینکه سایه پدید آمده در بعد از ظهر به اندازه خود شاخص شود.  
**وقت مشترک با عصر:** پس از وقت مخصوص نماز ظهر تا چهار رکعت مانده به مغرب.

#### ۳ - نماز عصر

**اول و آخر وقت:** پس از نماز ظهر (به مقدار چهار رکعت از اول زوال گذشته) تا مغرب.  
**وقت فضیلت:** ابتدای وقت فضیلت عصر زمانی است که سایه جدید شاخص  $\frac{4}{7}$  شاخص شود و اگر به مقدار دو برابر شاخص شد وقت فضیلت عصر تمام می‌شود.  
**وقت مخصوص:** به مقدار چهار رکعت مانده تا مغرب.

#### ۴ - نماز مغرب

**اول و آخر وقت:** از مغرب (زمان از بین رفتن سرخی پس از غروب آفتاب در طرف مشرق) تا به مقدار چهار رکعت مانده به نیمه شب.

**وقت مخصوص:** از اول مغرب به اندازه سه رکعت نماز.

**وقت فضیلت:** از اول مغرب تا زوال سرخی طرف مغرب.

**وقت مشترک با نماز عشاء:** پس از وقت مخصوص نماز مغرب تا چهار رکعت مانده به نیمه شب.

#### ۵ - نماز عشا

**اول و آخر وقت:** پس از نماز مغرب (به مقدار سه رکعت از اول مغرب گذشته) تا نیمه شب.

**وقت فضیلت:** از زوال سرخی طرف مغرب تا یک سوم شب.

**وقت مخصوص:** به مقدار چهار رکعت مانده تا نیمه شب.<sup>۱</sup>

#### توضیح:

۱- چوب یا چیز دیگری را که برای معین کردن ظهر، به زمین فرو می‌برند، شاخص گویند. (م ۷۳۰)

۲- اول ظهر چه زمانی است؟

اگر چوب یا چیزی مانند آن (شاخص) را، راست در زمین هموار فرو برند، صبح که خورشید بیرون می‌آید، سایه آن به طرف مغرب می‌افتد و هر چه آفتاب بالا می‌آید این سایه کم می‌شود و در شهرهای ما در اول ظهر شرعی به آخرین درجه کمی می‌رسد و ظهر که گذشت، سایه آن به طرف مشرق برمی‌گردد و هر چه خورشید رو به مغرب می‌رود، سایه زیادتر می‌شود. بنابراین، وقتی سایه به آخرین درجه کمی رسید و دو مرتبه رو به زیاد شدن گذاشت، معلوم می‌شود ظهر شرعی شده است؛ ولی در بعضی شهرها مثل مکه که گاهی موقع ظهر سایه به کلی از بین می‌رود، بعد از آن که سایه دوباره پیدا شد، معلوم می‌شود ظهر شده است. (م ۷۲۹)

۳- وقت مخصوص و مشترک برای اشخاص فرق می‌کند؛ بطور مثال، اگر به اندازه خواندن دو رکعت نماز از اول ظهر بگذرد، وقت مخصوص نماز ظهر کسی که مسافر است، تمام شده و داخل

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۷، مسأله ۶ (اگر کسی نماز مغرب و نماز عشا را از نیمه شب تأخیر انداخت از روی ناچاری مانند خواب، یا فراموشی و مانند آن، یا عمداً تأخیر انداخته باشد، احتیاط این است که تا طلوع فجر، نماز مغرب و عشا را به قصد مافی‌الذمه بخواند و اگر تا طلوع فجر، به مقدار هر دو نماز وقت باقی نمانده باشد احتیاطاً نماز عشا را به جا آورد و پس از آن قضای نماز مغرب را بخواند و احتیاط بیشتر این است که نماز مغرب و عشاء را پس از وقت به ترتیب قضا کند).

وقت مشترک می شود و برای کسی که مسافر نیست، باید به اندازه خواندن چهار رکعت نماز بگذارد. (م ۷۳۷)

۴- نصف شب چه زمانی است؟

احتیاط واجب آن است که برای نماز مغرب و عشا و مانند اینها شب را، از اول غروب تا اذان صبح حساب کنند و برای نماز شب و مانند آن تا اول آفتاب حساب نمایند. (م ۷۳۹)

### احکام وقت نماز

۱- موقعی انسان می تواند مشغول نماز شود که یقین کند وقت داخل شده است، یا دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند. (م ۷۴۲)

۲- کسی که به اندازه خواندن یک رکعت نماز، وقت دارد، باید نماز را به نیت ادا بخواند؛ ولی نباید به عمد نماز را تا این وقت تأخیر بیندازد. (م ۷۴۸)

۳- کسی که مسافر نیست، اگر تا مغرب به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد، باید نماز ظهر و عصر هر دو را بخواند و اگر کمتر وقت دارد باید فقط نماز عصر را بخواند و بعد نماز ظهر را قضا کند؛ و اگر تا نصف شب به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشا را بخواند و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عشا را بخواند و بعد از آن نماز مغرب را بخواند و به احتیاط واجب، نیت ادا و قضا ننماید (یعنی به نیت مافی الذمه بخواند). (م ۷۴۹)

۴- کسی که مسافر است، اگر تا مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز وقت دارد، باید نماز ظهر و عصر را بخواند و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عصر را بخواند و بعد نماز ظهر را قضا کند، و اگر تا نصف شب به اندازه خواندن چهار رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشا را بخواند و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عشا را بخواند و بعد مغرب را بدون نیت ادا و قضا به جا آورد، و چنانچه بعد از خواندن عشا، معلوم شود که به مقدار یک رکعت یا بیشتر وقت به نصف شب مانده است، باید فوراً نماز مغرب را به نیت ادا به جا آورد. (م ۷۵۰)

۵- مستحب است انسان نماز را در اول وقت آن بخواند و راجع به آن خیلی سفارش شده است و هر چه به اول وقت نزدیک تر باشد بهتر است، مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، به طور مثال صبر کند که نماز را به جماعت بخواند. \* (م ۷۵۱)

\* - شایسته است مربی محترم در این جا پاره ای از احادیثی را که بر استحباب اُکید نماز گزاردن در اول

## استفتاءات

- س ۱ - فاصله زمانی بین غروب خورشید و اذان مغرب چند دقیقه است؟  
ج - ظاهر این است که با اختلاف فصلهای سال تفاوت می‌کند.<sup>۱</sup>
- س ۲ - چه مقدار از نماز اگر در وقت ادا واقع شود، نیت ادا صحیح است؟ و در صورت شک در این که این مقدار، داخل وقت واقع شده یا خیر، وظیفه چیست؟  
ج - وقوع یک رکعت نماز در آخر وقت برای این که نماز، ادا محسوب شود کافی است و در صورت شک در این که وقت لااقل به مقدار یک رکعت باقی است یا خیر، باید به قصد مافی‌الذمه نماز بخوانید و نیت ادا یا قضا نکنید.<sup>۲</sup>
- س ۳ - نظر شما درباره فجر صادق و کاذب چیست؟ و نمازگزار در این مورد چه تکلیفی دارد؟  
ج - معیار شرعی در مورد وقت نماز و روزه، فجر صادق است و احراز آن موکول به تشخیص مکلف است.<sup>۳</sup>
- س ۴ - با توجه به این که امروزه با فراوانی ساعت، یقین به طلوع فجر ممکن است، آیا باید در شبهای مهتابی برای خواندن نماز صبح به مدت پانزده تا بیست دقیقه صبر کرد؟  
ج - فرقی بین شبهای مهتابی و غیر مهتابی در طلوع فجر، وقت فریضة صبح و وجوب امساک برای روزه گرفتن نیست. هر چند احتیاط در این زمینه خوب است.<sup>۴</sup>
- تذکر: طبق فتوای امام خمینی (ره) در شبهای مهتابی باید برای نماز صبر کند تا روشنایی طلوع فجر احراز شود.<sup>۵</sup>
- س ۵ - رسانه‌های گروهی اوقات شرعی هر روز را یک روز قبل از آن اعلام می‌کنند، آیا اعتماد بر آن و بنا گذاشتن بر دخول وقت نماز بعد از پخش اذان از رادیو و تلویزیون جایز است؟  
ج - اگر برای مکلف اطمینان به دخول وقت از طریق مذکور حاصل شود می‌تواند بر آن اعتماد کند.<sup>۶</sup>
- س ۶ - آیا نماز کسی که نماز دوم را بر اولی مقدم داشته مثلاً نماز عشا را جلوتر از مغرب خوانده، صحیح است؟

«ادامه از صفحه قبل»: وقت دلالت دارد برای متریبان بازگو نماید.

۱ - رساله اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۱۰. ۲ - همان.

۳ - همان، ص ۱۱۱. ۴ - همان.

۵ - ر.ک. استفتاءات، امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۱۳۱.

۶ - رساله اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۱۳.



ج - اگر بر اثر اشتباه یا غفلت نماز دوم را مقدم داشته و بعد از تمام شدن نماز متوجه شده، نماز او صحیح است، ولی اگر عمدی بوده باطل است.<sup>۱</sup>

س ۷ - وقت نماز عصر تا اذان مغرب است یا تا هنگام غروب آفتاب؟ نیمه شب شرعی برای نماز عشا چه وقت است؟

ج - آخر وقت نماز عصر تا غروب آفتاب است و احتیاط آن است که برای نماز مغرب و عشا و مانند اینها شب را از اول غروب تا اذان صبح حساب کنند.<sup>۲</sup>

### قبله

رو به قبله بودن در نمازهای واجب یومیه و غیر یومیه؛ حتی نماز میت، در صورت امکان واجب است و همچنین در نماز مستحبی که روی زمین، با حالت آرامش و سکون خوانده می شود، واجب است و اما در نماز مستحبی که در حال راه رفتن و سوار بودن و در کشتی خوانده می شود، رو به قبله بودن، معتبر نیست.<sup>۳</sup>

### قبله کجاست؟

خانه کعبه که در مکه معظمه می باشد، قبله است و باید رو به روی آن نماز خواند؛ ولی کسی که دور است، اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می خواند، کافی است، و همچنین است کارهای دیگری که - مانند سر بریدن حیوانات - باید رو به قبله انجام گیرد. (م ۷۷۶)

### کیفیت رو به قبله بودن در نمازها

کسی که نماز واجب را ایستاده می خواند، باید طوری بایستد که بگویند رو به قبله ایستاده، و لازم نیست زانوهای او و نوک پای او هم رو به قبله باشد. کسی که نباید نشسته نماز بخواند، اگر نمی تواند به طور معمول بنشیند، و در موقع نشستن کف پاها را به زمین می گذارد، باید در موقع نماز، صورت، سینه و شکم او رو به قبله باشد، و لازم نیست ساق پای او، رو به قبله باشد. و کسی که نمی تواند نشسته نماز بخواند، باید در حال نماز به پهلوی راست طوری بخوابد که جلوی

۲ - همان، ص ۱۱۴.

۱ - همان.

۳ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۱، مسأله ۱.

بدن او رو به قبله باشد، و اگر ممکن نیست باید به پهلوی چپ طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد و اگر این راهم نتواند باید به پشت بخوابد، به طوری که کف پای او رو به قبله باشد. (م ۷۷۷ تا ۷۷۹)

### راه‌های پیدا کردن قبله

کسی که می‌خواهد نماز بخواند، باید برای پیدا کردن قبله کوشش نماید. شناخت قبله راه‌هایی دارد که عبارتند از:

- ۱ - یقین: خود انسان یقین کند قبله کدام طرف است.
- ۲ - پینه: یعنی دو شاهد عادل از روی نشانه‌های حسی، شهادت دهند که قبله کدام طرف است.
- ۳ - یا به قول کسی که از روی قاعده علمی قبله را می‌شناسد و محل اطمینان است، عمل کند.
- ۴ - اگر این‌ها ممکن نشد، به گمانی که از محراب مسجد مسلمانان یا قبرهای آنان یا از راه‌های دیگر پیدا می‌شود عمل نماید. (م ۷۸۲)

#### دو نکته:

- ۱- اگر برای پیدا کردن قبله وسیله‌ای ندارد، یا با این که کوشش کرده، گمانش به طرفی نمی‌رود، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید چهار نماز به چهار طرف بخواند، و اگر به اندازه چهار نماز وقت ندارد، باید به اندازه‌ای که وقت دارد، نماز بخواند، مثلاً اگر فقط به اندازه یک نماز وقت دارد، باید یک نماز به هر طرفی که می‌خواهد بخواند و باید نمازها را طوری بخواند که یقین کند یکی از آنها رو به قبله بوده، یا اگر از قبله کج بوده، به طرف دست راست و دست چپ قبله نرسیده است. (م ۷۸۴)
- ۲- اگر در اثنای نماز، متوجه اشتباه و انحراف از قبله شود، آنچه که خوانده درست است و در بقیه نماز باید رو به قبله بایستد.<sup>۱</sup>

### استفتاءات

- س ۱ - آیا اعتماد بر [شاخص یا] قبله نما [برای تشخیص جهت قبله] صحیح است؟
- ج - اعتماد بر شاخص یا قبله نما در صورتی که موجب اطمینان مکلف شود صحیح است و

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۱، مسأله ۴.

باید طبق آن عمل گردد و در غیر اینصورت اشکال نیست که می توان بر اساس محراب مساجد و قبور مسلمین جهت قبله را تشخیص داد.<sup>۱</sup>

س ۲- آیا اگر شدت درگیری و جنگ مانع تعیین جهت قبله شود، نماز خواندن به هر طرف صحیح است؟

ج - اگر وقت باشد باید به چهار طرف نماز خوانده شود. ولی اگر وقت نباشد، به مقدار وسعت وقت به هر طرف که احتمال می دهد قبله است نماز بخواند.<sup>۲</sup>

### پرسش

- ۱- وقت نماز ظهر و عصر را به طور کامل توضیح دهید.
- ۲- نصف شب شرعی چه زمانی است؟
- ۳- آیا لازم است در شبهای مهتابی برای خواندن نماز صبح به مدت پانزده تا بیست دقیقه صبر کرد؟
- ۴- آیا اعتماد بر رسانه های گروهی مانند رادیو و تلویزیون در دخول وقت نماز جایز است؟
- ۵- آیا نماز کسی که نماز دوم را بر نماز اول مقدم داشته صحیح است؟
- ۶- قبله کجاست؟
- ۷- کیفیت رو به قبله بودن در نماز را بیان کنید.
- ۸- وظیفه کسی که بین نماز، متوجه انحراف از قبله می شود، چیست؟
- ۹- آیا برای تشخیص جهت قبله اعتماد بر قبله نما صحیح است؟
- ۱۰- اگر شدت درگیری و جنگ مانع تعیین جهت قبله شود، چگونه باید نماز بخواند؟

---

۱- رساله اجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۱۵. ۲- همان.

درس ششم

## مقدمات نماز (۴)

### لباس نمازگزار

لباسی را که انسان می‌خواهد در حال نماز بپوشد، شرایطی دارد که در زیر می‌آوریم:

#### شرایط لباس نمازگزار

- ۱- پاک باشد.
  - ۲- مباح باشد.
  - ۳- از اجزای مردار نباشد.
  - ۴- از حیوان حرام گوشت نباشد.
  - ۵ و ۶- اگر نمازگزار مرد است، لباس او ابریشم خالص و طلا باف نباشد. (م ۷۹۸)
- اینک توضیح هر یک از این شرایط:
- شرط اول:** لباس نمازگزار باید پاک باشد.
- اگر کسی به عمد با لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است. (م ۷۹۹ و ۸۰۰)
- کسی که نمی‌داند با لباس نجس، نماز باطل است و در ندانستن حکم مسأله مقصر باشد، اگر با لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل می‌باشد. (همان)
- اگر به واسطه تقصیر در ندانستن مسأله، چیز نجسی را نجس نداند مثلاً نداند عرق شتر نجاستخوار نجس است و با آن نماز بخواند، نمازش باطل است. (م ۸۰۱)
- اگر فراموش کند لباسش نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را دوباره بخواند، اگر وقت گذشته قضا نماید. (م ۸۰۳)
- اگر نداند لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده، نماز او صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر وقت دارد، دوباره آن نماز را بخواند. (م ۸۰۲)

## استفتاءات

س ۱ - آیا نماز خواندن با لباسی که شک در نجس بودن آن دارم، صحیح است؟  
ج - لباسی که نجس بودن آن مشکوک می باشد، محکوم به طهارت بوده و نماز خواندن با آن صحیح است.<sup>۱</sup>

س ۲ - نمازگزار یقین داشته باشد که نجاستی بر بدن یا لباسش وجود ندارد و نماز بخواند، بعداً معلوم شود که بدن یا لباس او نجس بوده است. آیا نماز وی باطل است؟ اگر در حین نماز متوجه نجاست شود نماز او چه حکمی دارد؟

ج - اگر اصلاً علم به نجس بودن لباس یا بدن نداشته باشد و بعد از نماز متوجه آن شود، نماز او صحیح است و اعاده و قضا واجب نیست. ولی اگر در اثنای نماز متوجه آن شود، اگر برای وی ازالۀ نجاست از بدن یا در آوردن لباس نجس بدون ارتکاب عملی که منافات با نماز دارد، ممکن باشد باید نجاست بدن را برطرف یا لباس نجس را از خود دور کند و نماز خود را تکمیل نماید و اگر برطرف کردن نجاست با حفظ حالت نماز برای او امکان ندارد و وقت هم وسعت دارد، واجب است نماز را قطع کند و با بدن و لباس پاک دوباره بخواند.<sup>۲</sup>

س ۳ - اگر نمازگزار دستمال و امثال آن را که با خون نجس شده اند حمل کند و یا در جیب خود بگذارد، آیا نماز او باطل است؟

ج - اگر دستمال به قدری کوچک باشد که نتوان عورت را با آن پوشاند، همراه بودن آن در نماز اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

س ۴ - آیا نماز در لباس معطر به عطرهای امروزی که حاوی الکل است، صحیح است؟  
ج - اگر علم به نجاست آن عطرها نداشته باشد، نماز در لباسهای مذکور اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

**شرط دوم:** لباس نمازگزار باید مباح باشد (یعنی غصبی نباشد).

کسی که می داند پوشیدن لباس غصبی حرام است، اگر به عمد در لباس غصبی نماز بخواند، باطل است و همچنین اگر در لباسی که نخ یا دکمه یا چیز دیگر آن غصبی است نماز بخواند، بنابراین احتیاط واجب، باید آن نماز را دوباره با لباس غیر غصبی بخواند. (م ۸۱۵)

۱ - رسالۀ اجوبۀ الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۳۲.

۲ - همان، ص ۱۳۳.

۳ - همان، ص ۱۳۵.

۴ - همان.

**تذکر مهم:** اگر با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده، لباس بخرد، نماز خواندن در آن لباس، باطل است و همچنین است اگر به ذمه بخرد و در موقع معامله، قصدش این باشد که از پولی که خمس یا زکاتش را نداده بدهد. (م ۸۲۰)

**شرط سوّم:** از اجزای مردار نباشد.

لباس نمازگزار باید از اجزای حیوان مرده‌ای که خون جهنده دارد نباشد؛ بلکه احتیاط واجب آن است که در لباس تهیه شده از حیوان مرده‌ای که خون جهنده ندارد، مانند ماهی و مار نیز نماز نخواند. (م ۸۲۱)

باید چیزی از مردار مانند گوشت و پوست آن که روح داشته، بنابر احتیاط واجب همراه نمازگزار نباشد، گر چه لباس او هم نباشد. (م ۸۲۲)

اگر چیزی از مردار حلال گوشت مانند مو و پشم که روح ندارد، همراه نمازگزار باشد، یا با لباسی که از آنها تهیه کرده‌اند نماز بخواند، نمازش صحیح است. (م ۸۲۳)

#### استفتاء

س - آیا نماز خواندن در کمر بند چرمی که از آلمان خریده‌ام و شک دارم از پوست طبیعی است یا مصنوعی و از پوست حیوان تذکیه شده است یا خیر، اشکال شرعی دارد؟ نمازهایی که با آن خوانده‌ام چه حکمی دارد؟

ج - اگر شک در این باشد که آن چرم طبیعی است یا مصنوعی، نماز با آن اشکال ندارد، ولی اگر بعد از احراز چرم طبیعی بودن آن، شک در این باشد که آیا از حیوانی است که شرعاً تذکیه شده یا خیر، نجس نیست. ولی نماز با آن باطل است و نمازهای گذشته که در حال جهل به حکم در این باره خوانده‌اید قضا ندارد.<sup>۱</sup>

**شرط چهارم:** از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد.

لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد و اگر مویی از آن هم همراه نمازگزار باشد، نماز او باطل است.

اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت، مانند گربه بر بدن یا لباس نمازگزار باشد، چنانچه تر باشد، نماز باطل و اگر خشک شده و عین آن بر طرف شده باشد، نماز صحیح است. (م ۸۲۴ و ۸۲۵)

۱ - رساله اجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۳۳.

### استفتاء

س - آیا وجود مو یا آب دهان گربه در لباس نمازگزار باعث بطلان نماز او می شود؟

ج - بله، موجب بطلان نماز است.<sup>۱</sup>

**شرط پنجم:** اگر نمازگزار مرد است، لباس او ابریشم خالص و طلا باف نباشد.

پوشیدن لباس طلا باف و زینت کردن به طلا، مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست، برای مرد، در حال نماز و غیر نماز، حرام و نماز خواندن با آنها باطل است؛ و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا هم خودداری کند، ولی پوشیدن لباس طلا باف و زینت کردن به طلا، برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد. (م ۸۳۱-۸۳۲)

پوشیدن لباس ابریشمی خالص، در نماز و غیر نماز، برای مرد، حرام است و نماز را هم باطل می کند، چه بشود با او ستر عورت کرد یا نشود، مانند آستر لباس، عرقچین، بند شلوار و... ولی همراه داشتن آن، مثل در جیب گذاردن، مانعی ندارد؛ و اما برای زن چه در نماز و چه در غیر آن، اشکالی ندارد. (م ۸۳۴، ۸۳۵ و ۸۳۷)

### استفتاءات

س ۱ - به دست کردن انگشتر طلا توسط مردان بخصوص در نماز چه حکمی دارد؟

ج - به دست کردن انگشتر طلا برای مردان در هیچ حالی جایز نیست و نماز با آن هم باطل است.<sup>۲</sup>

س ۲ - استفاده مردان از انگشتری که از جنس طلای سفید است، چه حکمی دارد؟

ج - اگر چیزی که طلای سفید نامیده می شود از موادی غیر از طلای زرد ترکیب شده باشد، به دست کردن آن حرام نیست.<sup>۳</sup>

س ۳ - آیا استفاده از طلا بدون قصد زینت به طوری که دیگران نبینند اشکال شرعی دارد؟

ج - پوشیدن طلا، خواه حلقه انگشتری باشد یا غیر آن، برای مردان مطلقاً حرام است هرچند به قصد زینت نباشد و از دید دیگران مخفی باشد.<sup>۴</sup>

۱ - همان، ص ۱۳۶. ۲ - رساله اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۳۶.

۳ - همان. ۴ - همان.

س ۴ - استفاده از طلا برای مردان به مدت کوتاه چه حکمی دارد؟ اما اشخاص بسیاری را مشاهده می‌کنیم که می‌گویند استفاده از آن برای مدت کوتاه، مثل لحظه عقد، اشکال ندارد؟  
ج - پوشیدن طلا برای مرد حرام است و فرقی بین مدت کم یا زیاد نیست.<sup>۱</sup>

#### نماز خواندن با لباس ناپاک

در برخی موارد می‌توان با لباس نجس، نماز خواند. به عبارت دیگر، مواردی برای مکلف پیش می‌آید که نماز خواندن با لباس ناپاک در آن موارد، از نظر شرع بخشیده شده است. اینک تفصیل آن را در زیر به صورت دسته بندی ذکر می‌کنیم:

#### مواردی که می‌شود با لباس نجس نماز خواند:

- ۱ - خون زخم یا جراحت یا دمل.
- ۲ - خون کمتر از درهم.
- ۳ - لباس پرستار بچه.
- ۴ - در حال اضطرار.
- ۵ - چیزهایی که به تنهایی نمی‌توان در آنها نماز خواند یعنی به تنهایی ساتر عورت نیستند.

#### توضیح:

۱ - اگر در بدن یا لباس نمازگزار، خون زخم یا جراحت یا دمل باشد، چنانچه طوری است که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس، برای بیشتر مردم یا برای خصوص او سخت است، تا وقتی که زخم یا جراحت یا دمل خوب نشده است، می‌تواند با آن خون نماز بخواند، و همچنین است اگر چرکی که با خون بیرون آمده یا دواایی که روی زخم گذاشته‌اند و نجس شده در بدن یا لباس او باشد. (م ۸۴۹)

۲ - خون در بدن و لباس، اگر وسعت آن کمتر از درهم بعلی باشد و از حیض، نفاس و استحاضه و خون نجس العین (مثل سگ) و مردار نباشد، بخشیده شده و چون وسعت درهم بعلی مشخص نیست باید به قدر متیقن، اکتفا کرد که به اندازه بند انگشت سبابه باشد.<sup>۲</sup>

۳ - هر چیزی که به تنهایی نمی‌توان در آن نماز خواند و به تنهایی ساتر عورت نیست، مثل بند شلوار، جوراب و مانند آنها، اگر چه با نجاست حرام گوشت نجس شده باشد، در نماز عفو شده

۲ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۲۴.

۱ - همان.



است. اما اگر از عین نجس درست شده باشد، مثل آن که جزء مردار یا موی سگ یا خوک یا کافر باشد، در نماز، عفو نشده است.<sup>۱</sup>

۴- زنی که پرستار بچه است و بیشتر از یک لباس ندارد، هرگاه شبانه روزی یک مرتبه لباس خود را آب بکشد، اگر چه تا روز دیگر لباس به بول بچه نجس شود، می تواند با آن لباس نماز بخواند، ولی احتیاط واجب آن است که لباس خود را در شبانه روز یک مرتبه برای اولین نمازی که لباسش پیش از آن نجس شده، آب بکشد؛ و نیز اگر بیشتر از یک لباس دارد ولی ناچار است که همه آنها را بپوشد، چنانچه شبانه روزی یک مرتبه به دستوری که گفته شده همه آنها را آب بکشد، کافی است. (م ۸۶۳)

## مکان نمازگزار

### شرایط مکان نمازگزار

- ۱- مباح باشد، یعنی غصبی نباشد.
- ۲- بدون حرکت و تکان خوردن باشد.\*
- ۳- سقف برای قیام کوتاه نباشد و از نظر طول و عرض، محل نماز به گونه ای باشد که بتواند رکوع و سجده کند.\*\*
- ۴- محل قرار گرفتن پیشانی باید پاک باشد، یعنی پیشانی بر روی موضع نجس قرار نگیرد.
- ۵- موضع پیشانی از جای زانوها، بیش از چهار انگشت بسته پست تر یا بلندتر نباشد.\*\*\*

۱- همان، ص ۱۲۵.

\*- مقصود این است که محل نماز باید قرار و آرام داشته باشد، نه این که در حال سیر نباشد. بنابراین، اگر در حال اختیار در کشتی، هواپیما، قطار و مانند آن بخواهد نماز بخواند، در صورتی که در حال سیر، استقرار و آرامش بر نمازگزار حاکم باشد اشکالی ندارد؛ ولی باید بقیه شرایط مانند رو به قبله بودن را مراعات کند. اما در شرایط اضطرار می تواند در جایی که قرار و آرام ندارد، نماز بخواند. البته به قدری که ممکن است باید در حال تکان خوردن وسیله در حال حرکت چیزی نخواند و همچنین در صورت امکان با چرخش آن وسیله، جهت قبله را رعایت کند. (تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۵۱، مسأله ۱۵)

\*\* - اگر ناچار شود در جایی که سقف آن کوتاه است، یا به اندازه ای کوچک است که جای رکوع و سجده ندارد، نماز بخواند، باید به حدی که ممکن است قیام، رکوع و سجده را به جا آورد. (توضیح المسائل، قبل از مسأله ۸۸۴)

\*\*\* - احتیاط واجب آن است که موضع پیشانی از سرانگشتان پا هم بیشتر از چهار انگشت بسته، پست تر یا بلندتر نباشد.

تذکر: به توضیح المسائل، مبحث شرایط مکان نمازگزار مراجعه کنید.

۶- محل نماز (غیرموضع پیشانی) اگر نجس است، خشک باشد؛ و اگر مرطوب است، رطوبت آن طوری نباشد که به بدن و لباس نمازگزار سرایت کند.

#### توضیح:

۱- نماز خواندن در ملک غصبی؛ اگر چه روی فرش، تخت و مانند این‌ها [باشد] و نیز ملکی که منفعت آن مال دیگری است، بدون اجازه کسی که منفعت ملک، مال او می‌باشد، باطل است، مثلاً در خانه اجاره‌ای اگر صاحب خانه یا دیگری بدون اجازه کسی که آن خانه را اجاره کرده، نماز بخواند، نمازش باطل است، و همچنین است اگر در ملکی که دیگری در آن حقی دارد نماز بخواند، مثلاً اگر میت وصیت کرده باشد که ثلث مال او را به مصرفی برسانند، تاوقتی ثلث را جدا نکنند، نمی‌توان در ملک او نماز خواند. (م ۸۶۶ و ۸۶۷)

۲- اگر یا عین پولی که خمس و زکات آن را نداده ملکی بخرد، تصرف او در آن ملک، حرام، و نمازش هم در آن باطل است. (م ۸۷۳)

۳- تصرف در ملک میتی که خمس یا زکات بدهکار است حرام و نماز در آن باطل است، مگر آنکه بنا داشته باشند که آن بدهکارها را بدهند. (م ۸۷۵)

#### استفتاءات

س ۱- شخصی در یک خانه دولتی زندگی می‌کند که مدت سکونت وی در آن به پایان رسیده و حکم تخلیه نیز به او ابلاغ شده است. نماز و روزه‌های وی بعد از انقضای موعد مقرر تخلیه، چه حکمی دارد؟  
ج - اگر از طرف مسئولین مربوط مجاز به استفاده از آن خانه بعد از مهلت مقرر نباشد، تصرفات او در آن حکم غصب را دارد.<sup>۱</sup>

س ۲- آیا نماز خواندن بر سجاده‌ای که شکلهایی روی آن رسم شده و یا بر مهری که دارای نقش است کراهت دارد؟

ج - فی نفسه اشکال ندارد، ولی اگر به گونه‌ای باشد که بهانه به دست کسانی دهد که تهمت به شیعه می‌زنند، تولید آن و نماز خواندن بر آن جایز نیست.<sup>۲</sup>

س ۳- آیا اگر مکان نمازگزار پاک نباشد، ولی محل سجده پاک باشد، نماز صحیح است؟  
ج - اگر نجاست مکان نمازگزار به لباس یا بدن وی سرایت نکند و محل سجده هم پاک باشد،

۱- رساله اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۱۸. ۲- همان.

نماز در آن اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

س ۴- در جاده‌ها رستورانهایی وجود دارد که در کنار آنها مکانهایی برای خواندن نماز قرار دارد، آیا اگر کسی در آن رستوران غذا نخورد، جایز است در آن مکانها نماز بخواند یا این که ابتدا باید اجازه بگیرد؟

ج- اگر احتمال دهد نمازخانه ملک صاحب رستوران است و استفاده از آن مخصوص کسانی است که در آن رستوران غذا می‌خورند، باید اجازه بگیرد.<sup>۲</sup>

س ۵- آیا نماز کسی که در زمین غصبی روی سجاده یا چوب و مانند آن نماز خوانده، صحیح است یا باطل؟

ج- نماز در زمین غصبی باطل است هرچند روی جانماز و تخت باشد.<sup>۳</sup>

س ۶- نماز کسانی که با قایق به مأموریت فرستاده می‌شوند و وقت نماز آنها می‌رسد، به طوری که اگر در همان زمان، نماز نخوانند، بعد از آن می‌توانند نماز خود را داخل وقت بخوانند چه حکمی دارد؟  
ج- در فرض مزبور واجب است نماز را در وقت آن به هر صورتی که ممکن است ولو در داخل همان قایق بخوانند.<sup>۴</sup>

#### مکان‌های مستحب در نماز

در شرع مقدس اسلام بسیار سفارش شده است که نماز را در مسجد بخوانند و مساجدی که نماز خواندن در آنها مستحب است به ترتیب اهمیت عبارتند از:

- ۱- مسجد الحرام
- ۲- مسجد پیغمبر (ص)
- ۳- مسجد کوفه
- ۴- مسجد بیت المقدس
- ۵- مسجد جامع هر شهر
- ۶- مسجد محله
- ۷- مسجد بازار (م ۸۹۳)

---

۱- همان.  
۲- همان، ص ۱۲۰.  
۳- همان.  
۴- همان، ص ۱۲۱.

### چند مسأله

- ۱- نماز در حرم امامان (ع) مستحب، بلکه بهتر از مسجد است، و نماز در حرم مطهر حضرت امیرمؤمنان (ع) برابر دویست هزار نماز است. (م ۸۹۵)
- ۲- زیاد رفتن به مسجد، و رفتن به مسجدی که نمازگزار ندارد، مستحب است؛ و همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد، مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند. (م ۸۹۶)
- ۳- مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی شود، غذا نخورد؛ و در کارها با او مشورت نکند و همسایه او نشود و از او زن نگیرد و به او زن ندهد. (م ۸۹۷)

### مکان های مکروه در نماز

نماز خواندن در چند جا مکروه است که برخی از آنها را در زیر بیان می کنیم:

۱- حمام	
- انسان	
- دری که باز است	
- آتش و چراغ	
۲- مقابل	
- چاه و چاله ای که محل بول باشد	
- عکس و مجسمه چیزی که روح دارد، مگر آنکه روی آن پرده بکشند.	
- قبر	
۳- در جاده و خیابان و کوچه که برای عابران زحمت نباشد و چنانچه زحمت باشد حرام، ولی نماز باطل نیست.	
۴- در آشپزخانه و هر جا که کوره آتش باشد.	
۵- در جایی که عکس باشد؛ اگر چه رو به روی نمازگزار نباشد.	
۶- روی قبر، بین دو قبر و در قبرستان (م ۸۹۸)	

### مکان های مکروه نماز

### پرسش

- ۱- اگر کسی بعد از نماز بفهمد، لباسش نجس بوده، نمازش چه حکمی دارد؟
- ۲- اگر در جیب نمازگزار دستمال خونی باشد، نمازش چه حکمی دارد؟
- ۳- نماز خواندن در لباسی که با عین پول خمس نداده خریده، چه حکمی دارد؟
- ۴- اگر در دست نمازگزار انگشتر طلا باشد، نمازش چه حکمی دارد؟
- ۵- آیا استفاده از طلا بدون قصد زینت به طوری که دیگران ببینند، اشکال شرعی دارد؟
- ۶- سجده کردن بر مهری که دارای نقش است چه حکمی دارد؟
- ۷- نماز خواندن در رستورانهایی که در مسیر جاده‌ها وجود دارد، چه حکمی دارد؟
- ۸- در چه مواردی می‌توان با لباس ناپاک نماز خواند؟
- ۹- نماز خواندن در اتومبیل، کشتی و قطار چه حکمی دارد؟
- ۱۰- مکان‌های مستحب برای نماز خواندن را نام ببرید.

## درس هفتم

### واجبات نماز (۱)

واجبات نماز یازده چیز است که بعضی از آنها «رکن» و برخی «غیر رکن» می باشد؛ رکن نماز، آنهایی است که اگر به عمد یا به اشتباه به جا نیاورد، یا در نماز اضافه کند، نماز باطل می شود و غیر رکن، چیزهایی است که اگر به عمد کم یا زیاد شود، نماز باطل می شود (و چنانچه به اشتباه کم یا زیاد گردد، نماز باطل نمی شود). (م ۹۴۲)

نمودار زیر واجبات رکنی و غیر رکنی را نشان می دهد:

۱- نیت	۱- رکن	واجبات نماز
۲- قیام: در موقع تکبیره الاحرام و پیش از رکوع		
۳- تکبیره الاحرام		
۴- رکوع		
۵- سجود (دو سجده)		
۱- قرائت	۲- غیر رکن	
۲- ذکر		
۳- تشهد		
۴- سلام		
۵- ترتیب		
۶- موالات (پی در پی بودن اجزای نماز) (قبل ازم ۹۴۲)		

## ۱ - رکن:

### نیت

انسان باید نماز را به نیت قربت، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم به جا آورد، و لازم نیست نیت را از قلب خود بگذراند، یا به طور مثال، به زبان بگوید که چهار رکعت نماز ظهر می خوانم قُرْبَةً إِلَى اللَّهِ. (م ۹۴۳) در نیت، انسان باید بداند چه نمازی می خواند؛ یعنی بطور مثال، بداند نماز ظهر است یا عصر؛ بنابراین، اگر در نماز ظهر یا در نماز عصر نیت کند که چهار رکعت نماز می خوانم و معین نکند، ظهر است یا عصر، نماز او باطل است. (م ۹۴۴)

### تکبيرة الاحرام

گفتن الله اکبر در اول هر نماز، واجب و رکن است و باید به عربی صحیح گفته شود و هنگام گفتن آن باید بدن آرام باشد و اگر به عمد در حالی که بدنش حرکت دارد تکبيرة الاحرام را بگوید، باطل است و چنانچه سهواً حرکت کند، بنابر احتیاط واجب، باید اول عملی که نماز را باطل می کند، انجام دهد و دوباره تکبیر بگوید. (م ۹۴۸ و ۹۵۱)

مستحب است موقع گفتن تکبیر اول و تکبیرهای بین نماز، دست ها را تا مقابل گوش ها بالا ببرد. (م ۹۵۵) بدین گونه که با شروع تکبیر، شروع کند به بالا بردن دست ها و با پایان یافتن تکبیر دست ها به کنار گوش ها رسیده باشد.<sup>۱</sup>

### قیام (ایستادن)

قیام در موقع گفتن تکبيرة الاحرام و قیام پیش از رکوع که آن را قیام متصل به رکوع می گویند، رکن است، ولی قیام در موقع خواندن حمد و سوره و قیام بعد از رکوع رکن نیست، و اگر کسی آن را از روی فراموشی ترک کند، نمازش صحیح است. (م ۹۵۸)

واجب است پیش از گفتن تکبیر و بعد از آن مقداری بایستد تا یقین کند که در حال ایستادن تکبیر گفته است. (م ۹۵۹)

اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره بنشیند و یادش بیاید که رکوع نکرده، باید بایستد و به رکوع رود؛ و اگر بدون این که بایستد، به حال خمیدگی به رکوع برگردد، چون قیام متصل به رکوع را به جا نیاورده، نماز او باطل است. (م ۹۶۰)

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۶۲، مسأله ۴.

### رکوع

در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را بر زانو بگذارد و این عمل را «رکوع» می‌گویند. البته گذاشتن دست‌ها بر زانو لازم نیست؛ بنابراین، اگر به اندازه رکوع خم شود، ولی دست‌ها را به زانو نگذارد اشکال ندارد. (م ۱۰۲۳-۱۰۲۲)

کسی که نشسته رکوع می‌کند، باید بقدری خم شود که صورتش مقابل زانوهای برسد؛ و بهتر است بقدری خم شود که صورت نزدیک جای سجده برسد. (م ۱۰۲۷)

انسان هر ذکر در رکوع بگوید، کافی است؛ ولی احتیاط واجب آن است که به قدر سه مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ**، یا یک مرتبه **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ** کمتر نباشد. (م ۱۰۲۸)

در رکوع باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد و ذکر مستحب هم اگر آن را به قصد ذکر که برای رکوع دستور داده‌اند بگوید، بنابر احتیاط واجب، آرام بودن بدن لازم است. (م ۱۰۳۰)

اگر پیش از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، به عمد ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است. (م ۱۰۳۲)

مستحب است پیش از رفتن به رکوع، در حالی که راست ایستاده، تکبیر بگوید و در رکوع زانوهای را به عقب دهد و پشت را صاف نگه دارد و گردن را بکشد و مساوی پشت نگه دارد و بین دو پارانگاه کند و پیش از ذکر یا بعد از آن، صلوات بفرستد و بعد از آن که از رکوع برخاست و راست ایستاد، در حال آرامی بدن بگوید **سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ**. (م ۱۰۴۳)

### سجود

نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده کند و سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سرد و زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها را بر زمین بگذارد. (م ۱۰۴۵)

دو سجده روی هم یک رکن است که اگر کسی در (یک رکعت) نماز واجب به عمد یا از روی فراموشی، هر دو را ترک کند، یا دو سجده دیگر به آنها اضافه نماید، نمازش باطل است. (م ۱۰۴۶)

در سجده هر ذکر بگوید، کافی است؛ ولی احتیاط واجب، آن است که مقدار ذکر از سه مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ** یا یک مرتبه **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ** کمتر نباشد؛ و مستحب است ذکر **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ** را سه یا پنج یا هفت مرتبه بگوید. (م ۱۰۴۹)

بعد از تمام شدن ذکر سجده اول، باید بنشینند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود. (م ۱۰۵۶)

**تذکر:** اگر پیشانی بی اختیار از جای سجده بلند شود، چنانچه ممکن باشد باید نگذارد دوباره



به جای سجده برسد و این یک سجده حساب می‌شود؛ چه ذکر سجده را گفته باشد یا نه، و اگر نتواند سر را نگه دارد و بی اختیار دو بار، به جای سجده برسد، روی هم یک سجده حساب می‌شود و اگر ذکر نگفته باشد، باید بگوید. (م ۱۰۷۱)

### چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است

- ۱- خاک
  - ۲- انواع سنگ حتی سنگ آهک، سنگ گچ و سنگ مرمر.
  - ۳- گچ و آهک پخته.
  - ۴- آجر و کوزه گلی و مانند آن.
  - ۵- چوب و برگ‌های غیر خوراکی
  - ۶- چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان است. مانند علف و کاه.
  - ۷- گل‌های غیر خوراکی.
  - ۸- کاغذ مانند کاغذ کاهی، بلکه کاغذی که از پنبه درست شده است.<sup>۱</sup>
- تذکر: برای سجده بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهداء (ع) می‌باشد، بعد از آن خاک، بعد از خاک سنگ و بعد از سنگ گیاه است. (م ۱۰۸۳)

### استفتاءات

- س ۱- سجده و تیمم بر سیمان و موزائیک چه حکمی دارد؟
- ج - سجده و تیمم بر آن دو اشکال ندارد. اگر چه احوط ترک تیمم بر سیمان و موزائیک است.<sup>۲</sup>
- س ۲- آیا سجده بر مهر که سیاه و چرک شده بطوری که لایه‌ای از چرک روی آن را پوشانده و مانع چسبیدن پیشانی روی مهر است، اشکال دارد؟
- ج - اگر چرک روی مهر به مقداری باشد که حایل بین پیشانی و مهر شود، سجده و نماز باطل است.<sup>۳</sup>
- س ۳- سجده بر سنگفرش مرمر مشاهد مشرفه چه حکمی دارد؟
- ج - سجده بر سنگ مرمر اشکال ندارد.<sup>۴</sup>
- س ۴- آیا جایز است هنگام سجده بر انگشت بزرگ پا، بعضی از انگشتان دیگر آن را هم بر زمین بگذاریم؟

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۹، مسأله ۱۰ و توضیح المسائل، مسأله ۱۰۸۲، ۱۰۷۶.

۲- رساله اجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۴۸. ۳- همان.

۴- همان، ص ۱۵۰.

### ج - اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

س ۵ - امروزه مهري برای نماز ساخته شده که با شمارش رکعت‌ها و سجده‌های نمازگزار باعث می‌شود تا حدی شک او برطرف گردد. با توجه به این که هنگام گذاشتن پیشانی روی آن، مهر به خاطر دستگاه فلزی که زیر آن نصب شده است، به سمت پایین حرکت می‌کند، آیا با این توصیف سجده بر آن صحیح است؟ امیدواریم نظر شریف خود را بیان فرمایید.

ج - اگر محل گذاشتن پیشانی از چیزهایی باشد که سجده بر آن صحیح است و پس از گذاشتن پیشانی ثابت و بی حرکت بماند، سجده بر روی آن اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

س ۶ - هنگام نشستن بعد از سجده کدام پا روی دیگری گذاشته می‌شود؟

ج - مستحب است بر ران چپ بنشیند و پشت پای راست را بر کف پای چپ بگذارد.<sup>۳</sup>

س ۷ - در سجده و رکوع بعد از قرائت ذکر واجب، گفتن چه ذکرى افضل است؟

ج - تکرار همان ذکر واجب، و بهتر است به عدد فرد ختم شود، و در سجده علاوه بر آنچه گفته شد، صلوات و دعا برای حاجت‌های دنیا و آخرت مستحب است.<sup>۴</sup>

### پرسش

۱ - آیا بر زبان آوردن نیت در نماز، لازم است؟

۲ - اقسام قیام را نام ببرید.

۳ - ذکر واجب رکوع چیست؟

۴ - ذکر واجب سجده چیست؟

۵ - سجده بر چه چیزهایی صحیح است؟

۶ - سجده بر موزائیک و سیمان چه حکمی دارد؟

۷ - آیا سجده بر مهر چرکین و سیاه صحیح است؟

۸ - سجده بر سنگفرش مرمر چه حکمی دارد؟

۹ - در سجده بعد از قرائت ذکر واجب، گفتن چه ذکرى افضل است؟

۱۰ - هنگام نشستن بعد از سجده کدام پا روی دیگری گذاشته می‌شود؟

---

۱ - همان. ۲ - همان. ۳ - همان. ۴ - همان.

درس هشتم

## واجبات نماز (۲)

### ۲ - غیر رکن:

#### قرائت و ذکر

در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه، انسان باید اول حمد و بعد از آن، سوره تمام بخواند و در نمازهای مستحبی، حمد واجب و شرط صحت نماز است؛ اما سوره واجب نیست گرچه نماز مستحب به واسطه نذر و مانند آن واجب شود.<sup>۱</sup>

بر مرد واجب است حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء را بلند بخواند و بر مرد و زن واجب است حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند. (م ۹۲۲)

زن می تواند حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء را بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم صدایش را بشنود بنابر احتیاط واجب باید آهسته بخواند. (م ۹۴۴)

اگر در جایی که باید نماز را بلند خواند به عمد آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته بخواند به عمد بلند بخواند، نمازش باطل است؛ ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، صحیح است؛ و اگر در بین خواندن حمد و سوره هم بفهمد اشتباه کرده، لازم نیست مقداری را که خوانده دوباره بخواند. (م ۹۹۵)

در رکعت سوّم و چهارم نماز می تواند فقط یک حمد بخواند یا سه مرتبه تسبیحات اربعه بگوید؛ یعنی سه مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» و اگر یک مرتبه هم تسبیحات اربعه بگوید کافی است و می تواند در یک رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید و بهتر است در هر دو رکعت تسبیحات بخواند. (م ۱۰۰۵)

---

۱ - توضیح المسائل، مسأله ۹۷۸ و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۶۵، مسأله ۲.

### دو تذکر:

- ۱- در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را یک مرتبه بگوید. (م ۱۰۰۶)
- ۲- بر مرد و زن واجب است که در رکعت سوم و چهارم نماز، حمد یا تسبیحات را آهسته بخوانند. (م ۱۰۰۷)

### استفتاءات

- س ۱- نمازی که قرائت آن بلند خوانده نشده باشد، چه حکمی دارد؟  
ج - بر مردان واجب است حمد و سوره را در نمازهای صبح و مغرب و عشا بلند بخوانند. اگر سهواً یا جهلاً آهسته بخوانند نماز صبح صحیح است، ولی اگر از روی عمد باشد نماز باطل است.<sup>۱</sup>
- س ۲- آیا اگر قصد خواندن قضای نماز صبح را داشته باشیم باید آن را بلند بخوانیم یا آهسته؟  
ج - واجب است قرائت حمد و سوره در نمازهای صبح و مغرب و عشا چه ادا باشد و چه قضا در هر حالی بلند باشد حتی اگر قضای آنها در روز خوانده شود و اگر عمداً بلند بخواند باطل است.<sup>۲</sup>
- س ۳- کسی که از ابتدا و یا بر حسب عادت قصد خواندن سوره فاتحه و اخلاص را داشت و بسم الله الرحمن الرحیم را گفت ولی سهواً سوره را تعیین نکرد، آیا باید از اول، سوره معینی را قصد نماید و بعد بسم الله الرحمن الرحیم را قرائت کند؟  
ج - اعاده بسم الله الرحمن الرحیم واجب نیست، بلکه می تواند برای خواندن هر سوره ای به آن اکتفا کند.<sup>۳</sup>
- س ۴- آیا ادای کامل الفاظ عربی در نماز واجب است؟ آیا اگر کلمات بصورت عربی صحیح و کامل تلفظ نشود، نماز محکوم به صحت است؟  
ج - واجب است همه ذکرهای واجب نماز از قبیل قرائت حمد و سوره و غیر آنها به طور صحیح قرائت شود و اگر نمازگزار کیفیت صحیح تلفظ کلمات عربی را نمی داند واجب است یاد بگیرد و اگر قادر به یادگیری نیست، معذور است.<sup>۴</sup>
- س ۵- آیا بر قرائت قلبی در نماز یعنی گذراندن کلمات در قلب بدون تلفظ آنها، قرائت صدق می کند یا خیر؟

۱- رساله اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۴۰. ۲- همان.

۳- همان، ص ۱۴۳. ۴- رساله اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۴۳.

ج - عنوان قرائت بر آن صدق نمی‌کند و در نماز واجب است کلمات تلفظ شوند به طوری که قرائت بر آن صدق کند.<sup>۱</sup>

س ۶- آیا بعد از قرائت سوره حمد در نماز واجب است یک سوره کامل خوانده شود یا تلاوت مقداری از قرآن کریم هم کافی است؟ و در صورت اول آیا بعد از قرائت سوره خواندن بعضی از آیات قرآنی جایز است؟

ج - در نمازهای واجب یومیه، قرائت آیاتی از قرآن کریم به جای سوره کامل، مجزی نیست، ولی قرائت بعضی از آیات به قصد قرآن بعد از قرائت یک سوره کامل، اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

س ۷- اگر بر اثر سهل انگاری و یا لهجه‌ای که انسان به آن تکلم می‌کند، اشتباهی در قرائت حمد و سوره و یا در اعراب و حرکات نماز رخ دهد مثلاً کلمه «یولد» به جای فتح لام، به کسر لام خوانده شود، نماز چه حکمی دارد؟

ج - اگر عامد یا جاهل مقصر (قادر بر یادگیری) باشد، نماز باطل است و الانماز صحیح است.<sup>۳</sup>

س ۸- آیا قرائت عمدی ذکرهای رکوع و سجده به جای یکدیگر اشکال دارد؟

ج - اگر آنها را به قصد مطلق ذکر خداوند عزوجل بگویند، اشکال ندارد و رکوع و سجده و نماز، همگی صحیح هستند.<sup>۴</sup>

س ۹- اگر شخصی سهواً در سجده ذکر رکوع را بگوید و یا برعکس، در رکوع ذکر سجده را بگوید و در همان حال متوجه اشتباه خود شده و آن را اصلاح نماید، آیا نماز او باطل است؟

ج - اشکال ندارد و نمازش صحیح است.<sup>۵</sup>

س ۱۰- اگر نمازگزار در هنگام نماز و یا بعد از فراغت از آن متوجه شود که ذکر را اشتباه گفته است، چه حکمی دارد؟

ج - اگر از محل ذکر یعنی رکوع و سجده تجاوز نکند، چیزی بر او واجب نیست.<sup>۶</sup>

س ۱۱- مراد از ذکر چیست؟ آیا شامل صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان آن حضرت می‌شود؟

ج - هر عبارتی که متضمن ذکر خداوند عزوجل باشد، ذکر محسوب می‌شود و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم افضل صلوات الله از بهترین ذکرها است.<sup>۷</sup>

۱- همان، ص ۱۴۵.

۲- همان.

۳- همان.

۴- همان، ص ۱۴۶.

۵- همان.

۶- همان، ص ۱۴۷.

۷- همان، ص ۱۴۷-۱۴۸.

### تشهّد

در رکعت دوم تمام نمازهای واجب و رکعت سوّم نماز مغرب و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشاء، باید انسان بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن تشهّد بخواند؛ یعنی بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ». (م ۱۱۰۰)

مستحب است در حال تشهّد بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را به کف پای چپ بگذارد و پیش از تشهّد بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» یا بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ» و نیز مستحب است دست‌ها را بر ران‌ها بگذارد و انگشت‌ها را به یکدیگر بچسباند و به دامن خود نگاه کند و بعد از تمام شدن تشهّد بگوید: «وَقَبِّلْ شَفَاعَتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ». (م ۱۱۰۳)

### تذکر:

اگر تشهّد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهّد را نخوانده، باید بنشیند و تشهّد را بخواند و دو باره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود، بخواند و نماز را تمام کند و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام نماز، تشهّد را قضا کند و بنابراین واجب، برای تشهّد فراموش شده دو سجده سهو به جا آورد. (م ۱۱۰۲)

### سلام

بعد از تشهّد رکعت آخر نماز، مستحب است در حالی که نشسته و بدن آرام است بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» و بعد از آن باید بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» و بنابراین احتیاط مستحب اضافه کند «وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» یا بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ». (م ۱۱۰۵)

### ترتیب

در کارهای نماز «ترتیب» واجب است. بنابراین، مقدم داشتن تکبیرة الاحرام بر قرائت، حمد بر سوره، سوره بر رکوع، رکوع بر سجده و... واجب است. از این رو، اگر به عمد ترتیب نماز را به هم بزنند، نماز باطل می‌شود.<sup>۱</sup>

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۸۱، (القول فی الترتیب) و توضیح المسائل، مسأله ۱۱۰۸.

### موالات

انسان باید نماز را با موالات بخواند، یعنی کارهای نماز مانند رکوع و سجود و تشهد را پشت سر هم به جا آورد و چیزهایی را که در نماز می خواند، به طوری که معمول است، پشت سر هم بخواند و اگر بقدری بین آنها فاصله بیندازد که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است گرچه به طور سهوی باشد. (م ۱۱۱۴)

### تذکر:

طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره های بزرگ، موالات را به هم نمی زند. (م ۱۱۱۶)

### پرسش

- ۱- کیفیت قرائت و ذکر را در نمازهای یومیه توضیح دهید.
- ۲- آیا نماز قضای صبح را باید بلند خواند یا آهسته؟
- ۳- آیا بر قرائت قلبی در نماز نیز قرائت صدق می کند؟
- ۴- آیا بعد از قرائت سوره حمد تلاوت مقداری از قرآن کریم هم کافی است؟
- ۵- آیا قرائت عمدی ذکرهای رکوع و سجده به جای یکدیگر اشکال دارد؟
- ۶- مراد از ذکر چیست؟ آیا صلوات بر پیامبر (ص) و خاندانش نیز ذکر است؟
- ۷- اگر تشهد فراموش شود، چه باید کرد؟
- ۸- کیفیت سلام نماز را بیان کنید.
- ۹- منظور از ترتیب در نماز چیست؟
- ۱۰- موالات را توضیح دهید.

## درس نهم

### مُبطلات نماز

به چیزهایی که نماز را باطل می‌کند، مبطلات نماز گفته می‌شود و آنها عبارتند از:

- ۱- از بین رفتن یکی از شرایط در بین نماز.
- ۲- پیش آمدن چیزی - از روی عمد، سهو یا ناچاری - که وضو یا غسل را باطل می‌کند.
- ۳- روی هم گذاشتن دست‌ها.
- ۴- آمین گفتن پس از حمد.
- ۵- روبرگرداندن از قبله، از روی عمد یا فراموشی.
- ۶- سخن گفتن از روی عمد، هر چند یک حرف باشد.
- ۷- خندیدن صدا دار و عمدی.
- ۸- گریستن صدا دار برای کارهای دنیا و عمدی.
- ۹- برهم زدن صورت نماز از روی عمد یا فراموشی.
- ۱۰- خوردن و آشامیدن.
- ۱۱- شک کردن در رکعت‌های نماز دورکعتی و سه رکعتی، یا در دورکعت اول نمازهای چهاررکعتی.
- ۱۲- کم یا زیاد کردن ارکان نماز از روی عمد یا سهو، و همچنین کم یا زیاد کردن غیر رکن، از روی عمد.

### احکام مبطلات نماز

با توجه به این که بررسی احکام هر کدام از این مبطلات به طور جداگانه در اینجا مقدور نیست، تنها به احکام برخی از مبطلات مهم می‌پردازیم:



### الف - رو برگرداندن از قبله

اگر از روی عمد همه صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند، نمازش باطل است، بلکه اگر از روی سهو هم صورت را به این مقدار برگرداند، احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند و لازم نیست که نماز اول را تمام نماید، ولی اگر سر را کمی برگرداند به عمد باشد یا به اشتباه نمازش باطل نمی‌شود. (م ۱۱۳۱)

### ب - سخن گفتن

- ۱- اگر نمازگزار از روی عمد کلمه‌ای بگوید که از آن، قصد معنی کند اگر چه معنی هم نداشته باشد و یک حرف هم باشد، نمازش باطل است. (قبل از م ۱۱۳۲)
- ۲- چنانچه از روی عمد دو حرف یا بیشتر بگوید، اگر قصد معنی هم نکند بنابر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند؛ ولی اگر از روی سهو بگوید؛ نمازش باطل نمی‌شود. (قبل از م ۱۱۳۲)
- ۳- سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن در نماز اشکال ندارد، ولی گفتن آخ و آه و مانند اینها که دو حرف است، اگر عمدی باشد نماز را باطل می‌کند. (م ۱۱۳۳)
- ۴- اگر کلمه‌ای را به قصد ذکر بگوید مثلاً به قصد ذکر بگوید «الله اکبر» و در موقع گفتن آن، صدرا بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند، اشکال ندارد ولی چنانچه به قصد این که چیزی به کسی بفهماند بگوید، اگر چه قصد ذکر هم داشته باشد، نماز باطل می‌شود. (م ۱۱۳۴)
- ۵- در حال نماز، انسان نباید به دیگری سلام کند و اگر دیگری به او سلام کند، باید طوری جواب دهد که سلام مقدم باشد مثلاً بگوید: «السَّلامُ عَلَیْکُمْ» یا «سَلامٌ عَلَیْکُمْ» و نباید «عَلَیْکُمُ السَّلام» بگوید. (م ۱۱۳۷)

- ۶- انسان باید جواب سلام را چه در نماز یا در غیر نماز فوراً بگوید؛ و اگر از روی عمد یا از روی فراموشی، جواب سلام را بقدری طول دهد، که اگر جواب بگوید جواب آن سلام حساب نشود، چنانچه در نماز باشد، نباید جواب بدهد و اگر در نماز نباشد، جواب دادن واجب نیست. (م ۱۱۳۸)

### ج - خنده و گریه صدادر

- ۱- خندیدن صدادر از روی سهو و همچنین لبخند زدن، نماز را باطل نمی‌کند.
- ۲- اگر برای جلوگیری از صدای خنده حالش تغییر کند، مثلاً رنگش سرخ شود، چنانچه از صورت نمازگزار بیرون رود، باید نمازش را دوباره بخواند. (م ۱۱۵۱)
- ۳- گریه بدون صدا برای کار دنیا، نماز را باطل نمی‌کند.

۴- گریستن از ترس خدا یا برای آخرت - آهسته باشد یا بلند - اشکال ندارد، بلکه از بهترین اعمال است. (م ۱۱۵۲)

#### د- بر هم زدن صورت نماز

۱- اگر نمازگزار کاری کند که صورت نماز را بر هم بزند، مثل دست زدن و به هوا پريدن و مانند این‌ها از روی عمد یا فراموشی، کم باشد یا زیاد، نمازش باطل است.

۲- چنانچه کاری که صورت نماز را به هم نمی‌زند، انجام دهد مثل اشاره کردن به دست اشکال ندارد. (قبل از مسأله ۱۱۵۲)

۳- اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل است. (م ۱۱۵۲)

#### ه- خوردن و آشامیدن

۱- احتیاط واجب آن است که در نماز هیچ چیز نخورد و نیاشامد چه موالات نماز به هم بخورد یا نخورد و چه بگویند نماز می‌خواند یا نگویند. (م ۱۱۵۴)

۲- اگر در بین نماز، غذایی را که لای دندانها مانده فرو ببرد، نمازش باطل نمی‌شود. و اگر قند یا شکر و مانند اینها در دهان مانده باشد و در حال نماز کم کم آب شود و فرو رود، نمازش اشکال پیدا می‌کند. (م ۱۱۵۵)

#### استفتاءات

س ۱- آیا نماز با ذکر شهادت به ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در تشهد باطل می‌شود؟  
ج - اموری که جزء تشهد نمازهای واجب نیست، اگر آن را به قصد این که شرعاً به عنوان جزئی از تشهد وارد شده است بگوید، نماز را باطل می‌کند هر چند آن امور فی نفسه حق و صحیح باشند.<sup>۱</sup>

س ۲- شخصی در عبادات خود مبتلا به ریا است و در حال حاضر با نفس خود مبارزه می‌کند، آیا این عمل وی نیز ریا محسوب می‌شود؟ و چگونه می‌توان از ریا دوری کرد؟

ج - واجب است عبادات به قصد قربت به خداوند عز و جل انجام شوند و برای رهایی از ریا باید در عظمت خداوند و ضعف و احتیاج خود و دیگران به خداوند تفکر نماید و همچنین در بندگی خود و دیگر مردم برای خداوند تبارک و تعالی اندیشه کند.<sup>۲</sup>

س ۳- آیا بر زنان گذاشتن یک دست روی دست دیگر هنگام نماز واجب است؟

۱- رساله اجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۵۲. ۲- همان.

- ج - واجب نیست و اگر به صورت تکتف باشد جایز هم نیست.<sup>۱</sup>
- س ۴ - هنگام شرکت در نماز جماعت برادران اهل سنت، بعد از قرائت سوره حمد توسط امام جماعت، کلمه «آمین» با صدای بلند و بصورت دسته جمعی گفته می شود، این کار چه حکمی دارد؟
- ج - اگر مقتضای تقیه، گفتن آمین باشد، اشکال ندارد و در غیر اینصورت جایز نیست.<sup>۲</sup>
- س ۵ - گاهی هنگام خواندن نماز واجب متوجه کودکی می شویم که در حال انجام کار خطرناکی است، آیا جایز است بعضی از کلمات سوره حمد یا سوره دیگر و یا بعضی از ذکرها را بلند بخوانیم تا کودک یا کسانی که در خانه هستند، متوجه شوند و خطر رفع گردد؟ آیا هنگام قیام نماز دست یا ابرو را برای فهماندن چیزی به کسی و یا در جواب سؤال او تکان دهیم، آن نماز چه حکمی دارد؟
- ج - اگر بلند کردن صدا هنگام قرائت آیات یا ذکرهای نماز برای آگاه کردن دیگران، موجب خروج از هیئت نماز نشود، اشکال ندارد، مشروط بر این که قرائت و ذکر به نیت قرائت و ذکر باشد، ولی حرکت دادن دست یا چشم و ابرو اگر به نحوی باشد که با استقرار و آرامش و یا هیئت نماز منافات داشته باشد، موجب بطلان نماز می گردد.<sup>۳</sup>
- س ۶ - آیا اگر کسی هنگام نماز به خاطر یادآوری حرف خنده دار یا پیدایش حالت خنده دار یا پیدایش حالت خنده آوری، بخندد، نمازش باطل می شود یا خیر؟
- ج - اگر خنده با صدا (یعنی قهقهه) باشد، نماز باطل است.<sup>۴</sup>
- س ۷ - آیا مالیدن دستها به صورت بعد از قنوت در حال نماز، موجب بطلان آن می گردد؟ و در صورتی که نماز را باطل کند، آیا معصیت و گناه محسوب می شود؟
- ج - اشکال ندارد و نماز را باطل نمی کند.<sup>۵</sup>
- س ۸ - آیا بستن چشمها در نماز به این دلیل که باز بودن آنها فکر انسان را از نماز باز می دارد، جایز است؟
- ج - به هم گذاشتن چشمها در نماز مانع شرعی ندارد.<sup>۶</sup>
- س ۹ - آیا ادامه قهر و دشمنی بین دو نفر، تا مدت سه روز موجب بطلان نماز و روزه آنها می گردد؟
- ج - وقوع دشمنی و قهر بین دو نفر، نماز و روزه را باطل نمی کند.<sup>۷</sup>

۱ - همان، ص ۱۵۳.

۲ - همان.

۴ - همان، ص ۱۵۴.

۳ - همان.

۶ - همان.

۵ - همان.

۷ - همان.

## مکروهات نماز

انجام کارهای زیر در نماز مکروه است:

- ۱- برهم گذاشتن چشم‌ها؛
- ۲- بازی کردن با دست‌ها، انگشت‌ها و ریش؛
- ۳- آب دهان انداختن؛
- ۴- نگاه کردن به خط قرآن یا کتاب یا خط انگشتی؛
- ۵- سکوت کردن در موقع خواندن حمد و سوره و گفتن ذکر، برای شنیدن حرف کسی؛
- ۶- هرکاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد؛
- ۷- برگرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم؛
- ۸- پوشیدن جوراب تنگ که پا را فشار دهد؛
- ۹- نماز خواندن در موقعی که انسان خوابش می‌آید؛ و نیز موقع خودداری کردن از بول و غایط. (م ۱۱۵۷-۱۱۵۸)

## پرسش

- ۱- شش نمونه از مبطلات نماز را نام ببرید.
- ۲- چه نوع خنده و گریه‌ای نماز را باطل می‌کند؟
- ۳- آیا اشاره کردن به دست در حال نماز موجب باطل شدن نماز می‌شود؟
- ۴- فرو بردن غذای لای دندان‌ها در بین نماز چه حکمی دارد؟
- ۵- آیا نماز با ذکر شهادت به ولایت علی علیه السلام در تشهد باطل می‌شود؟
- ۶- بلند خواندن بعضی از کلمات حمد یا اذکار نماز یا تکان دادن دست برای فهماندن مطلبی به کسی در حال نماز چه حکمی دارد؟
- ۷- آیا مالیدن دستها به صورت بعد از قنوت نماز را باطل می‌کند؟
- ۸- بستن چشمها در نماز چه حکمی دارد؟
- ۹- آیا ادامه قهر و دشمنی بیش از سه روز نماز را باطل می‌کند؟
- ۱۰- شش نمونه از مکروهات در نماز را بنویسید.

## درس دهم

### نماز مسافر\*

انسان باید در سفر، نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت (یعنی شکسته) به جا آورد؛ به شرط آن که مسافر تش از هشت فرسخ - که حدود چهل و پنج کیلومتر است - کمتر نباشد. اگر مسافر از جایی که نمازش تمام است، مثل وطن، حداقل چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد، نمازش در این سفر هم شکسته است. (م ۱۲۷۲-۱۲۷۳)

کسی که به مسافرت می رود زمانی باید نمازش را شکسته بخواند که حداقل به مقداری دور شود که دیوارهای آن جا را نبیند، و اذان آن جا را هم نشنود. \*\* و چنانچه قبل از آن که به این مقدار دور شود بخواهد نماز بخواند، باید نماز را تمام بخواند. (شرط هشتم قبل از مسأله ۱۳۱۸)

### موارد تمام بودن نماز در سفر

مسافر در موارد زیر باید نماز را تمام بخواند:

- ۱- قبل از آن که هشت فرسخ برود، از وطن خود بگذرد و یا در جایی ده روز بماند.
- ۲- از اول قصد نداشته به سفر هشت فرسخ برود و بدون قصد، این مسافت را پیموده است، مانند کسی که به دنبال گمشده ای می گردد.
- ۳- در بین راه از قصد سفر برگردد؛ یعنی قبل از رسیدن به چهار فرسخ، از رفتن منصرف شود.
- ۴- کسی که شغل او مسافرت است، مانند راننده قطار و ماشینهای بیرون شهری، خلبان و... (در سفری که شغل اوست).

---

\* - در چیشش عنوان این درس از «آموزش احکام»، محمد حسین فلاح زاده، نشر الهادی، قم استفاده شده است.

\*\* - این فاصله را «حَدَّ تَرْخُص» گویند.

۵- کسی که به سفر حرام می‌رود؛ مانند سفری که موجب اذیت پدر و مادر باشد. (ر.ک. مسائل نماز مسافر)

### استفتاءات

س ۱ - آیا وجوب قصر بر مسافر شامل همه نمازهای فريضه می‌شود یا اختصاص به بعضی از آنها دارد؟

ج - وجوب قصر فقط در خصوص نمازهای روزانه چهار رکعتی است که عبارت از نمازهای ظهر و عصر و عشا است و نماز صبح و مغرب، قصر نمی‌شود.<sup>۱</sup>

س ۲ - کسی که سفر مقدمه شغل اوست، آیا در سفر نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است یا آن که این حکم اختصاص به کسی دارد که شغل او حتماً مسافرت باشد؟

ج - کسی که سفر مقدمه کار اوست، اگر در خلال هر ده روز حداقل یک بار برای کار به محل کارش رفت و آمد نماید، نمازش تمام و روزه‌اش هم صحیح است.

س ۳ - در رساله عملیه امام خمینی در بحث نماز مسافر، شرط هفتم مسأله آمده است: «واجب است راننده در غیر از سفر اول نماز خود را تمام بخواند، ولی در سفر اول شکسته است، هرچند طولانی باشد» آیا مقصود از سفر اول همان شروع حرکت از وطن تا بازگشت به آن است، هرچند یک ماه یا بیشتر طول بکشد و در آن مدت ده بار یا بیشتر اقدام به حمل کالا از شهری به شهر دیگر غیر از وطن اصلی‌اش کند؟

ج - سفر اول با رسیدن به مقصدی که هنگام خروج از وطن یا محل اقامتش قصد رفتن به آنجا را برای محل مسافر یا کالا به آنجا کرده بود، به پایان می‌رسد و مسیر برگشت به مبدأ جزء سفر اول محسوب نمی‌شود. مگر اینکه مسافرت او به مقصد برای حمل مسافر یا کالا از آنجا به شهر مبدأ باشد.<sup>۲</sup>

س ۴ - نظر حضرت تعالی درباره نماز و روزه کسانی که به مدت معینی بیش از یک سال در شهری برای کار اقامت می‌کنند و یا سربازانی که به مدت یک یا دو سال برای انجام خدمت سربازی در شهری می‌مانند، چیست؟ آیا بعد از هر سفری باید قصد اقامت ده روز کنند تا نمازشان تمام و روزه آنها صحیح باشد؟ و اگر قصد ماندن کمتر از ده روز را داشته باشند، نماز و روزه آنها چه حکمی دارد؟

۱ - رساله اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۸۷. ۲ - همان، ص ۱۹۲.

ج - اگر حداقل هر ده روز یکبار به خاطر شغلشان به محل کار سفر می‌کنند، در غیر سفر اول نمازشان تمام و روزه‌شان صحیح است، ولی در سفر اول، حکم سایر مسافرین را دارند در اینکه تا قصد اقامت ده روز را نکرده‌اند، نمازشان شکسته و روزه آنها صحیح نیست.<sup>۱</sup>

س ۵ - دانشجویانی که هر هفته حداقل دو روز برای تحصیل مسافرت می‌کنند و یا کارمندانی که هر هفته برای کارشان سفر می‌کنند، چه حکمی دارند؟ با توجه به اینکه آنها هر هفته مسافرت می‌نمایند، ولی امکان دارد به خاطر تعطیلی دانشگاه یا کارشان به مدت یک ماه در وطن اصلی خود بمانند و در خلال آن مدت مسافرتی نمی‌کنند، آیا بعد از گذشت یک ماه که سفر خود را دوباره آغاز می‌کنند، نمازشان در سفر اول طبق قاعده شکسته و بعد از آن تمام است؟

ج - در سفر برای تحصیل علم، نماز شکسته است و روزه هم صحیح نیست، اعم از اینکه سفرشان هفتگی باشد یا روزانه، ولی کسی که برای کار آزاد یا اداری مسافرت می‌کند، اگر بین وطن یا محل سکونت و محل کارشان هر ده روز حداقل یک مرتبه رفت و آمد نماید، باید از سفر دوم به بعد نماز خود را تمام بخواند و روزه او هم صحیح است. و اگر بین دو سفری که برای کار کردن می‌رود، ده روز در وطن یا جای دیگری بماند، در سفر اولی که بعد از اقامت ده روزه برای کار کردن می‌رود نمازش شکسته است و نمی‌تواند روزه بگیرد.<sup>۲</sup>

### تمام بودن نماز در بعضی مکان‌ها

در مکان‌های زیر نماز تمام است:

۱ - وطن

۲ - جایی که می‌داند و یا بنا دارد ده روز بماند.

۳ - جایی که سی روز با تردید مانده است؛ یعنی معلوم نبوده است که می‌ماند یا می‌رود و تاسی روز به همین حالت مانده و جایی هم نرفته است، در این صورت باید بعد از سی روز، نماز را تمام بخواند. (م ۱۳۳۵، ۱۳۳۸ و شرط چهارم)

### وطن کجاست؟

وطن، جایی است که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است، خواه در آن جا به دنیا

۲ - همان، ص ۱۹۳.

۱ - همان، ص ۱۸۹.

- آمده و وطن پدر و مادرش باشد و یا خودش آن جا را برای زندگی اختیار کرده است. (م ۱۳۲۹)
- برخی از احکام مربوط به وطن از این قرار است:
- ۱- تا انسان قصد ماندن همیشگی در غیر وطن اصلی خودش را نداشته باشد، آن جا وطن او حساب نمی شود. (م ۱۳۳۱)
  - ۲- اگر قصد دارد در محلی که وطن اصلی او نیست مدتی بماند و بعد به جای دیگری برود، آن جا وطن او حساب نمی شود. (م ۱۳۳۰)
  - ۳- اگر انسان بدون قصد ماندن همیشگی در جایی، آن قدر بماند که مردم او را اهل آن جا بدانند، آن جا حکم وطن او را دارد. (م ۱۳۳۱)
  - ۴- اگر به جایی برود که قبلاً وطن او بوده، ولی هم اکنون از آن جا صرف نظر کرده است، نباید نماز را تمام بخواند، اگر چه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد. (م ۱۳۳۴)
  - ۵- مسافری که به وطنش برمی گردد. وقتی دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان را بشنود، باید نماز را تمام بخواند. (م ۱۳۱۹)

### استفتاءات

- س ۱- حدود دوازده سال است که در شهری بدون اینکه قصد زندگی دائمی در آن را داشته باشم، ساکن هستم. آیا این شهر وطن من محسوب می شود؟ چه مدتی لازم است تا آن شهر وطن من شود؟ چگونه می توان احراز کرد که عرف آنجا را وطن من می داند؟
- ج - تا وقتی که انسان، جایی را برای ماندن همیشگی انتخاب نکرده، وطن او محسوب نمی شود، مگر این که بدون قصد آن قدر بماند که عرفاً وطن او محسوب شود و احراز نظر عرف به عهده مکلف است.<sup>۱</sup>
- س ۲- آیا محل کار حکم وطن را دارد؟
- ج - اشتغال به کاری در مکانی موجب نمی شود که آن مکان وطن او گردد، ولی اگر از محل سکونت تا محل کار که به مقدار مسافت شرعی با هم فاصله دارند، در هر ده روز حداقل یک مرتبه رفت و آمد نماید، محل کار او حکم وطن را خواهد داشت و نماز وی در آنجا تمام و روزه اش صحیح است.<sup>۲</sup>

۱- رساله اجوبة الاستفتاءات، ج ۱، مسأله ۶۸۴. ۲- همان، ص ۲۰۷.



س ۳ - مراد از اعراض از وطن چیست؟ آیا مجرد ازدواج زن و رفتن وی همراه شوهر به هر جایی که او می‌خواهد، اعراض محسوب می‌شود یا خیر؟

ج - مراد از اعراض خروج از وطن با تصمیم عدم بازگشت به آن برای سکونت است و مجرد رفتن زن به خانه شوهر در شهر دیگر، مستلزم اعراض از وطن اصلی اش نیست.<sup>۱</sup>

س ۴ - خواهشمندیم نظر خود را درباره وطن اصلی و وطن دوم بیان فرمایید.

ج - وطن اصلی جایی است که انسان در آن متولد شده و مدتی در آن بوده و رشد و نمو پیدا کرده است. وطن دوم هم جایی است که مکلف آن را برای سکونت دائم ولو برای چند ماه در هر سال برگزیده است.<sup>۲</sup>

### قصد اقامت ده روز

مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند [نمازش تمام است، همچنین] اگر بیشتر از ده روز در آن جا بماند، تا وقتی مسافرت نکرده است، باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند. (م ۱۳۴۷)

اگر مسافر از قصد ده روز برگردد، دو صورت دارد:

۱- اگر قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد؛ باید نماز را شکسته بخواند.

۲- اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد؛ تا وقتی که در آن جا هست، باید نماز را تمام بخواند. (م ۱۳۴۲)

### استفتاءات

س ۱ - نماز و روزه سربازانی که می‌دانند بیش از ده روز در مکانی می‌مانند، ولی از خود اختیاری ندارند، چه حکمی دارد؟ امیدواریم فتوای حضرت امام (قدس سره) را هم بیان فرمایید.

ج - با اطمینان به اینکه ده روز یا بیشتر در یک مکان خواهند ماند، واجب است نماز خود را تمام بخوانند و روزه بگیرند، فتوای امام (قدس سره) نیز همین است.<sup>۳</sup>

س ۲ - نماز و روزه نیروهای کادری که در استخدام ارتش یا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و

۱ - همان.

۲ - همان، ص ۲۰۸.

۳ - رساله اجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۹۰ - ۱۹۱.

بیشتر از ده روز در پادگان و بیشتر از ده روز در مناطق مرزی می‌مانند، چه حکمی دارد؟ خواهشمندم فتوای حضرت امام (قدس سره) را هم بیان فرمایید.

ج - اگر قصد اقامت ده روز یا بیشتر را در مکانی دارند و یا می‌دانند به آن مقدار در آنجا خواهند ماند، واجب است نماز خود را تمام بخوانند و روزه هم بگیرند. فتوای امام (قدس سره) نیز همین است.<sup>۱</sup>

س ۳ - آیا هنگام قصد اقامت، جایز است نیت خروج از محل اقامت به محل دیگری که کمتر از چهار فرسخ با آن فاصله دارد را بنماییم؟

ج - قصد خروج از محل اقامت به اندازه کمتر از مسافت شرعی در اثنای ده روز، زمانی به صحت قصد ضرر می‌رساند که خارج شدن عرفاً به صدق ماندن ده روز در محل اقامت ضرر بزند مانند بیرون رفتن یک روز کامل چه رسد به خارج شدن هر ده روز از محل اقامت، ولی اگر به صدق اقامت ده روز ضرر نزنند مثل رفتن از آنجا به مدت چند ساعت از روز یا شب برای یک بار یا چند بار به شرطی که مجموع ساعات خروج از یک سوم روز یا شب بیشتر نشود، در این صورت، قصد خروج به قصد اقامت لطمه نمی‌زند.<sup>۲</sup>

س ۴ - با توجه به اینکه رفت و آمد از محل سکونت به محل کار که بیشتر از بیست و چهار کیلومتر از هم فاصله دارد، موجب می‌شود که تمام خوانده شود، اگر من از شهری که در آن کار می‌کنم به خارج از آن و یا شهر دیگری که فاصله آن با محل کارم به مقدار مسافت شرعی نیست، بروم و قبل از ظهر یا بعد از ظهر به محل کارم برگردم، آیا باز هم نمازم تمام است؟

ج - به مجرد خارج شدن از محل کار به مقدار کمتر از مسافت شرعی، حکم نماز و روزه شما در محل کار تغییر نمی‌کند هر چند ارتباطی با کار روزانه شما نداشته باشد و فرقی هم نمی‌کند که قبل از ظهر به محل کارتان برگردید یا بعد از ظهر.<sup>۳</sup>

س ۵ - شخصی قصد اقامت ده روز در جایی کرده است به خاطر اینکه می‌دانسته ده روز در آنجا می‌ماند و یا تصمیم بر ماندن داشته است، ولی بعد از آنکه با خواندن یک نماز چهار رکعتی، حکم تمام خواندن نماز بر او مترتب شد، مسافرتی غیر ضروری برای وی پیش می‌آید، آیا رفتن به آن سفر برای او جایز است؟

ج - سفر او اشکال ندارد، هر چند غیر ضروری می‌باشد.<sup>۴</sup>

۱ - همان، ص ۱۹۱.

۲ - همان، ص ۱۹۷ - ۱۹۸.

۳ - همان، ص ۱۹۸.

۴ - همان، ص ۲۰۰.

## احکام نماز مسافر

۱- مسافری که نمازش را تمام خوانده است:

الف- اگر نمی دانسته است که مسافر باید نماز را شکسته بخواند، نمازی که خوانده صحیح است. (م ۱۳۵۹)

ب- چنانچه حکم سفر را می دانسته، ولی بعضی از جزئیات را نمی دانسته است و یا نمی دانسته که مسافر است؛ نمازی را که خوانده است باید دوباره بخواند. (م ۱۳۶۰ - ۱۳۶۲)

۲- کسی که باید نماز را تمام بخواند، اگر شکسته به جا آورد در هر صورت نمازش باطل است. (م ۱۳۶۳)

۳- اگر از مسافری که باید نماز را شکسته بخواند نماز ظهر یا عصر یا عشا قضا شود، باید آن را دو رکعتی قضا نماید؛ اگر چه در غیر سفر بخواند قضای آن را به جا آورد. همچنین اگر از کسی که مسافر نیست یکی از این سه نماز قضا شود، باید چهار رکعتی قضا نماید؛ اگر چه در سفر بخواند آن را قضا نماید. (م ۱۳۶۸)

## پرسش

۱- در سفر چند رکعت از نمازهای یومیّه کم می شود؟ از کدام نمازها؟

۲- در کدام مکان ها نماز تمام خوانده می شود؟

۳- ملاک وطن بودن یک مکان چیست؟

۴- اگر مسافر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد ده روز خود برگردد، تا وقتی که در آن جا هست باید چگونه نماز بخواند؟

۵- مسافری که به سبب فراموشی، نمازش را تمام خوانده است، آیا نمازش صحیح است یا نه؟

۶- نماز و روزه دانشجویانی که هر هفته حداقل دو روز برای تحصیل مسافرت می کنند چه حکمی دارد؟

۷- آیا محل کار حکم وطن دارد؟ توضیح دهید.

۸- نماز و روزه سربازانی که می دانند بیش از ده روز در مکانی می مانند، ولی از خود اختیاری ندارند چه حکمی دارد؟

۹- آیا هنگام قصد اقامت، جایز است نیت خروج از محل اقامت به محل دیگری کمتر از چهار فرسخ داشته باشیم؟

درس یازدهم

## نماز جماعت و جمعه

نماز جماعت یکی از شعائر مهم اسلامی است و از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد. گذشته از روایات بسیاری که درباره اهمیت نماز جماعت وارد شده، پاره‌ای از احکام دین نیز به این مطلب دلالت دارد، از جمله:

- ۱- حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی‌اعتنائی، جایز نیست.
- ۲- سزاوار نیست که انسان بدون عذر، نماز جماعت را ترک کند.
- ۳- مستحب است کسی که نمازش را فردای خوانده، وقتی جماعت برپا شد دوباره با جماعت بخواند.
- ۴- مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.
- ۵- نماز جماعت از نماز اول وقت که فرادا خوانده شود بهتر است.
- ۶- نماز جماعتی را که مختصر بخوانند، از نماز فراداکه آن را طول بدهند بهتر است. (م ۱، ۱۴ - ۱۴۰۳)

### وظایف مأموم در جماعت

- ۱- نمازگزار نباید جلوتر از امام بایستد. (م ۱۴۳۲)
- ۲- مأموم تکبیر الاحرام را پیش از امام نگوید، بلکه احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده، تکبیر نگوید. (م ۱۴۶۷)
- ۳- غیر از حمد و سوره، همه ذکرهای نماز را باید خودش بخواند. همچنین اگر در رکعت سوم یا چهارم امام، اقتدا کند، باید حمد و سوره را بخواند. (م ۱۴۶۱)
- ۴- نباید (مکروه است) ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود. (م ۱۴۸۹)

## استفتاءات

س ۱- بعضی از اشخاص هنگام برپایی نماز جماعت، اقدام به خواندن نماز فردی می‌کنند، این کار چه حکمی دارد؟

ج- این عمل اگر تضعیف نماز جماعت و اهانت و بی‌احترامی به امام جماعتی که مردم اعتماد به عدالت او دارند، محسوب شود، جایز نیست.<sup>۱</sup>

س ۲- اگر امام جماعت در رکعت سوم یا چهارم نماز عشا باشد و مأوم در رکعت دوم، آیا بلند قرائت کردن حمد و سوره بر مأوم واجب است؟

ج- در فرض سؤال واجب است حمد و سوره را آهسته بخواند.<sup>۲</sup>

## احکام نماز جماعت

۱- موقعی که امام جماعت نماز یومیّه می‌خواند، می‌توان هر کدام از نمازهای یومیّه را به او اقتدا کرد. (م ۱۴۰۸)

۲- اگر امام جماعت قضای نماز یومیّه خود را می‌خواند، می‌توان به او اقتدا کرد. (م ۱۴۰۹)

۳- اگر انسان نداند نمازی را که امام می‌خواند نماز واجب یومیّه است یا نماز مستحب، نمی‌تواند به او اقتدا کند. (م ۱۴۱۰)

۴- انسان در بین نماز جماعت می‌تواند نیت فرادا کند. (م ۱۴۲۳)

۵- اگر مأوم به واسطه عذری بعد از حمد و سوره امام نیت فرادا کند، لازم نیست حمد و سوره را بخواند، ولی اگر پیش از تمام شدن حمد و سوره نیت فرادا نماید، باید مقداری را که امام نخوانده، بخواند. (م ۱۴۲۴)

۶- در نماز جماعت باید بین مأوم و امام پرده و مانند آن که پشت آن دیده نمی‌شود فاصله نباشد. همچنین بین انسان و مأوم دیگری که انسان به واسطه او به امام متصل شده است، ولی اگر امام مرد و مأوم زن باشد، این امر اشکال ندارد. (م ۱۴۳۳)

۷- مأوم باید غیر از آنچه در نماز خوانده می‌شود، کارهای دیگر آن مانند رکوع و سجود را با امام، یا کمی بعد از او به جا آورد، و اگر از روی عمد پیش از اتمام یا مدتی بعد از او انجام داد، معصیت کرده، ولی نمازش صحیح است. (م ۱۴۷۰)

۱- رساله اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۶۶. ۲- همان، ص ۱۶۹.

۸- از روی سهو پیش از امام سر از رکوع بردارد و امام در رکوع باشد. باید برگردد و با امام سر بردارد، ولی اگر به رکوع برگردد و پیش از آن که به رکوع برسد، امام سر بردارد، نمازش باطل است. (م ۱۴۷۱)

### استفتاءات

- س ۱- آیا اقتدا به امام جماعت بدون شناخت واقعی او جایز است؟  
ج- اگر عدالت او نزد مأموم به طریقی ثابت باشد، اقتدا به او جایز و نماز جماعت صحیح است.<sup>۱</sup>
- س ۲- اگر شخصی اعتقاد به عدالت و تقوای فردی داشته باشد و در همان زمان معتقد باشد که شخص مزبور در مواردی به او ظلم کرده است، آیا می تواند او را به طور کلی عادل بداند؟  
ج- تا برای او احراز نشود که عمل آن امام جماعت که او آن را ظلم می شمارد با علم و اختیار و بدون مجوز شرعی بوده، مجاز نیست حکم بر فسق او نماید.<sup>۲</sup>
- س ۳- آیا نیت اقتدا به امام حاضر بدون شناخت نام و دیدن چهره او صحیح است؟  
ج- اگر به عدالت او از هر طریقی اطمینان حاصل شود، اقتدا به وی صحیح است.<sup>۳</sup>
- س ۴- آیا اقتدا به امام جماعتی که می تواند امر به معروف و نهی از منکر کند، ولی انجام نمی دهد، جایز است؟  
ج- مجرد ترک امر به معروف و نهی از منکر که ممکن است بر اثر عذر مقبولی نزد مکلف باشد، به عدالت ضرر نمی زند و مانع اقتدا به او نیست.<sup>۴</sup>
- س ۵- به نظر شما معنای عدالت چیست؟  
ج- عدالت عبارت از حالت نفسانی است که باعث می شود انسان همیشه تقوایی داشته باشد که مانع از ترک واجبات یا انجام محرمات شرعی است و برای احراز آن، حسن ظاهر که غالباً بیانگر عدالت است، کافی می باشد.<sup>۵</sup>
- س ۶- در اماکن نظامی هنگام برپایی نماز جماعت که در وقت اداری است، تعدادی از نظامیان به خاطر شرایط کاری در آن شرکت نمی کنند با آنکه انجام آن کارها بعد از وقت اداری و یا در روز بعد

۱- رساله اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۶۷. ۲- همان.

۳- همان. ۴- همان.

۵- همان.

ممکن است. آیا این عمل سبک شمردن نماز است؟

ج - شرکت در نماز جماعت، فی نفسه واجب نیست، ولی بهتر است در وقت آن برای درک فضیلت نماز اول وقت و جماعت، کارهای اداری به گونه‌ای تنظیم شود که آنها بتوانند این فریضه الهی را به صورت جماعت و در کمترین مدت بخوانند.<sup>۱</sup>

س ۷ - نظر جنابعالی درباره انجام کارهای مستحبی مثل نماز مستحب یا دعای توسل و یا سایر دعاها طولانی که قبل یا بعد از نماز جماعت و یا در اثنای آن در نمازخانه ادارات دولتی برگزار می‌شود و بیشتر از نماز جماعت طول می‌کشد، چیست؟

ج - دعاها و اعمال مستحبی زاید بر فریضه الهی نماز جماعت که از شعایر اسلامی است، اگر منجر به تضییع وقت اداری و تأخیر در انجام کارهای واجب شود، اشکال دارد.<sup>۲</sup>

س ۸ - کسی که به رکعت سوم نماز جماعت برسد و به خیال اینکه امام در رکعت اول است، چیزی نخواند، آیا اعاده نماز بر او واجب است؟

ج - اگر قبل از رکوع متوجه شود قرائت واجب است، ولی اگر بعد از اینکه داخل رکوع شد متوجه شود، نماز او صحیح است و چیزی بر او واجب نیست، هر چند احتیاط مستحب است که دو سجده سهو برای ترک سهوی قرائت به جا آورد.<sup>۳</sup>

## نماز جمعه

«نماز جمعه» یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان است. نماز جمعه و دو خطبه آن، مانند حج و نماز عید فطر و قربان، از مراسم بزرگ مسلمانان است؛ ولی متأسفانه، مسلمانان از وظایف مهم سیاسی نسبت به این عبادت، غافل و ناآگاهند، در صورتی که انسان با اندک مطالعه و دقت در احکام حکومتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام، در می‌یابد که اسلام، دین سیاست است و کسی که دین را از سیاست جدا می‌داند، نادانی است که نه اسلام را می‌شناسد و نه سیاست را.<sup>۴</sup>

نماز جمعه مانند نماز صبح دو رکعت است، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه، قبل از نماز ایراد می‌شود.

۱ - همان، ص ۱۶۵.

۲ - همان، ص ۱۶۵ - ۱۶۶.

۳ - همان، ص ۱۷۱.

۴ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۳۴، مسأله ۹.

### وظیفه امام جمعه هنگام ایراد خطبه‌ها

- ۱- حمد و ثنای الهی را به جا آورد.
- ۲- بر پیامبر اکرم (ص) و ائمه مسلمین (ع) درود بفرستد.
- ۳- مردم را به تقوای الهی و پرهیز از گناهان سفارش کند.
- ۴- سوره کوتاهی را از قرآن بخواند.
- ۵- برای مردان و زنان با ایمان طلب آمرزش کند.
- ۶- سزاوار است امام جمعه مطالب زیر را نیز بگوید:  
- آنچه مسلمانان در زندگی دنیا و آخرت به آن نیاز دارند؛  
- مردم را از آنچه در جهان می‌گذرد و به سود و زیان مسلمانان است، آگاه کند؛  
- از مسائل سیاسی و اقتصادی که در استقلال و آزادی آنان دخالت دارد و چگونگی رفتار آنها با سایر ملت‌ها سخن بگوید؛  
- مسلمانان را از دخالت دولت‌های ستمگر و استعمارگری که در امور سیاسی و اقتصادی منجر به بهره‌کشی از آنان می‌شود، آگاه کند.<sup>۱</sup>

### وظیفه نمازگزاران جمعه

- ۱- بنابراین احتیاط واجب، باید به خطبه‌ها گوش دهند.
- ۲- به احتیاط مستحب از سخن گفتن پرهیزند؛ و چنانچه سخن گفتن سبب از بین رفتن فایده خطبه‌ها و یا گوش ندادن به آنها شود، ترک آن واجب است.
- ۳- احتیاط مستحب آن است که شنوندگان، هنگام ایراد خطبه‌ها، رو به امام جمعه بنشینند و پیش از مقداری که در نماز اجازه داده شده، به اطراف نگاه نکنند.<sup>۲</sup>

### استفتاءات

- س ۱- نظر جناب‌عالی درباره شرکت در نماز جمعه با توجه به اینکه در عصر غیبت حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سر می‌بریم، چیست؟ و اگر افرادی اعتقاد به عدالت امام جمعه نداشته باشند، آیا تکلیف شرکت در نماز جمعه از آنان ساقط می‌شود؟

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۳۳- ۲۳۴، مسائل ۷-۹.

۲- همان، ص ۲۳۵، مسأله ۱۴.



ج - هرچند نماز جمعه در عصر حاضر واجب تخییری است و حضور در آن واجب نیست، ولی با توجه به فواید و آثار شرکت در آن، سزاوار نیست که مؤمنین خود را از برکات حضور در این نماز به مجرد تشکیک در عدالت امام جمعه و یا عذرهای واهی دیگر، محروم سازند.<sup>۱</sup>

س ۲ - معنای وجوب تخییری در مسأله نماز جمعه چیست؟

ج - معنای آن این است که مکلف در ادای فریضة واجب ظهر روز جمعه بین خواندن نماز جمعه یا نماز ظهر مختیر است.<sup>۲</sup>

س ۳ - نظر جنابعالی در مورد شرکت نکردن در نماز جمعه بر اثر بی مبالائی، چیست؟

ج - ترک حضور و شرکت نکردن در نماز عبادی سیاسی جمعه به خاطر اهمیت ندادن به آن، شرعاً مذموم است.<sup>۳</sup>

س ۴ - بعضی از مردم به دلیل عذرهای واهی و گاهی بر اثر اختلاف دیدگاهها، در نماز جمعه شرکت نمی‌کنند، نظر جنابعالی در این باره چیست؟

ج - نماز جمعه هر چند واجب تخییری است، ولی خودداری از شرکت در آن به صورت دائمی وجه شرعی ندارد.<sup>۴</sup>

س ۵ - آیا اقامه نماز جماعت ظهر همزمان با اقامه نماز جمعه در مکان دیگری نزدیک محل اقامه نماز جمعه جایز است؟

ج - این کار فی نفسه اشکال ندارد و موجب برائت ذمه مکلف از فریضة ظهر جمعه می‌شود، زیرا در عصر حاضر، نماز جمعه واجب تخییری است، ولی با توجه به اینکه اقامه نماز جماعت ظهر در روز جمعه در مکانی نزدیک محل اقامه نماز جمعه باعث تفرقه صفوف مؤمنین می‌شود و چه بسا در نظر مردم بی احترامی و اهانت به امام جمعه و کاشف از بی اعتنائی به نماز جمعه است، بنابراین سزاوار است مؤمنین اقدام به انجام آن نکنند بلکه در صورتی که مستلزم مفاسد و حرام باشد، واجب است از اقامه آن اجتناب کنند.<sup>۵</sup>

س ۶ - آیا کسی که نمازش شکسته است می‌تواند آن را به صورت جماعت پشت سر امام جمعه بخواند؟

ج - نماز جمعه از مأموم مسافر صحیح و مجزی از نماز ظهر است.<sup>۶</sup>

۱ - رساله اجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۷۹. ۲ - همان.

۳ - همان. ۴ - همان، ص ۱۸۰.

۵ - همان. ۶ - همان، ص ۱۸۴.

- س ۷ - آیا مأموم می‌تواند در حالی که امام جمعه نماز جمعه را اقامه می‌کند، برای خواندن نماز واجب دیگری به او اقتدا نماید؟
- ج - صحت آن، محل اشکال است.<sup>۱</sup>
- س ۸ - اگر مأموم چیزی از خطبه‌های نماز جمعه را درک نکند، بلکه فقط هنگام نماز حاضر شود و به امام جمعه اقتدا نماید، آیا نماز او صحیح و مجزی است؟
- ج - نماز او صحیح و مجزی است، حتی اگر امام را در رکوع رکعت آخر نماز جمعه درک کند.<sup>۲</sup>
- س ۹ - آیا کسی که توانایی رفتن به نماز جمعه را ندارد، می‌تواند نماز ظهر و عصر را در اوایل وقت بخواند؟ یا اینکه باید صبر کند تا نماز جمعه تمام شود و بعد از آن نماز ظهر و عصر را بخواند؟
- ج - صبر کردن بر او واجب نیست و می‌تواند نماز ظهر و عصر را در اول وقت بخواند.<sup>۳</sup>

### پرسش

- ۱ - حاضر نشدن به نماز جمعه از روی بی‌اعتنایی چه حکمی دارد؟
- ۲ - وظیفه مأموم در نماز جماعت چیست؟
- ۳ - آیا مأموم می‌تواند قبل از امام جماعت به رکوع و سجده برود؟
- ۴ - اگر امام جماعت در رکعت سوم یا چهارم نماز عشا باشد و مأموم در رکعت دوم، آیا بلند قرائت کردن حمد و سوره بر مأموم واجب است؟
- ۵ - انجام کارهای مستحبی قبل یا بعد از نماز جماعت و یا در اثنای آن در ادارات دولتی برگزار می‌شود و بیشتر از نماز جماعت طول می‌کشد، چه حکمی دارد؟
- ۶ - از دیدگاه امام خمینی (ره) کسی که دین را از سیاست جدا بداند، چگونه فردی است؟
- ۷ - وظیفه نمازگزاران جمعه را بیان کنید.
- ۸ - شرکت نکردن در نماز جمعه در اثر بی‌مبالاتی چه حکمی دارد؟
- ۹ - آیا نماز کسی که چیزی از خطبه‌های نماز جمعه را درک نکرده، صحیح و مجزی است؟
- ۱۰ - اقامه نماز جماعت ظهر همزمان با اقامه نماز جمعه در مکان دیگری نزدیک محل اقامه نماز جمعه چه حکمی دارد؟

۲ - همان، ص ۱۸۵.

۱ - همان.

۳ - همان.

## درس دوازدهم

### نماز قضا و مستحبی

با همه سفارشی که نسبت به نماز شده، چه بسا دیده شده که:

- بعضی از روی عمد و به هر دلیل و بهانه‌ای، نماز واجب خود را نمی‌خوانند.
- بعضی دیگر آن را سبک شمرده، تأخیر می‌اندازند و نسبت به خواندن آن در وقت - به ویژه در اول وقت - چندان اهمیتی نمی‌دهند.
- عده‌ای نیز به جهت تقصیر در فراگیری احکام نماز، به وظیفه شرعی خود عمل نکرده، آن را به صورت باطل به جا می‌آورند، سپس به باطل بودن آن پی می‌برند.
- در هر صورت خواندن قضای این نمازها بر انسان واجب است.

### احکام نماز قضا

- ۱- کسی که نماز قضا دارد، باید در خواندن آن کوتاهی نکند؛ ولی واجب نیست فوراً آن را به جا آورد. (م ۱۳۷۲)
- ۲- تا انسان زنده است اگر چه از خواندن نمازهای قضای خود عاجز باشد، دیگری نمی‌تواند نمازهای او را قضا نماید. (م ۱۳۷۸)
- ۳- کسی که نماز قضا دارد، می‌تواند نماز مستحبی بخواند. (م ۱۳۷۳)
- ۴- نماز مستحبی جای قضای نماز واجب را نمی‌گیرد.<sup>۱</sup>
- ۵- نماز قضا را با جماعت می‌شود خواند، چه نماز امام جماعت، ادا باشد یا قضا و لازم نیست هر دو یک نماز را بخوانند. مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند

---

۱- استفتائات، ج ۱، ص ۱۸۷.

اشکال ندارد. (م ۱۳۸۸)

۶- خواندن نماز قضا در حال سفر مانع ندارد.<sup>۱</sup>

۷- حمد و سوره قضا نمازهای صبح و مغرب و عشا باید بلند خوانده شود.<sup>۲</sup>

۸- قضا نمازهای یومیّه لازم نیست به ترتیب خوانده شود. مثلاً کسی که یک روز نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده، لازم نیست اول نماز عصر و بعد از آن نماز ظهر را قضا نماید. (م ۱۳۷۵)

### استفتاءات

س ۱- من تا سن هفده سالگی با مسأله احتلام و غسل و مانند آن آشنا نبودم و از کسی هم درباره آنها چیزی نشنیده بودم و خودم هم معنای جنابت و وجوب غسل را نمی فهمیدم. لذا نماز و روزهام تا این سن اشکال دارد، امیدوارم وظیفه مرا بیان فرمایید.

ج - همه نمازهایی را که در حال جنابت خوانده اید باید قضا کنید، ولی روزه‌ای را که در حال جنابت بدون علم به اصل جنابت گرفته اید صحیح است و قضا ندارد.<sup>۳</sup>

س ۲- در دوران جوانی نمازهای ظهر و عصر من بیشتر از نمازهای مغرب و عشا و صبح قضا شده اند که پشت سر هم بودن و تعداد و ترتیب آنها را نمی دانم. آیا در این مورد باید نماز دوره‌ای خوانده شود؟ و نماز دوره‌ای چیست؟ امیدوارم توضیح فرمایید.

ج - در نماز قضا مراعات ترتیب واجب نیست و خواندن مقداری که یقین به قضا شدن آن دارید کافی است و دوره کردن و تکرار نماز برای احراز ترتیب برای شما واجب نیست.<sup>۴</sup>

س ۳- کسی که قصد دارد نماز قضا یک سال را بخواند، چگونه باید آن را انجام دهد؟

ج - می تواند با یکی از نمازها شروع کند و به ترتیبی که نمازهای پنجگانه یومیّه را می خواند، آن را ادامه دهد.<sup>۵</sup>

س ۴- من در اکثر اوقات نماز خود را خوانده و در صورت فوت شدن نماز آن را قضا کرده ام و این نمازهای فوت شده هم مواردی بوده که یا من خواب مانده ام و یا بدن و لباسم نجس بوده و در تطهیر

۱- استفتاآت، ج ۱، ص ۲۰۶.

۲- همان، ص ۱۸۴.

۳- رساله اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۵۶-۱۵۷.

۴- همان، ص ۱۵۸.

۵- همان، ص ۱۵۹.

آنها کوتاهی کرده‌ام. مقدار نمازهای قضا شده یومیه، آیات و قصر را که بر عهده من است، چگونه محاسبه نمایم؟

ج- قضای نمازهایی که یقین به فوت شدن آنها دارید، کافی است و از این مقدار هر کدام را که یقین دارید نماز قصر یا آیات بوده باید بر وفق یقین خود آنها را به جا آورید و بقیه را به عنوان قضای نمازهای یومیه بخوانید و چیزی بیشتر از این مقدار بر شما واجب نیست.<sup>۱</sup>

### نماز قضای پدر

۱- اگر پدر نماز و روزه خود را به جا نیاورده باشد، چنانچه از روی نافرمانی ترک نکرده و می‌توانسته قضا کند، بر پسر بزرگ‌تر واجب است که بعد از مرگش به جا آورد، یا برای او اجیر بگیرد. بلکه اگر از روی نافرمانی هم ترک کرده باشد واجب است به همین طور عمل کند. (م ۱۳۹۰)

۲- اگر پسر بزرگ‌تر بخواهد نماز پدر را بخواند، باید به تکلیف خود عمل کند. مثلاً قضای نماز صبح و مغرب و عشا را باید بلند بخواند. (م ۱۳۵۹)

۳- اگر پسر بزرگ‌تر پیش از آنکه نماز و روزه پدر را قضا کند بمیرد، بر پسر دوم چیزی واجب نیست. (م ۱۳۹۸)

۴- اگر میت وصیت کرده باشد که برای نماز و روزه او اجیر بگیرند، بعد از آن که اجیر، نماز و روزه او را به طور صحیح به جا آورد، بر پسر بزرگ‌تر چیزی واجب نیست. (م ۱۳۹۴)

### استفتاءات

س ۱- اگر فرزند بزرگ میت دختر و فرزند دوم او پسر باشد، آیا قضای نمازها و روزه‌های پدر و مادر بر این پسر واجب است؟

ج- ملاک واجب بودن نماز و روزه پدر و مادر این است که فرزند مذکر از دیگر اولاد ذکور میت، اگر میت اولاد ذکور داشته باشد، بزرگ‌تر باشد و در فرض سؤال قضای نماز و روزه پدر بر پسر که فرزند دوم پدر است واجب می‌باشد و قضای نماز و روزه‌ای که از مادر فوت شده نیز واجب است.<sup>۲</sup>

۱- همان، ص ۱۶۱. ۲- رساله اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۶۲-۱۶۳.

س ۲- اگر پسر بزرگ چه بالغ یا غیر بالغ، قبل از پدر فوت کند، آیا قضای نمازهای پدر از فرزندان دیگر ساقط می‌شود؟

ج - تکلیف قضای نماز و روزه پدر بر پسر بزرگی واجب است که هنگام وفات پدر زنده باشد، هر چند فرزند اول یا پسر اول نباشد.<sup>۱</sup>

س ۳- من پسر بزرگ خانواده هستم، آیا واجب است برای خواندن نمازهای قضای پدرم از او تا زنده است تحقیق کنم؟ یا اینکه بر او واجب است مرا از مقدار آن آگاه نماید؟ در صورتی که مرا مطلع نکند، تکلیف من چیست؟

ج - تفحص و سؤال بر شما واجب نیست، ولی بر پدر واجب است تا فرصت دارد خودش بخواند و اگر نتوانست وصیت نماید. به هر حال پسر بزرگ مکلف است بعد از فوت پدرش، آن مقدار از نماز و روزه‌هایی را که یقین دارد از پدرش فوت شده است، قضا نماید.<sup>۲</sup>

س ۴- آیا اگر پسر بزرگ که قضای نماز بر عهده اوست فوت نماید، انجام آنها بر ذمه وارث پسر بزرگ است یا اینکه به پسر بعدی پدر (برادر پسر بزرگ) منتقل می‌شود؟

ج - قضای نماز و روزه پدر که بر پسر بزرگ واجب است با فوت وی پس از فوت پدرش بر پسر و یا برادر او واجب نمی‌شود.<sup>۳</sup>

س ۵- اگر پدری اصلاً نماز نخوانده باشد، آیا همه نمازهای او قضا دارد؟ و انجام آنها بر پسر بزرگ او واجب است؟

ج - بنا بر احتیاط در این صورت هم قضای آنها واجب است.<sup>۴</sup>

س ۶- پدری که همه اعمال عبادی خود را عمداً انجام نداده است، آیا بر پسر بزرگ قضای همه نمازها و روزه‌هایی را که پدرش انجام نداده و به پنجاه سال می‌رسد، واجب است؟

ج - اگر ترک نماز و روزه بر اثر طغیان باشد، قضای آنها بر پسر بزرگ واجب نیست، ولی در این صورت هم احتیاط در قضای آنها ترک نشود.<sup>۵</sup>

س ۷- اگر قضای نماز و روزه بر عهده پسر بزرگ باشد و قضای نماز و روزه پدر هم بر آن اضافه گردد، کدامیک مقدم است؟

ج - در این صورت مختیر است و شروع به انجام هر کدام کند، صحیح است.<sup>۶</sup>

۲- همان.

۱- همان، ص ۱۶۳.

۴- همان، ص ۱۶۴.

۳- همان، ص ۱۶۳.

۶- همان.

۵- همان.

## نمازهای مستحب

نمازهای مستحبی، که به آنها «نافله» می‌گویند، زیاد هستند، ولی برخی از آنها که اهمیت بیشتری دارد به قرار زیر است:

### ۱ - نافله نمازهای یومیه:

هفده رکعت نماز واجب که در شبانه روز خوانده می‌شود، ۳۴ رکعت نافله دارد که چگونگی خواندن آنها در نمودار زیر بیان شده است.

نافله	تعداد رکعت	زمان خواندن
۱ صبح	۲	قبل از نماز صبح
۲ ظهر	۸	قبل از نماز ظهر (به صورت چهار نماز دو رکعتی خوانده می‌شود).
۳ عصر	۸	قبل از نماز عصر (به صورت چهار نماز دو رکعتی خوانده می‌شود).
۴ مغرب	۴	بعد از نماز مغرب (به صورت دو نماز دو رکعتی خوانده می‌شود).
۵ عشا	۲	بعد از نماز عشا (به صورت نشسته خوانده می‌شود و یک رکعت حساب می‌شود).
۶ شب	۱۱	از نصف شب تا اذان صبح (۸ رکعت آن به نیت نماز شب، به صورت چهار نماز دو رکعتی، دو رکعت به نیت نماز شفع و یک رکعت آن نیز به نیت نماز وتر، خوانده می‌شود).

(ر.ک. مسائل ۷۶۳ - ۷۷۴)

### ۲ - نماز غفيله

نماز غفيله بين نماز مغرب و عشا خوانده می‌شود؛ و وقت آن بعد از نماز مغرب است تا وقتی که سرخی طرف مغرب از بین برود. کیفیت آن به شرح زیر است.

در رکعت اول آن، بعد از حمد باید به جای سوره، این آیه را بخوانند:

وَذَا التَّوْنِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاصِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَخَبَّرْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ

(انبیاء (۲۱)، آیه ۸۷)

و در رکعت دوم بعد از حمد باید به جای سوره، این آیه را بخوانند:

وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا هُوَ يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

(انعام (۶)، آیه ۵۹)

و در قنوت آن بگویند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِمِفْتَاحِ الْغَيْبِ الَّذِیْ لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا اَنْتَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بِیْ کَذَا وَ کَذَا.

و به جای «اَنْ تَفْعَلَ بِیْ کَذَا وَ کَذَا» حاجتهای خود را بخوانند، به عنوان مثال بگویند: «اَنْ تَغْفِرَ لِيْ دُنُوْبِيْ».

و بعد بگویند:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ وَلِیُّ یَعْمَتِیْ وَ الْقَادِرُ عَلٰی طَلِبَتِیْ تَعْلَمُ حَاجَتِیْ فَاسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَیْتَهَا لِيْ. (م ۷۷۵)

## استفتاءات

س ۱ - آیا باید نمازهای نافله بلند خواند شود یا آهسته؟

ج - مستحب است نافله‌های روز آهسته و نافله‌های شب بلند خوانده شود.<sup>۱</sup>

س ۲ - آیا خواندن نافله ظهر و عصر، پس از ادای نماز ظهر و عصر و در وقت نافله، باید به قصد

قضا باشد و یا به قصد دیگری؟

ج - احوط در این هنگام ادای آن قریه‌ای الله، بدون قصد ادا و قضا است.<sup>۲</sup>

س ۳ - نماز شب به چه صورتی باید خوانده شود؟ یعنی کیفیت آن از جهت سوره و استغفار و دعا

چگونه است؟

ج - در نماز شب سوره و استغفار و دعا به عنوان جزئیت شرط نیست، بلکه کافی است در هر

رکعت بعد از نیت و تکبیر الاحرام، سوره حمد قرائت شود و اگر خواست بعد از قرائت حمد یک

سوره از سوره‌های قرآن هم قرائت کند و رکوع و سجود و ذکر آنها و تشهد و سلام به جا آورده شود.<sup>۳</sup>

۱ - رساله‌ی اجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۲۱۶. ۲ - همان.

۳ - همان، ص ۲۱۷.



### پرسش

- ۱- آیا نماز قضا را می‌توان در سفر به جا آورد؟
- ۲- اگر انسان از خواندن نماز خود عاجز باشد آیا شخص دیگری می‌تواند برایش نماز بخواند؟
- ۳- آیا نماز قضای مادر نیز بر پسر بزرگتر واجب است؟
- ۴- آیا قضای نماز و روزه‌های پدری هم که عمداً آنها را به جا نیاورده، واجب است؟
- ۵- آیا اگر پسر بزرگتر فوت نماید، انجام قضای نماز و روزه‌های پدر بر ذمه وراث دیگر مستقل می‌شود؟
- ۶- مجموع نمازهای یومیه و نوافل آن، چند رکعت است؟
- ۷- نماز شب چند رکعت است؟ و چگونه خوانده می‌شود؟
- ۸- آیا باید نمازهای نافله بلند خوانده شود یا آهسته؟

## درس سیزدهم

### روزه (۱)

روزه عبارت است از آن که، انسان برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب از چیزهایی که روزه را باطل می‌کند، خودداری نماید. (قبل از مسأله ۱۵۵۰)  
در حدیث قدسی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که خداوند می‌فرماید:  
الصَّوْمُ لِي وَ اَنَا أُجْزِي بِهِ.<sup>۱</sup>

روزه برای من است و من خود، پاداش آن را می‌دهم.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ دَعَائِمٍ؛ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ  
الْإِمَّةِ مِنْ وَلَدِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.<sup>۲</sup>

اسلام بر پنج پایه استوار است؛ نماز، زکات، روزه، حج و ولایت امیرالمؤمنین و فرزندان آن  
حضرت صلوات الله علیهم که امام هستند.

برقراری خلوص و پاکی، احساس درد و رنج مستمندان، آگاهی بر فقر خود در قیامت،  
صبر در سختیها از جمله حکمت‌های وجوب روزه است که در روایات به آنها اشاره شده است.

حضرت فاطمه (س) فرمود:

فَرَضَ اللَّهُ الصِّيَامَ تَثْبِيثًا لِلْإِخْلَاصِ.<sup>۳</sup>

خداوند روزه را به خاطر تثبیت اخلاص واجب کرده است.

از امام رضا (ع) نقل شده که فرمود:

علت واجب شدن روزه آن است که مردم، سختی گرسنگی را چشیده، بر فقر در آخرت آگاه

۱ - وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۹۲.

۲ - بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۵۷.

۳ - همان، ج ۹۳، ص ۳۶۸.

شوند. روزه‌دار خاشع و فروتن شده و توجّه داشته باشد که اعمالش به حساب می‌آید و مورد پاداش قرار می‌گیرد؛ و (نیز) مقابل گرسنگی و تشنگی صابر شود و علاوه بر دوری از شهوات، ثواب الهی نصیبش گردد... و از سختی‌های مستمندان با خبر شود، تا حقّی را که خداوند در اموالش قرار داده است، ادا نماید.<sup>۱</sup>

## آداب روزه

ناگفته نماند، روزه در صورتی می‌تواند منشأ آثار باشد که تمام آداب آن رعایت شود؛ وگرنه چه بسا روزه‌داری که بهره‌اش از روزه (فقط) گرسنگی و تشنگی است.<sup>۲</sup>

امام صادق (ع) به بعضی از آداب روزه اشاره کرده، می‌فرماید:

إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَعْعَكَ وَبَصْرَكَ مِنَ الْحَرَامِ وَالْقَبِيحِ وَدَعِ الْمِرَاءَ وَادِّى الْخَادِمِ وَتُيَكُنْ عَلَيْكَ وَفَارُ الصَّائِمِ وَلَا تَجْعَلْ يَوْمَ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فِطْرِكَ.<sup>۳</sup>

چون روزه گرفتی، گوش و چشم‌ت (نیز) باید از حرام و کارزشت روزه باشند، از ریا و آزار زبردستان به دور باشی، باید وقار روزه‌دار در تو مشاهده شود و روزهایی را که روزه هستی، مانند دیگر روزهایت نباشد.

امام خمینی (ره) می‌فرماید:

معنای روزه فقط خودداری و امساک از خوردن و آشامیدن نمی‌باشد؛ از معاصی هم باید خودداری کرد؛ این، از آداب اولیّه روزه می‌باشد که برای مبتدی‌هاست... شما اقلاً به آداب اولیّه روزه عمل نمایید، و همانطور که شکم را از خوردن و آشامیدن نگه می‌دارید، چشم و گوش و زبان را هم از معاصی بازدارید... کینه، حسد و دیگر صفات زشت شیطان را از دل بیرون کنید. اگر توانستید، انقطاع الی الله حاصل نمایید؛ اعمال خود را خالص و بی ریا انجام دهید؛ از شیاطین انس و جنّ منقطع شوید.<sup>۴</sup>

## نیت روزه

در نیت روزه همین مقدار کافی است که انسان برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا

۲ - ر.ک. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۸۹.

۴ - جهاد اکبر، ص ۳۸.

۱ - وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴.

۳ - وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۱۷.

مغرب کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام ندهد و جاری کردن نیت بر زبان و یا گذراندن از قلب لازم نیست. (م ۱۵۵۰)

رعایت امور زیر در نیت لازم است:

۱- قصد قربت؛

۲- تصمیم بر ترک و خودداری نمودن از چیزهایی که روزه را باطل می‌کند؛

۳- تعیین نوع روزه در غیر ماه رمضان.

ولی دانستن همه مبطلات به طور تفصیل و نیز تعیین نوع روزه در ماه رمضان لازم نیست.<sup>۱</sup>

## زمان نیت روزه

### الف - روزه ماه رمضان

۱- انسان می‌تواند در هر شب از ماه رمضان برای روزه فردای آن نیت کند و بهتر است که شب اول ماه هم نیت روزه همه ماه را بنماید. (م ۱۵۵۱)

۲- از اول شب ماه رمضان تا اذان صبح، هر وقت نیت روزه فردا بکند، اشکال ندارد. (م ۱۵۵۲)

### ب - روزه غیر ماه رمضان

۱- اگر غیر از روزه ماه رمضان، روزه معین دیگری بر انسان واجب باشد، مثلاً نذر کرده باشد که روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه عمداً تا اذان صبح نیت نکند، روزه اش باطل است، و اگر نداند که روزه آن روز بر او واجب است یا فراموش کند و پیش از ظهر یادش بیاید، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام نداده باشد و نیت کند روزه او صحیح و گرنه باطل می‌باشد. (م ۱۵۶۴)

۲- اگر برای روزه واجب غیر معینی مثل روزه کفاره عمداً تا نزدیک ظهر نیت نکند اشکال ندارد؛ بلکه اگر پیش از نیت تصمیم داشته باشد که روزه نگیرد، یا تردید داشته باشد که بگیرد یا نه، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد و پیش از ظهر نیت کند، روزه او صحیح است. (م ۱۵۶۵)

۳- وقت نیت روزه مستحبی از اول شب است تا موقعی که به اندازه نیت کردن به مغرب وقت مانده باشد که اگر تا این وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد و نیت روزه مستحبی کند، روزه او صحیح است. (م ۱۵۵۳)

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۷۸.

## احکام نیت

۱- کسی که پیش از اذان صبح بدون نیت روزه خوابیده است، اگر پیش از ظهر بیدار شود و نیت کند، روزه او صحیح است چه روزه او واجب باشد، چه مستحب. و اگر بعد از ظهر بیدار شود، نمی تواند نیت روزه واجب نماید. (م ۱۵۵۴)

۲- اگر بخواهد غیر روزه رمضان روزه دیگری بگیرد، باید آن را معین نماید؛ مثلاً نیت کند که روزه قضا یا روزه نذر می گیرم. ولی در ماه رمضان لازم نیست نیت کند که روزه ماه رمضان می گیرم، بلکه اگر نداند ماه رمضان است یا فراموش نماید و روزه دیگری را نیت کند، روزه ماه رمضان حساب می شود. (م ۱۵۵۵)

۳- کسی که برای به جا آوردن روزه میتی اجیر شده، اگر روزه مستحبی بگیرد، اشکال ندارد. ولی کسی که روزه قضا یا روزه واجب دیگری دارد، نمی تواند روزه مستحبی بگیرد. (م ۱۵۶۳)

۴- اگر در روزه واجب معینی مثل روزه رمضان از نیت روزه گرفتن برگردد روزه اش باطل است؛ ولی چنانچه نیت کند که چیزی را که روزه را باطل می کند به جا آورد، در صورتی که آن را انجام ندهد روزه اش باطل نمی شود. (م ۱۵۷۰)

۵- سؤال ۱: اگر کسی نداند و عمداً تا اذان ظهر نیت روزه ماه رمضان نکند چه حکمی دارد؟

ج: در فرض مرقوم، روزه آن روز قضا دارد.<sup>۱</sup>

۶- سؤال ۲: شخصی در ماه رمضان از شهری که وطنش نیست سحری می خورد به نیت این که قبل از

ظهر به وطنش برسد و روزه بگیرد، آیا از اول وقت می تواند قصد روزه نماید؟

ج: نیت روزه در حال سفر صحیح نیست، ولی اگر قبل از ظهر به وطن رسیده و قبلاً افطار نکرده باید نیت روزه کند و صحیح است.<sup>۲</sup>

## پرسش

۱- جایگاه روزه در اسلام چگونه است؟

۲- روزه چه آدابی دارد؟

۳- در نیت، رعایت چه اموری لازم است؟

۴- نیت روزه در ماه رمضان به چه کیفیتی است؟

۵- وظیفه کسی که از روی عمد تا اذان ظهر نیت روزه ماه رمضان نکند، چیست؟

۲- همان، ج ۱، ص ۳۰۴.

۱- استفتائات، ج ۱، ص ۳۰۵.

درس چهاردهم

## روزه (۲)

### مبطلات روزه

منظور از مبطلات روزه، چیزهایی است که روزه‌دار باید از آن اجتناب کند و اگر یکی از آنها را انجام دهد روزه‌اش باطل می‌شود.

مبطلات روزه عبارتند از:

۱- خوردن و آشامیدن

۲- جماع

۳- استمنا

۴- دروغ بستن به خدا، پیغمبر و جانشینان پیغمبر (ع)

۵- رساندن غبار غلیظ به حلق

۶- فروبردن تمام سر در آب

۷- باقی ماندن بر جنابت، حیض و نفاس تا اذان صبح

۸- اماله کردن با چیزهای روان

۹- قی کردن. (م ۱۵۷۲)

اینک توضیح هر یک از موارد یاد شده:

### الف - خوردن و آشامیدن

۱- معیار در خوردن و آشامیدن صدق خوردن و آشامیدن است، هر چند به طور متعارف نباشد، از این رو، اگر آب از راه بینی وارد معده شود اگر چه به طور غیر متعارف است، ولی آشامیدن صدق می‌کند.<sup>۱</sup>

---

۱- تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۲۸۱.

- ۲- اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه او باطل می شود. (م ۱۵۷۳)
- ۳- موارد زیر، حکم خوردن و آشامیدن را دارد و انجام عمدی آن روزه را باطل می کند:  
الف- فرو بردن رطوبت مسواکی که آن را از دهان بیرون آورده و دوباره به دهان برده است. (م ۱۵۷۳)
- ب- فرو بردن چیزی که لای دندان مانده است. (م ۱۵۷۷)
- ج- فرو بردن اخلاط سر و سینه که به فضای دهان رسیده باشد بنابراین واجب، ولی تا به فضای دهان نرسیده، اشکال ندارد. (م ۱۵۸۰)
- د- فرو بردن چیزی که بر اثر آروغ زدن در دهان آمده. (م ۱۶۷۱)
- ه- استعمال آمپولی که به جای غذا به کار می رود، بنابراین احتیاط واجب، ولی تزریق آمپولی که عضو را بی حس یا به جای دوا استعمال می شود، اشکال ندارد. (م ۱۵۷۶)
- ۴- انسان نمی تواند برای ضعف، روزه را بخورد؛ ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد. \* (م ۱۵۸۳)

## استفتاءات

- س ۱- آیا اگر از دهان شخص روزه دار خون بیاید، روزه اش باطل می شود؟  
ج- روزه به سبب آن باطل نمی شود، ولی واجب است از رسیدن خون به حلق جلوگیری کند.<sup>۱</sup>
- س ۲- من در بیشتر روزها آب دهانم با خونی که از لثه هایم می آید مخلوط می شود و گاهی نمی دانم آب دهانی که فرو می برم همراه با خون است یا خیر؟ روزه ام با این حال چه حکمی دارد؟  
ج- اگر خون لثه در آب دهان مستهلک شود، محکوم به طهارت است و بلعیدن آن، اشکال ندارد و مبطل روزه نیست و همچنین در صورت شک در همراه بودن آب دهان با خون، فرو بردن آن اشکال ندارد و به صحت روزه ضرر نمی زند.<sup>۲</sup>
- س ۳- در یکی از روزهای ماه رمضان روزه گرفتم، ولی دندانهایم را مسواک نزد و بدون اینکه باقیمانده غذاهای لابلای دندانها را عمداً ببلعم، خود به خود بلعیده شده است، آیا قضای روزه آن روز بر من واجب است؟

\*- بدیهی است که پس از برطرف شدن این عذر باید قضای این روزه ها را بگیرد.

۱- رساله اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۲۲۹. ۲- همان، ص ۲۳۰.

ج - اگر علم به وجود باقیمانده غذا در بین دندانهایتان و یا علم به رسیدن آن به حلق نداشته‌اید و فرو رفتن آن هم عمدی و با التفات نبوده، چیزی در رابطه با روزه بر شما واجب نیست.<sup>۱</sup>

س ۴ - آیا خوردن قرص فشار خون در حال روزه جایز است؟

ج - اگر خوردن آن در ماه رمضان برای درمان فشار خون ضروری باشد، اشکال ندارد، ولی با خوردن آن روزه باطل می‌شود.<sup>۲</sup>

س ۵ - اگر من و بعضی از مردم بر این عقیده باشیم که بر استفاده از قرصها جهت مداوا عنوان خوردن و آشامیدن صدق نمی‌کند، آیا عمل به آن جایز است و به روزه‌ام ضرر نمی‌زند؟

ج - اگر استفاده از آن قرصها به صورت شیاف باشد، به روزه ضرر نمی‌رساند، ولی اگر به صورت بلعیدن باشد، روزه را باطل می‌کند.<sup>۳</sup>

## ب - جماع

جماع روزه را باطل می‌کند؛ اگر چه فقط به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید. (م ۱۵۸۴)

## استفتاء

س - اگر مردی با همسرش در روز ماه رمضان شوخی و ملاحظه نماید، آیا به روزه‌اش ضرر می‌رساند؟  
ج - اگر منجر به انزال منی نشود، به روزه خللی وارد نمی‌کند، ولی اگر باعث انزال منی شود، جایز نیست و روزه باطل می‌شود.<sup>۴</sup>

## ج - استمناء

۱ - اگر روزه‌دار استمناء کند، روزه‌اش باطل می‌شود. (م ۱۵۸۸)  
۲ - هرگاه روزه‌دار بداند که اگر در روز بخوابد محتمل می‌شود، می‌تواند در روز بخوابد و چنانچه بخوابد و محتمل شود، روزه‌اش صحیح است. (م ۱۵۹۰)

## د - دروغ بستن به خدا و پیغمبر

۱ - اگر روزه‌دار به گفتن یا نوشتن یا به اشاره و مانند اینها، به خدا و پیغمبر و جانشینان آن حضرت عمداً نسبت دروغ بدهد، اگر چه فوراً بگوید دروغ گفتم یا توبه کند، روزه او باطل است، و احتیاط واجب آن است که حضرت زهرا (س) و سایر پیغمبران و جانشینان آنان هم در این حکم فرقی ندارند. (م ۱۵۹۶)

۲ - همان، ص ۲۳۱.

۱ - همان.

۴ - رساله اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۲۳۲.

۳ - همان، ص ۲۳۲.



۲- اگر بخواهد خبری را که نمی‌داند راست است یا دروغ نقل کند، بنابر احتیاط واجب باید از کسی که آن خبر را گفته یا از کتابی که آن خبر در آن نوشته شده نقل نماید، لکن اگر خودش هم خبر بدهد، روزه‌اش باطل نمی‌شود. (م ۱۵۹۷)

#### ه- رساندن غبار غلیظ به حلق

۱- رساندن غبار غلیظ به حلق روزه را باطل می‌کند، چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است مثل آرد، یا غبار چیزی باشد که خوردن آن حرام است مثل خاک. (م ۱۶۰۳)

۲- احتیاط واجب آن است که روزه‌دار دود سیگار و تنباکو و مانند اینها را به حلق نرساند؛ ولی بخار غلیظ روزه را باطل نمی‌کند، مگر این که در دهان به صورت آب درآید و فرو دهد. (م ۱۶۰۵)

#### و- فرو بردن سر در آب

۱- اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، اگر چه باقی بدن او از آب بیرون باشد، بنابر احتیاط واجب باید قضای آن روزه را بگیرد. ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد، روزه باطل نمی‌شود. (م ۱۶۰۸)

۲- اگر فراموش کند که روزه است و به نیت غسل سر را در آب فرو برد، روزه و غسل او صحیح است. (م ۱۶۱۶)

۳- اگر در ماه رمضان، عمداً برای غسل سر را در آب فرو ببرد، هم روزه او باطل است هم غسلش. (م ۱۶۱۷)

#### ز- باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

۱- اگر جنب عمداً تا اذان صبح غسل نکند، یا اگر وظیفه او تیمم است عمداً تیمم ننماید، روزه‌اش باطل است. (م ۱۶۱۹)

۲- کسی که جنب است و می‌خواهد روزه واجب را بگیرد که مثل روزه رمضان وقت آن معین است، چنانچه عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود، می‌تواند با تیمم روزه بگیرد و صحیح است. (م ۱۶۲۱)

۳- کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می‌داند که اگر بخوابد تا صبح بیدار نمی‌شود، نباید بخوابد و چنانچه بخوابد و تا صبح بیدار نشود، روزه‌اش باطل است و قضا و کفاره بر او واجب می‌شود. (م ۱۶۲۵)

۴- اگر جنب در ماه رمضان غسل را فراموش کند و بعد از یک یا چند روز یادش بیاید، باید آن روزه‌ها را قضا کند. (م ۱۶۲۲)

- ۵- اگر روزه‌دار در روز محتمل شود، واجب نیست فوراً غسل کند. (م ۱۶۳۲)
- ۶- هرگاه در ماه رمضان بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتمل شده، اگر چه بداند پیش از اذان محتمل شده، روزه او صحیح است. (م ۱۶۳۳)

### ح - قی کردن

- ۱- هرگاه روزه دار عمدتاً قی کند - اگر چه به واسطه مرض و مانند آن ناچار باشد - روزه‌اش باطل می‌شود؛ ولی اگر سهواً یا بی اختیار قی کند، اشکال ندارد. (م ۱۶۴۶)
- ۲- اگر آروغ بزند و بدون اختیار چیزی در گلو یا دهانش بیاید، باید آن را بیرون بریزد و اگر بی اختیار فرو رود روزه‌اش صحیح است. (م ۱۶۵۲)

### احکام مبطلات

- باطل شدن روزه به سه صورت ممکن است انجام گیرد:
- ۱- اگر انسان عمدتاً و از روی اختیار کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، روزه او باطل می‌شود؛ و چنانچه از روی عمد نباشد اشکال ندارد. (م ۱۶۵۳)
  - ۲- اگر روزه‌دار سهواً یکی از کارهایی که روزه‌دار را باطل می‌کند انجام دهد و به خیال این که روزه‌اش باطل شده عمدتاً دوباره یکی از آنها را به جا آورد، روزه او باطل می‌شود. (م ۱۶۵۴)
  - ۳- اگر چیزی به زور در گلو یا روزه‌دار بریزند، یا سر او را به زور در آب فرو برند، روزه او باطل نمی‌شود. ولی اگر مجبورش کنند که روزه خود را باطل کند، مثلاً به او بگویند اگر غذا نخوری، ضرر مالی یا جانی به تو می‌زنیم و خودش برای جلوگیری از ضرر چیزی بخورد، روزه او باطل می‌شود. (م ۱۶۵۵)

### پرسش

- ۱- مبطلات روزه را نام ببرید
- ۲- مسواک زدن در حال روزه چه حکمی دارد؟
- ۳- آیا انسان می‌تواند به خاطر ضعف، روزه بخورد؟
- ۴- باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح در چه صورتی روزه را باطل می‌کند؟
- ۵- وظیفه روزه‌داری که در روز محتمل شود، چیست؟
- ۶- آیا اگر از دهان روزه دار خون بیاید، روزه‌اش باطل می‌شود؟
- ۷- آیا خوردن قرص در حال روزه جایز است یا خیر؟

## درس پانزدهم

### خمس

در هفت چیز خمس واجب می شود که عبارتند از: منفعت کسب، معدن، گنج، مال مخلوط به حرام، جواهری که به واسطه غواصی به دست می آید، غنیمت جنگ، زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد. (م ۱۷۵۱)

#### موارد خمس

در اینجا به دو مورد از موارد هفتگانه خمس می پردازیم:

##### ۱ - منفعت کسب

هرگاه انسان از تجارت یا صنعت یا کسب های دیگر، مالی به دست آورد، اگر چه مثلاً نماز و روزه میتی را به جا آورد و از اجرت آن، مالی تهیه کند، چنانچه از مخارج سال خود او و عیالاتش زیاد بیاید، باید خمس یعنی پنج یک آن را به دستوری که خواهد آمد، بدهد. (م ۱۷۵۲)

اگر مالی به ارث به انسان برسد و بداند کسی که این مال از او به ارث رسیده خمس آن را نداده، باید خمس آن را بدهد؛ و همچنین اگر به واسطه قناعت کردن چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد. (م ۱۷۵۵ - ۱۷۵۶)

قابل ذکر است که انسان تا خمس مال را ندهد نمی تواند در آن مال تصرف کند، اگر چه قصد دادن خمس را داشته باشد. (م ۱۷۹۰)

##### چیزهایی که خمس ندارد

- ۱- اگر از غیر کسب مالی به دست آورد؛ مثلاً چیزی به او ببخشند.
- ۲- مهری را که زن می گیرد.

- ۳- ارثی که به انسان می‌رسد.
- ۴- مالی که از کافر یا کسی که به دادن خمس عقیده ندارد؛ به دست انسان آید.
- ۵- قیمت جنسی که برای تجارت خریده‌بالا رود و آن را بفروشد و در بین سال قیمتش پایین آید مقدار بالا رفته خمس ندارد.
- ۶- آنچه از منافع کسب در بین سال به مصرف خوراک، پوشاک، اثاثیه، خرید منزل، عروسی، جهیزیه، زیارت و مانند این‌ها در صورتی که از شأن او زیاد نباشد و زیاده روی هم نکرده باشد.
- ۷- مالی را که فقیر بابت خمس و زکات و صدقه مستحبی گرفته است. (مسائل ۱۷۵۳ - ۱۷۵۴، ۱۷۵۹، ۱۷۶۴، ۱۷۶۸، ۱۷۷۵)

## استفتاءات

- س ۱ - آیا هبه و هدیه عید (عیدی) خمس دارد؟
- ج - هبه و هدیه خمس ندارد، هرچند احوط این است که اگر از مخارج سال زیاد بیاید، خمس آن پرداخت شود.<sup>۱</sup>
- س ۲ - آیا به جایزه‌هایی که توسط بانکها و صندوق‌های قرض الحسنه به افراد پرداخت می‌شود خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟
- ج - خمس در جایزه‌ها و هدیه‌ها واجب نیست.<sup>۲</sup>
- س ۳ - باغ پدری از طریق بخشش یا ارث به پسرش منتقل شده است، آن باغ هنگام هدیه یا انتقال به او بابت ارث، قیمت زیادی نداشت، ولی در حال حاضر قیمت آن هنگام فروش با قیمت قبلی آن تفاوت زیادی کرده است، آیا به آن مقدار زیادی که بر اثر افزایش قیمت حاصل شده، خمس تعلق می‌گیرد؟
- ج - ارث و هبه و پول فروش آنها خمس ندارد هرچند قیمت آنها افزایش یافته باشد.<sup>۳</sup>
- س ۴ - اداره بیمه مبلغی را بابت هزینه درمان به من بدهکار است و مقرر شده که در همین روزها به من پرداخت شود، آیا به این مبلغ خمس تعلق می‌گیرد؟
- ج - مال بیمه خمس ندارد.<sup>۴</sup>

۱ - رساله اجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۲۵۵. ۲ - همان.

۳ - همان، ص ۲۵۷. ۴ - همان.

س ۵ - افراد بازنشسته که همچنان حقوق ماهیانه دریافت می‌کنند، آیا باید خمس حقوقی را که در طول سال دریافت می‌کنند، بپردازند؟

ج - حقوق بازنشستگی خمس ندارد، مگر آن مبالغی که از حقوق زمان اشتغالش کسر نموده‌اند و پس از بازنشستگی ماهیانه به او می‌پردازند، آن هم در صورتی که از مخارج سال اضافه بیاید.<sup>۱</sup>

س ۶ - خمس لوازم منزل چگونه محاسبه می‌شود؟

ج - لوازمی که به استفاده از آن‌ها عین آن باقی می‌ماند مثل فرش و غیر آن، خمس ندارد، ولی نیازهای مصرفی روزمره مانند برنج و روغن و غیر آن‌ها، آنچه اضافه بیاید و تا سر سال خمس باقی بماند، خمس دارد.<sup>۲</sup>

س ۷ - خانه‌ای را که با پرداخت مبلغی به عنوان رهن اجاره کرده‌ام، آیا پس از گذشت یک سال به آن مبلغ خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - مبلغی را که به موجب قرض داده‌اید اگر از منفعت کسب باشد، چنانچه تا پایان سال خمس آن قابل دریافت از صاحبخانه نباشد، پرداخت خمس آن در آن سال واجب نیست، ولی بعداً هر وقت آن را دریافت نمودید، باید خمس آن را بپردازید.<sup>۳</sup>

س ۸ - آیا اصل سرمایه و سود آن خمس دارد؟

ج - اگر انسان سرمایه را با کسب و کار (اعم از حقوق و غیره) به دست آورده باشد، خمس دارد، ولی سود حاصل از تجارت با آن هر مقدار که صرف مؤونه زندگی می‌شود خمس ندارد و اگر چیزی از آن از مخارج سال زیاد بیاید خمس دارد.<sup>۴</sup>

س ۹ - آیا به ابزاری که در کار و کسب استفاده می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - ابزار و آلات کسب، حکم سرمایه را دارد که اگر از درآمد کسب تهیه شود خمس دارد.<sup>۵</sup>

س ۱۰ - آیا به پولی که به مدت دو سال به صورت قرض الحسنه در بانک بوده خمس تعلق می‌گیرد؟

ج - هر مقداری که از منفعت کسب پس انداز می‌شود یک بار به آن خمس تعلق می‌گیرد و پس انداز آن در بانک به صورت قرض الحسنه موجب سقوط خمس آن نمی‌شود، بلکه، قرض که

۲ - همان، ص ۲۷۶.

۱ - همان، ص ۲۶۱.

۴ - همان، ص ۲۹۰.

۳ - همان، ص ۲۸۸.

۵ - همان، ص ۲۹۸.

نمی‌تواند آن را تا سر سال خمس از قرض گیرنده پس بگیرد تا آن را پس نگرفته خمس آن واجب نیست.<sup>۱</sup>

#### وظیفه کسی که از اول تکلیف خمس نداده:

کسی که از اول تکلیف خمس نداده، اگر از منافع کسب چیزی که به آن احتیاج ندارد خریده و یک سال از خرید آن گذشته، باید خمس آن را بدهد و اگر اثاث خانه و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد مطابق شأن خود خریده، پس اگر بداند در بین سالی که در آن سال فایده برده آنها را خریده، لازم نیست خمس آنها را بدهد و اگر نداند که در بین سال خریده یا بعد از تمام شدن سال، بنا بر احتیاط واجب، باید با حاکم شرع مصالحه کند. (م ۱۷۹۷)

#### ۲ - مال حلال مخلوط به حرام

اگر مال حلال با مال حرام به طوری مخلوط شود که انسان نتواند آنها را از یکدیگر تشخیص دهد و صاحب مال حرام و مقدار آن، هیچ کدام معلوم نباشد، باید خمس تمام مال را بدهد و بعد از دادن خمس، بقیه مال حلال می‌شود. (م ۱۸۱۳)

اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را بداند، ولی صاحب آن را نشناسد، باید آن مقدار را به نیت صاحبش صدقه بدهد و احتیاط واجب آن است که از حاکم شرع هم اذن بگیرد. (م ۱۸۱۴)

اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را نداند، ولی صاحبش را بشناسد، باید یکدیگر را راضی نمایند و چنانچه صاحب مال راضی نشود، در صورتی که انسان بداند چیز معینی مال او است و شک کند که بیشتر از آن هم مال او هست یا نه، باید چیزی را که یقین دارد مال او است به او بدهد و احتیاط مستحب آن است مقدار بیشتری را که احتمال می‌دهد مال او است، به او بدهد. (م ۱۸۱۵)

اگر مال حلالی با حرام مخلوط شود و مقدار حرام معلوم باشد و انسان بداند که صاحب آن از چند نفر معین بیرون نیست، ولی نتواند بفهمد کیست، به احتیاط واجب باید از تمام آنان تحصیل رضایت نماید و اگر ممکن نگردد باید قرعه بیندازند و به نام هر کس افتاد، مال را به او بدهند. (م ۱۸۱۸)

اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد، یا مالی که صاحبش را نمی‌شناسد به نیت او صدقه بدهد، بعد از آن که صاحبش پیدا شد، بنابر احتیاط واجب، باید به مقدار مالش به او بدهد. (م ۱۸۱۷)

### سال خمسی

منظور از سال خمسی وقتی است که شخص، همه ساله طبق موازین شرعی به حساب خود رسیدگی می‌کند. مبدأ سال خمسی برای کسی که:

#### ۱ - شغلش کاسبی است:

- الف - در آمد تدریجی دارد، روز شروع کاسبی است.
- ب - کارمند و ... وقتی که اولین حقوق خود را می‌گیرد.
- ج - کشاورز و باغ‌دار هنگام جمع‌آوری محصول.<sup>۱</sup>

#### ۲ - شغلش کاسبی نیست:

چنانچه به طور اتفاقی معامله‌ای کند و منفعتی ببرد، بعد از آن که یک سال از موقعی که فایده برده بگذرد، باید خمس مقداری را که از خرج سالش زیاد آمده بدهد. (م ۱۷۶۵)

### استفتاءات

س ۱ - سر سال خمسی من آخر ماه دهم از هر سال است. آیا حقوق ماه دهم را که در آخر آن می‌گیرم خمس دارد؟ آیا اگر بعد از دریافت، مقدار باقیمانده آن را (که طبق عادت، هر ماه پس انداز می‌شود) به همسر هدیه کنم، خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

ج - حقوقی که قبل از سال خمسی دریافت می‌کنید و یا قبل از آخرین روز سال خمسی قابل دریافت است، پرداخت خمس مقدار زاید بر مؤونه سال آن واجب است و اما آنچه به همسر خود یا به دیگری هدیه می‌نمایید، اگر به قصد فرار از خمس نباشد و به مقدار مناسب با شأن عرفی شما باشد، خمس ندارد.<sup>۲</sup>

س ۲ - کسی که اطمینان دارد به اینکه چیزی از درآمد سالانه‌اش تا پایان سال باقی نمی‌ماند بلکه

---

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۸۸، مسأله ۶. ۲ - رساله اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۳۰۰ - ۳۰۱.

تمامی درآمد و منفعت او در خلال سال خرج هزینه‌های زندگی او می‌شود، آیا واجب است برای خود سال خمس تعیین کند؟ کسی که بر اثر اطمینان به اینکه چیزی از درآمدش زیاد نمی‌آید سال خمس تعیین نکرده، چه حکمی دارد؟

ج - ابتدای سال خمس با تعیین از جانب مکلف مشخص نمی‌شود، بلکه یک امر واقعی است که برای کسی که شغل او کاسبی است با شروع کاسبی و برای کشاورز با رسیدن وقت برداشت محصول و برای کارگر و کارمند با دستیابی به اولین درآمد، آغاز می‌شود. حساب سر سال خمس و محاسبه درآمد سالانه واجب مستقل نیست بلکه راهی برای شناخت مقدار خمس است و وقتی محاسبه واجب می‌شود که بدانند خمس به او تعلق گرفته، ولی مقدار آن را نمی‌دانند و اگر از منفعت کسب چیزی نزد او نماند و همه آن در مؤونه زندگی مصرف می‌شود، خمس هیچکدام از آنها بر او واجب نیست.<sup>۱</sup>

س ۳ - آیا تعیین سال خمس بر جوانان مجردی که با پدر و مادر خود زندگی می‌کنند واجب است؟ ابتدای سال خمس آنان از چه زمانی است؟ چگونه باید آن را حساب کنند؟

ج - اگر جوان مجرد درآمد شخصی هر چند به مقدار کم داشته باشد، واجب است سال خمس تعیین نموده و درآمد سالانه خود را محاسبه کند، تا در صورتی که چیزی از درآمد تا پایان سال باقی ماند، خمس آن را بپردازد و ابتدای سال خمس او هنگام حصول اولین درآمد است.<sup>۲</sup>

س ۴ - آیا زن و شوهری که حقوق خود را بطور مشترک در امور منزل مصرف می‌کنند، می‌توانند سال خمس مشترک داشته باشند؟

ج - هریک از آنان سال خمس مستقلی به حساب درآمد خودش دارد و واجب است هرکدام خمس باقیمانده حقوق و درآمد سالانه خود را در پایان سال خمس بپردازد.<sup>۳</sup>

س ۵ - آیا سال خمس باید شمسی باشد یا قمری؟

ج - مکلف در این مورد مخیر است.<sup>۴</sup>

س ۶ - تأخیر پرداخت خمس تا سال آینده چه حکمی دارد؟

ج - تأخیر پرداخت خمس از سال خمس به سال دیگر جایز نیست، هر چند هر وقت آن را

۱ - رساله اجوبة الاستفتاءات، ج ۱، ص ۳۰۵-۳۰۶.

۲ - همان، ص ۳۰۶-۳۰۷.

۳ - همان، ص ۳۰۷.

۴ - همان.



بپردازد ادای بدهی حاصل می‌شود. مکلف پس از رسیدن سال خمسی تا خمس مالش را نداده، نمی‌تواند در آن تصرف کند و اگر در آن قبل از پرداخت خمس تصرف کند مقدار خمس آن را ضامن است و چنانچه با عین مال غیر مخمس کالا یا زمین و یا مانند آنها بخرد، معامله در مقدار خمس فضولی و موقوف بر اجازه ولی امر خمس است که پس از اجازه ولی امر باید خمس آن کالا یا زمین را به قیمت فعلی حساب نماید و آن را بپردازد.<sup>۱</sup>

### پیامدهای ندادن خمس

- ۱- تا خمس مال را ندهد نمی‌تواند در آن تصرف کند؛ یعنی غذایی که در آن خمس باشد نمی‌تواند بخورد و با پولی که خمس آن را نداده، نمی‌تواند چیزی بخرد. (م ۱۷۹۰)
- ۲- اگر با پول خمس نداده، خرید و فروش کند (بدون اجازه حاکم شرع)  $\frac{1}{5}$  آن معامله باطل است. (م ۱۷۶۰)
- ۳- اگر بخواهد پول خمس نداده به صاحب حمام بدهد و در حمام غسل کند، غسل او باطل است. (م ۳۸۳)
- ۴- اگر با پولی که خمس آن را نداده است، خانه بخرد، نماز خواندن در آن خانه باطل است. (م ۸۷۳)

### مصرف خمس

خمس مال را باید دو قسمت کرد، نصف آن که سهم امام زمان (ع) است، به مجتهد جامع الشرایط که از او تقلید می‌کند، یا نماینده او، بپردازد. و نصف دیگر را باید، یا به مجتهد جامع الشرایط بدهد و یا با اجازه او به سادات دارای شرایط بپردازد. (م ۱۸۳۵)

### استفتاء

- س - آیا اجازه می‌فرمایید که افرادی خودشان سهم سادات را به سادات فقیر بدهند؟
- ج - کسی که سهم سادات بر عهده اوست، واجب است در پرداخت آن به مستحقین اجازه بگیرد.<sup>۲</sup>

۲ - همان، ص ۳۱۳.

۱ - همان، ص ۲۹۹.

### پرسش

- ۱- خمس در چند چیز واجب است نام ببرید.
- ۲- چه چیزهایی خمس ندارد؟ نام ببرید.
- ۳- آیا حقوق بازنشستگی خمس دارد؟
- ۴- خمس لوازم منزل چگونه محاسبه می شود؟
- ۵- آیا اصل سرمایه و سود آن خمس دارد؟
- ۶- آیا به ابزاری که در کار و کسب استفاده می شود، خمس تعلق می گیرد؟
- ۷- وظیفه کسی که از اول تکلیف خمس نداده چیست؟
- ۸- خمس مال مخلوط به حرام را توضیح دهید.
- ۹- مبدأ سال خمسی را بیان کنید.
- ۱۰- تأخیر پرداخت خمس تا سال آینده چه حکمی دارد؟
- ۱۱- مصرف خمس چیست؟

## درس شانزدهم

### زکات

زکات هم مانند خمس موارد معینی دارد؛ یک قسم از آن، زکات فطره است که هر سال یک مرتبه و در روز عید فطر پرداخت می‌شود. زکات فطره تنها بر کسانی واجب است که قدرت مالی پرداخت آن را دارند.

قسم دیگر، زکات اموال است که در این درس توضیح می‌دهیم.

#### موارد وجوب زکات

۱- غلات (گندم، جو، خرما، کشمش)

۲- دام‌ها (شتر، گاو، گوسفند)

۳- سگه‌ها (طلا و نقره) (م ۱۸۵۳)

زکات این اشیاء در صورتی واجب می‌شود که به مقدار مشخصی برسد و به آن «حدّ نصاب» می‌گویند، یعنی اگر محصول به دست آمده و یا تعداد دام، از حدّ نصاب کمتر باشد، زکات ندارد.

#### نصاب غلات و زکات آن

تمام غلات چهارگانه، یک نصاب دارد که ۸۴۷/۲۰۷ کیلوگرم است. بنابراین، اگر محصول به دست آمده از این مقدار کمتر باشد، زکات ندارد. (م ۱۸۶۴)

مقدار زکات غلات به چگونگی آبیاری آنها بستگی دارد و از این نظر می‌توان آنها را به سه

دسته تقسیم کرد:

۱- مقدار زکات محصولی که با آب باران و رودخانه آبیاری می‌شود و یا دیمی باشد،  $\frac{1}{4}$  است.

۲- مقدار زکات محصولی که با دلو و یا موتور پمپ آبیاری می‌شود،  $\frac{1}{3}$  است.

۳- محصولی که به هر دو طریق، هم از آب باران یا رودخانه و هم آب دستی آبیاری شده،

چنانچه طوری باشد که بگویند با آب دستی آبیاری شده، زکات آن  $\frac{1}{4}$  است و اگر بگویند با آب باران آبیاری شده، زکات آن  $\frac{1}{4}$  است. (م ۱۸۷۵-۱۸۷۶)

### نصاب دامها و زکات هر کدام

**الف - گوسفند:** اولین نصاب گوسفند، چهل رأس است و زکات آن یک گوسفند می باشد و گوسفند تا به چهل نرسد، زکات ندارد، نصاب دوم آن، صد و بیست و یک و زکات آن دو گوسفند و نصاب سوّم، دویست و یک و زکات آن سه گوسفند است. (م ۱۹۱۳)

**ب - گاو:** اولین نصاب گاو، سی رأس است، و زکات آن یک گوساله می باشد که یک سال آن تمام شده و وارد سال دوّم شده است. (م ۱۹۱۲)

**ج - شتر:** اولین نصاب شتر پنج نفر است و زکات آن یک گوسفند است و تا زمانی که تعداد شترها به ۲۶ نفر نرسیده، هر پنج شتر یک گوسفند زکات دارد، ولی آنگاه که تعداد آنها به ۲۶ نفر رسید، زکاتش یک شتر است. (م ۱۹۱۰)

### نصاب و زکات طلا و نقره

نصاب طلا ۱۵ مثقال و نصاب نقره ۱۰۵ مثقال است و زکات هر دو،  $\frac{1}{4}$  می باشد. (م ۱۸۹۶-۱۸۹۷)

### احکام زکات

۱- مخارجی که برای گندم، جو، خرما و انگور کرده است، مانند قیمت بذر، مزد کارگر، مزد تراکتور و... می تواند از حاصل کسر کند. ولی مقدار نصاب قبل از کم کردن این مخارج محاسبه می شود و اگر قبل از کسر مخارج به حدّ نصاب برسد، پرداخت زکات واجب شده است، ولی زکات باقیمانده را می پردازد. (م ۱۸۸۰)

۲- زکات دامها در صورتی واجب می شود که:

**الف -** یک سال مالک آنها باشد. بنابراین، اگر مثلاً صد عدد گاو را خریداری کند و پس از نه ماه بفروشد، زکات واجب نیست.

**ب -** حیوان در تمام سال بیکار باشد. بنابراین گاو یا شتری که در کار مزرعه یا حمل بار از آن استفاده می شود، زکات ندارد.

**ج -** حیوان در تمام سال از علف بیابان بچرد. پس اگر در تمام سال یا مقداری از آن، از علف چیده شده یا کاشته شده بخورد، زکات ندارد. (م ۱۹۰۸ و ۱۸۵۶)

- ۳- زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سگه‌ای باشد که معامله با آن رواج دارد. بنابراین، آنچه امروزه بانوان به عنوان زیور استفاده می‌کنند، زکات ندارد. (م ۱۸۹۹)
- ۴- پرداخت زکات از عبادات است و باید آنچه می‌پردازد به نیت زکات و با قصد قربت باشد. (م ۱۹۵۷)

### مصرف زکات

- مصرف زکات در هشت مورد است که می‌توان آن را در تمام یا برخی از این موارد مصرف کرد:
- ۱- فقیر؛ و آن کسی است که در آمد یا موجودی وی کمتر از خرج سالانه خود و خانواده‌اش باشد.
  - ۲- مسکین؛ و آن کسی است که به کلی درمانده و بینوا باشد.
  - ۳- کسی که از طرف امام (ع) یا نایب او مأمور جمع آوری، نگهداری و توزیع زکات است.
  - ۴- برای اُلفت دادن دل‌ها به اسلام و مسلمانان؛ مانند غیر مسلمانان که اگر به آنها کمکی بشود، به دین اسلام مایل می‌شوند یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند.
  - ۵- آزاد کردن بردگان.
  - ۶- بدهکاری که نمی‌تواند قرض خو را بدهد.
  - ۷- در راه خدا، یعنی در کارهایی که نفع آن به عموم می‌رسد و مورد رضایت خداست، مانند ساختن جاده، پل، مسجد و مدرسه.
  - ۸- مسافری که در سفر درمانده است و خرج برگشت به وطن را ندارد، هر چند در وطن خود فقیر نباشد. (م ۱۹۲۵)

### پرسش

- ۱- موارد وجوب زکات اموال را نام ببرید.
- ۲- منظور از حد نصاب چیست؟
- ۳- نصاب غلات چهارگانه را بنویسید.
- ۴- اولین نصاب گاو و گوسفند و مقدار زکات هر یک چقدر است؟
- ۵- آیا نصاب، قبل از کم کردن مخارج، محاسبه می‌شود یا بعد از آن؟
- ۶- زکات محصولی که با پمپ آبیاری می‌شود چه مقدار است؟

## درس هفدهم

### امر به معروف و نهی از منکر

«امر» به معنای فرمان دادن<sup>۱</sup> و «معروف» در لغت به معنای شناخته شده و مشهور و نیز به معنای نیکی و کار نیک می باشد.<sup>۲</sup> معروف در این جا، اسم برای هر کاری است که (خوبی آن) به واسطه عقل یا شرع شناخته شده باشد.<sup>۳</sup> مانند واجبات الهی همچون نماز، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد و... نیز وظایف اخلاقی مانند صداقت، عدالت، احسان، اعتدال، امانت داری، انفاق، ایثار، تقوا، تواضع، زهد، عفت، عفو و گذشت، وفای به عهد و ... .

«نهی» یعنی بازداشتن، منع کردن<sup>۴</sup> و «منکر» یعنی کار زشت، نامشروع، ناپسند، ناشایسته و بد.<sup>۵</sup> و در اینجا منظور از منکر هر کاری است که شرع و عقل سلیم، به زشتی آن حکم می کنند.<sup>۶</sup>

برخی از منکرات عبارتند از: ستم به خدا و به خود و به دیگران، انجام محرمات خدا، اسراف و تبذیر، دروغ، غیبت، فساد، فسق، سوء خلق، بخل، تکبر، حسد، بی حجابی و بد حجابی، چشم چرانی، حرامخواری و....

### اقسام امر به معروف و نهی از منکر

هر کدام از امر و نهی در اینجا به دو قسم واجب و مستحب تقسیم می شود که موارد آن در زیر می آید:

**الف - امر به معروف و نهی از منکر واجب:** امر در چیزهایی که از نظر عقل و شرع

---

۱ - فرهنگ عمید، واژه «امر».

۲ - همان، واژه «معروف».

۳ - المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، ص ۳۳۱.

۴ - فرهنگ فارسی عمید، واژه «نهی».

۵ - همان، واژه «منکر».

۶ - المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۰۵.

واجب باشد، واجب است و نهی در چیزهایی که از نظر عقل زشت بوده یا از نظر شرع حرام باشد، واجب است.<sup>۱</sup>

لازم به ذکر است که «امر به معروف و نهی از منکر» واجب کفایی می باشد و در صورتی که بعضی از مکلفین قیام به آن کنند از دیگران ساقط است و اگر اقامه معروف و جلوگیری از منکر موقوف بر اجتماع جمعی از مکلفین باشد واجب است اجتماع کنند. (م ۲۷۸۷) و همچنین «بیان مسأله شرعی در امر به معروف و نهی از منکر کفایت نمی کند، بلکه باید مکلف، امر و نهی کند. مگر آن که مقصود از امر به معروف و نهی از منکر، از بیان حکم شرعی حاصل شود و یا طرف مقابل از آن، امر و نهی بفهمد.» (م ۲۷۸۹)

**ب - امر به معروف و نهی از منکر مستحب:** امر در چیزهای مستحب و یا نهی در کارهای مکروه، مستحب است.<sup>۲</sup>

### شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر

در فقه اسلامی برای کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، شرایط ویژه ای قائل شده اند که در صورت دارا بودن آن شرایط، امر و نهی بر او واجب می شود. شرایط امر و نهی عبارتند از:

#### ۱ - علم

منظور از علم آن است که آمر و ناهی بداند که آنچه شخص مکلف به جا نمی آورد، واجب است به جا آورد و آنچه به جا می آورد، باید ترک کند و بر کسی که معروف و منکر را نمی داند واجب نیست. (م ۲۷۹۱)

#### ۲ - احتمال تأثیر

شخص آمر و ناهی باید احتمال بدهد امر و نهی او تأثیر می کند، پس اگر بداند اثر نمی کند، واجب نیست. (م ۲۷۹۱)

اما اگر به اسم دین مبین اسلام، منکراتی انجام شود، یا بدعتی واقع شود اظهار حق و انکار باطل بر همه و به ویژه بر علمای اسلام واجب است و اگر سکوت علمای اعلام موجب هتک مقام

---

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۶۳، مسأله ۱. ۲ - همان.

علم و موجب اسائه ظن به علمای اسلام شود، اظهار به هر شکل ممکن واجب است، اگر چه بدانند تأثیر نمی‌کند. (م ۲۷۹۳)

اگر سکوت علمای اعلام موجب تقویت ظالم شود، یا موجب تأیید او گردد، یا موجب جرأت او بر سایر محرمات شود، واجب است اظهار حق و انکار باطل، اگر چه تأثیر فعلی نداشته باشد. (م ۲۷۹۵)

### ۳- اصرار بر گناه

شرط دیگر واجب امر و نهی این است که آمر و ناهی بداند شخص معصیت کار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند، پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که تکرار نمی‌کند، واجب نیست. (م ۲۷۹۱)

### ۴- نداشتن مفسده

شرط چهارم آن است که در امر و نهی مفسده‌ای نباشد. پس اگر بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه به او می‌رسد واجب نیست. همین طور اگر احتمال صحیح بدهد که از آن، ترس ضررهای مذکور را پیدا کند واجب نیست. بلکه اگر بترسد که ضرری متوجه متعلقان او می‌شود واجب نیست همچنین با احتمال وقوع ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی موجب حرج بر بعضی مؤمنین، واجب نمی‌شود، بلکه در بسیاری از موارد حرام است. (م ۲۷۹۱)

اما «اگر معروف یا منکر از اموری باشد که شارع مقدس به آن اهمیت زیاد می‌دهد، مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن مجید و حفظ عقاید مسلمانان یا احکام ضروری، باید ملاحظه اهمیت شود و مجرّد ضرر، موجب واجب نبودن نمی‌شود. پس اگر حفظ عقاید مسلمانان یا احکام ضروری اسلام، بر بذل جان و مال توقف داشته باشد، بذل آن واجب است.» (م ۲۷۹۲)

### استفتاءات

س ۱- آیا کسی که می‌خواهد شخصی را امر به معروف و نهی از منکر نماید، باید قدرت بر آن داشته باشد؟ و در چه زمانی امر به معروف و نهی از منکر بر او واجب می‌شود؟

ج - آمر به معروف و نهی کننده از منکر باید عالم به معروف و منکر باشد و همچنین بداند که فاعل منکر هم به آن علم دارد و در عین حال عمداً و بدون عذر شرعی مرتکب آن می‌شود و



زمانی اقدام به امر و نهی واجب می‌شود که احتمال تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در مورد آن شخص داده شود و ضرری برای خود او نداشته باشد و در این مورد باید تناسب بین ضرر احتمالی و اهمیت معروفی که به آن امر می‌نماید یا منکری که از آن نهی می‌کند را ملاحظه نماید. در غیر اینصورت امر به معروف و نهی از منکر بر او واجب نیست.<sup>۱</sup>

س ۲- اگر یکی از اقوام انسان مبادرت به ارتکاب معصیت کند و نسبت به آن لابیالی باشد، تکلیف ما نسبت به رابطه با او چیست؟

ج- اگر احتمال بدهید که ترک معاشرت با او موقتاً موجب خودداری او از ارتکاب معصیت می‌شود به عنوان امر به معروف و نهی از منکر واجب است و در غیر این صورت قطع رحم جایز نیست.<sup>۲</sup>

س ۳- اگر شخصی دارای نفوذ و موقعیت اجتماعی خاصی باشد که اگر بخواهد می‌تواند بر معترضین به خود ضرر وارد سازد و شواهدی هم دلالت کند بر اینکه وی مرتکب گناه و کارهای خلاف و دروغگویی می‌شود، ولی از قدرت و نفوذ او می‌ترسیم، آیا جایز است امر به معروف و نهی از منکر را در مورد او ترک کنیم یا اینکه با وجود ترس از ضرر رساندن او واجب است او را امر به معروف و نهی از منکر کنیم؟

ج- اگر ترس از ضرر منشأ عقلایی داشته باشد، مبادرت به امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست، بلکه تکلیف از شما ساقط می‌شود. ولی سزاوار نیست که به مجرد ملاحظه مقام کسی که واجب را ترک کرده و یا مرتکب فعل حرام شده و یا به مجرد احتمال وارد شدن ضرر کمی از طرف او، تذکر و موعظه به برادر مؤمن خود را ترک کند.<sup>۳</sup>

س ۴- بعضی از رانندگان از نوارهای موسیقی غنا و حرام استفاده می‌کنند و علی‌رغم نصیحت‌ها و راهنمایی‌ها آن را خاموش نمی‌کنند، خواهشمندیم نحوه برخورد مناسب با این موارد و این افراد را بیان فرمایید. آیا برخورد شدید با آنان جایز است یا خیر؟

ج- با تحقق شرایط نهی از منکر، بر شما بیشتر از نهی زبانی از منکر واجب نیست و در صورتی که مؤثر واقع نشود، واجب است از گوش دادن به غنا و موسیقی حرام اجتناب کنید و اگر به طور غیر ارادی صدای موسیقی حرام و غنا به گوش شما برسد، چیزی بر شما نیست.<sup>۴</sup>

۱- رساله اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۳۲۸-۳۲۹.

۲- همان، ص ۳۲۹.

۳- همان، ص ۳۳۰.

۴- همان، ص ۳۳۲.

س ۵- برادر من مسایل شرعی و اخلاقی را رعایت نمی‌کند و تاکنون نصیحت در او تأثیری نداشته است، وظیفه من هنگام مشاهده رفتارهای او چیست؟

ج - واجب است از اعمال خلاف شرع وی اظهار تنفر کنید و او را به هر روش برادرانه‌ای که مفید و مؤثر می‌دانید موعظه کنید، ولی قطع رحم و ارتباط، جایز نیست.<sup>۱</sup>

س ۶- رابطه با اشخاصی که در گذشته مرتکب اعمال حرامی مانند شرب خمر شده‌اند، چگونه باید باشد؟

ج - معیار وضعیت فعلی اشخاص است، اگر از آنچه انجام داده‌اند توبه کرده باشند، معاشرت با آنان مانند معاشرت با سایر مؤمنین است. ولی کسی که در حال حاضر هم مرتکب حرام می‌شود، باید او را از طریق نهی از منکر از آن کار منع کرد و اگر از انجام فعل حرام اجتناب نمی‌کند مگر با دوری جستن از او، قطع رابطه و ترک معاشرت با وی از باب نهی از منکر واجب می‌شود.<sup>۲</sup>

### مراتب امر به معروف و نهی از منکر

برای امر به معروف و نهی از منکر مراتبی است که جایز نیست با احتمال حاصل شدن مقصود از مرتبه پایین، به مراتب دیگر عمل شود. (م ۲۸۰۴)

مراتب امر و نهی عبارتند از:

#### ۱ - مبارزه منفی

به این معنا که با شخص معصیت کار طوری عمل شود که بفهمد برای ارتکاب معصیت، این نحو با او عمل شده است، مثل این که از او رو برگرداند، یا با چهره عبوس با او رو به رو شود، یا ترک مراوده با او کند و از او روی برگرداند به نحوی که معلوم شود این امور برای آن است که او از معصیت دست بکشد. (م ۲۸۰۵)

اگر در این مرتبه درجاتی باشد، لازم است با احتمال تأثیر درجه خفیف‌تر، به همان اکتفا کند، به عنوان مثال اگر احتمال می‌دهد که با ترک سخن با او، مقصود حاصل می‌شود، به همان اکتفا کند و به درجه بالاتر، عمل نکند، به خصوص اگر طرف، شخصی است که این نحو عمل موجب هتک او می‌شود. (م ۲۸۰۶)

## ۲- امر و نهی زبانی

مرتبه دوم از امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی به زبان است؛ پس با احتمال تأثیر و حصول سایر شرایط گذشته، واجب است اهل معصیت را نهی کنند و تارک واجب را به آوردن واجب امر کنند. (م ۲۸۱۳)

اگر احتمال بدهد که با موعظه و نصیحت، گنهکار معصیت را ترک می‌کند، لازم است اکتفا به آن، و نباید از آن تجاوز کند. ولی اگر می‌داند که نصیحت تأثیر ندارد، واجب است با احتمال تأثیر، امر و نهی الزامی کند و اگر تأثیر نمی‌کند مگر با تشدید در گفتار و تهدید بر مخالفت، لازم است، لکن باید از دروغ و معصیت دیگر احتراز شود. (م ۲۸۱۴ - ۲۸۱۵)

## ۳- اقدام عملی

مرتبه سوم توسل به زور و جبر است، پس اگر بداند یا اطمینان داشته باشد که ترک منکر نمی‌کند، یا واجب را به جان نمی‌آورد. مگر با اعمال زور و جبر، واجب است، لکن باید تجاوز از قدر لازم نکند. (م ۲۸۱۸)

اگر جلوگیری از معصیت توقف داشته باشد بر کتک زدن، سخت گرفتن و در مضیقه قرار دادن شخص معصیت‌کار، جایز است، لکن لازم است مراعات شود که زیاده‌روی نشود و بهتر آن است که در این امر و نظیر آن از مجتهد جامع شرایط اجازه گرفته شود. (م ۲۸۲۳)

اگر جلوگیری از منکرات و اقامه واجبات موقوف بر جرح و قتل باشد، جایز نیست مگر به اذن مجتهد جامع شرایط با حصول شرایط آن. (م ۲۸۲۴)

## یک نکته مهم

در زمان حاضر که حکومت جمهوری اسلامی در کشور ما استقرار یافته است و می‌توان مواردی را که به اعمال زور و قدرت و تصرف در مال و جان فاعل منکر نیاز دارد، به حکومت و مسؤولان نیروی انتظامی و دستگاه قضایی ارجاع داد، وظیفه مردم این است که در امر و نهی خود به انکار قلبی و زبانی بسنده کرده، موارد یاد شده را به مقامات مسؤول ارجاع دهند؛ تا آنها طبق قانون با افراد گناهکار و متخلف برخورد کنند؛ ولی در زمانی که طاغوت بر جامعه حکومت می‌کند، بر مکلفان واجب است که با اجتماع شرایط، مراتب سه‌گانه را به ترتیب مراعات کنند، تا غرض از امر و نهی حاصل شود.

بنابر این، مسائل و احکام مربوط به مرتبه اقدام عملی، که به اذن حاکم شرع و ولی فقیه مشروط شده است، به مقامات مسؤول و دستگاه قضایی ارجاع داده می‌شود. از این رو، اگر مکلف در جامعه به منکراتی برخورد کند که جلوگیری از آن به اعمال قدرت، کتک زدن، حبس کردن، مجروح کردن و کشتن توقف دارد باید مراتب را به مقامات مسؤول گزارش دهد و در این زمینه، همکاری لازم را با آنان داشته باشد.

### استفتاءات

س ۱- آیا در مواردی که راه جلوگیری از وقوع منکر منحصر به ایجاد مانع بین فعل حرام و فاعل آن، و آن هم متوقف بر کتک زدن وی یا زندانی کردن و سخت گرفتن بر او یا تصرف در اموال وی هرچند با تلف کردن آن باشد، می‌توان بدون کسب اجازه از حاکم، اقدام به آن از باب نهی از منکر نمود؟

ج- این موضوع حالات و موارد مختلفی دارد، بطور کلی مراتب امر به معروف و نهی از منکر اگر متوقف بر تصرف در نفس یا مال کسی که فعل حرام را به جا آورده نباشد، احتیاج به کسب اجازه از کسی ندارد، بلکه این مقدار بر همه مکلفین واجب است. ولی مواردی که امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر چیزی بیشتر از امر و نهی زبانی باشد، اگر در سرزمینی باشد که دارای نظام و حکومت اسلامی است و به این فریضه اسلامی اهمیت می‌دهد، احتیاج به اذن حاکم و مسؤولین ذیربط و پلیس محلی و دادگاههای صالح دارد.<sup>۱</sup>

س ۲- اگر مأمورانی که از طرف دولت وظیفه جلوگیری از فساد را بر عهده دارند، در انجام وظیفه خود کوتاهی کنند، آیا خود مردم می‌توانند اقدام به این کار کنند؟

ج- دخالت اشخاص دیگر در اموری که از وظایف نیروهای امنیتی و قضایی محسوب می‌شود، جایز نیست، ولی مبادرت مردم به امر به معروف و نهی از منکر با رعایت حدود و شرایط آن، اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

س ۳- آیا وظیفه افراد در امر به معروف و نهی از منکر این است که فقط به امر به معروف و نهی از منکر زبانی اکتفا کنند؟ اگر اکتفا به تذکر زبانی واجب باشد، این امر با آنچه در رساله‌های عملیه بخصوص تحریرالوسیله آمده است، منافات دارد و اگر مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر هم

۱- رساله اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۳۲۷-۳۲۸.

۲- همان، ص ۳۳۱.

برای افراد در موارد لزوم جایز باشد، آیا در صورت نیاز می‌توان همه مراتب مذکور در تحریرالوسیله را انجام داد؟

ج - با توجه به اینکه در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می‌توان مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر را که بعد از مرحله امر و نهی زبانی هستند، به نیروهای امنیتی داخلی (پلیس) و قوه قضائیه واگذار کرد، بخصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره‌ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می‌دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذیربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند و این منافاتی با فتاوی‌ای امام راحل (قدس سره) در این رابطه ندارد. ولی در زمان و مکانی که حاکمیت و اقتدار با حکومت اسلامی نیست، بر مکلفین واجب است در صورت وجود شرایط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند.<sup>۱</sup>

س ۴ - اگر کارکنان ادارات و مؤسسات در محل کار خود ارتکاب تخلفات اداری و شرعی را توسط مسئولین مافوق مشاهده کنند، چه وظیفه‌ای دارند؟ اگر کارمندی خوف داشته باشد که در صورت مبادرت به نهی از منکر ضرری از طرف مسئولین بالاتر متوجه او شود، آیا تکلیف از او ساقط می‌شود؟

ج - اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته باشد، باید امر به معروف و نهی از منکر کنند، در غیر این صورت تکلیفی در آن مورد ندارند، همچنین با وجود خوف از ضرر هم تکلیف از آنان ساقط می‌شود، این حکم در مواردی است که حکومت اسلامی حاکم نباشد. ولی با وجود حکومت اسلامی که اهتمام به اجرای این فریضه الهی دارد، بر کسی که قادر بر امر به معروف و نهی از منکر نیست، واجب است نهادهای مربوطه را که از طرف حکومت برای این کار اختصاص یافته‌اند، مطلع نماید و تاکنده شدن ریشه‌های فاسد که فساد آور هم هستند، موضوع را پیگیری کند.<sup>۲</sup>

### پرسش

- ۱- امر به معروف و نهی از منکر را تعریف کنید.
- ۲- اقسام امر به معروف و نهی از منکر را بیان نمایید.
- ۳- شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر را توضیح دهید.
- ۴- اگر مأمورانی که از طرف دولت وظیفه جلوگیری از فساد را بر عهده دارند، در انجام وظیفه خود کوتاهی کنند، آیا خود مردم می توانند اقدام به این کار کنند؟
- ۵- آیا وظیفه افراد در امر به معروف و نهی از منکر این است که فقط به امر به معروف و نهی از منکر زبانی اکتفا کنند؟
- ۶- اگر کارکنان اداره در محل کار خود ارتکاب تخلفات اداری و شرعی را توسط مسئولین مافوق مشاهده کنند، چه وظیفه ای دارند؟
- ۷- مراتب امر به معروف و نهی از منکر را نام ببرید.
- ۸- مبارزه منفی یعنی چه؟
- ۹- رابطه با اشخاصی که در گذشته مرتکب اعمال حرامی شده اند، چگونه باید باشد؟

## فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه (فیض الاسلام)

استفتاءات از محضر امام خمینی (ره)، دفتر انتشارات اسلامی.

بحار الانوار، علامه مجلسی، چاپ ایران.

تحریر الوسیله، امام خمینی (ره)، نجف اشرف.

تحف العقول، ابن شعبه حرّانی، مؤسسة النشر الاسلامی.

توضیح المسائل، امام خمینی (ره)، آستان قدس رضوی.

جهاد اکبر، امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

رسالة اجوبة الاستفتاءات، آية الله العظمی خامنه‌ای، ترجمه احمد رضا حسینی، انتشارات بین‌المللی

الهدی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

رسالة نوین، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی

«۳۸۰» استفتای جدید از امام امت، مؤسسه و نشر فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام).

صحيفة نور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

عروة الوثقی، سید محمدکاظم یزدی طباطبائی، انتشارات وجدانی، قم.

فرهنگ معارف اسلامی، سید جعفر سجّادی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

لغت‌نامه، علی اکبر دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران.

مجموعه آثار، شهید مرتضی مطهری، صدرا.

مستدرک الوسائل، محدث نوری، آل البيت.

مفردات القرآن، راغب اصفهانی، بیروت

المنجد فی اللغة، لويس معلوف، اسماعيليان.

منشور انقلاب (پیام امام به حجاج بیت اله الحرام در سال ۶۶)، آستان قدس رضوی.

وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، دار احیاء التراث العربی - بیروت.

ولایت فقیه، امام خمینی (ره)، نشر آزادی - قم.